خدا آفرین

تورکجه-فارسی

فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

تیر ۱۴۰۲– شمارگان مسلسل ۲۱۶ – قیمت ۱۰۰ هزار تومان

امیر علیشیر نوایی

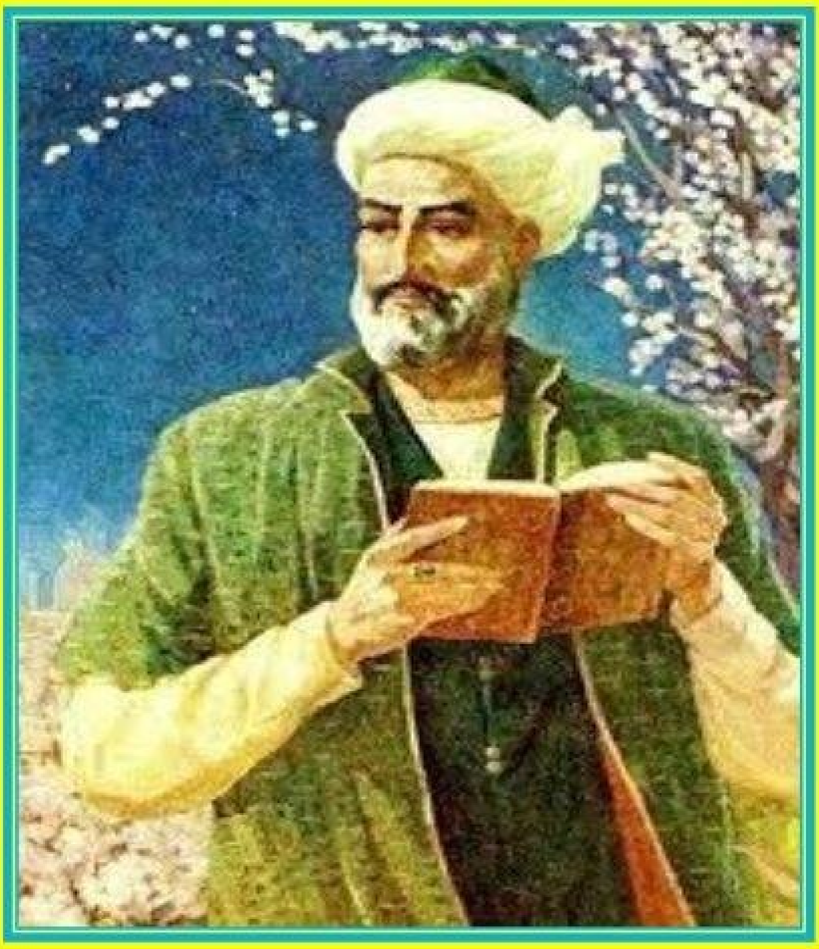

شماره مسلسل ۲۱۶– تیر ماه– سال۱۴۰۲ – ۶۰صفحه

مدیر مسئول سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران : علی محمدنیا

تانای شرقی دره جک

ویراستار: سمیه ستاری فر

مدیر سایت : مهندس فرید ستاری فر

زمینه مجله:

فرهنگی؛مسایل اجتماعی؛معلومات عمومی؛طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی؛تحلیلی؛خبری؛ اطلاع رسانی؛پژوهشی

گستره توزیع:آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛وتهران

آدرس چاپخانه:تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن:۶۶۴۹۳۰۸۴–فاکس:۶۶۴۶۰۸۹۵/ **09192281916**

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورتwordبه ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۶۰۰۰۰۰ و یکساله ۱۲۰۰۰۰۰هزارتومان به شماره کارت بانک شهر ۷۰۰۷۸۶۴۷۹۳۸۹ به نام حسین شرقی دره جک واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and scial mnthly magazin managing Directr cncessiner and chief Editr:Dr.HSSEIN SHARGHIDAREJAK(SYTURK)

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi,İctimayi,mədəni Dərgi

Təsissçi və Baş Redaktor: **Dr.HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)**

Say216 Temuz 2023, Tehran

tiraj: 2000 تیراژ

www.khudafarin.ir

Telegram: https://t.me/xudaferindergisi

khudafarin@yahoo.com

خداآفرین Xudafərin 216

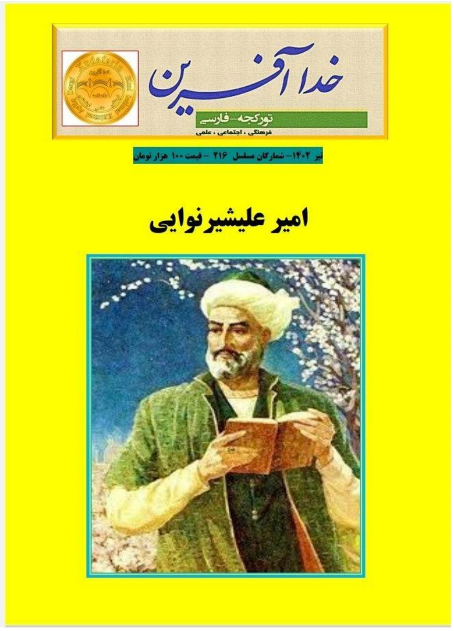

ایچینده کیلر:

دیل و ادبیات اورتاق کولتور باغلارینین تمللریدیر------------۲

زبان مادری زبان قلب و ذهن--------------------------------۳

ازبک دیل و ادبییاتی حاققیندا----------------------------۸

شعیر--۶۰

خدافرینه آبونه اولماقلا اونو داواملی ائدک!

دیل و ادبیات اورتاق کولتور باغلارینین تمللریدیر

Dil və ədəbiyyat ortaq kültür bağlarının təməlidir.

Sorumlu müdür və Baş yazar: Dr. Hüseyın Şərqidərəcək (Soytürk)
مدیر مسئول و سردبیر : دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

دونیا خالقلاری یارادیلیش دان بری فرقلی جغرافی بولگه لرده یاشادیقلاریندان دولایی آیری– آیری دیل و اینانجلارا بولونموشلر. زامان سورجینده بو توپلوملار فرقلی دیرلره صاحیب اولموشلار. آنجاق اوز توپلوم و یاخین اقربا توپلوملاردا بو پروسس ده اورتایا چیخمیشدیر.

تاریخین ان قدیم انسان توپلولوقلاریندان بیری ده "تورک" توپلولوغودور. تاریخین و زامانین ان درینلییندن قوپوب گلن تورک کیملیی و وارلیغی اصلینده بیر اصالت و سویلولوغون حقیقی معناسی دیر.

زامان سوره جینده گلیشیب و اولوشوب ایندی کی حال و دورومو کسب ائتمیشدیر. تاریخی بیر داغ و دامغا کیمی اوره یینه باسان تورک وارلیغی سوره جین گئدیشاتیندا چوخ تلاطولو چاخانتیلاردان ساغ و سالیم قورتارماغی باجارمیشدیر.

تورک اینسانی اینانملی و عزمکاردیر. وارلیغا اینانان و ذکاسینی بو استقامت ده یوکلین بیری دیر.وار اولوشون اسرار انگیز اولاناقلاریندان بیری ده کولتور و دیل دیر. دیل زامانین اولایلارینی کولتور بطنینده داشیان و اونو هر زامان دیری و زنده توتان دیر. بللی مقطع لره هر بیر ملت یادا اولوس اضمحلالا اوغرامیش اولور و ائله او میللتین اولومو ده اورادان باشلاییر.

حیاتین هر آنی چابا و مبارزه اولدوغوندان اولوسلاری بیرلشدیرن فردلر ده اولوسون هر گونکو وار اولما دینمیزمینده اشتراک ائدیر. هر بیر انسان فردی بیلرک یادا بیلمه ییرک بو پروسه دوردا قاتیلیم پایی واردیر.

بو اولوشومون آدی ایسه کولتوردور. کولتور هر بیر ملیتین زامانلا بیریکدیردیی مادی و معنوی وارلیق دیر. گئنه دیل بو قاطارین لوکوموتیوی دیر.

دیلین اساسیندا ایسه ادبیات یارانیر یعنی بیر کولتورون دونن دن بو گونه و یارینلارا داشینماسینین آراجی دیر. اونا گوره ادبیات سیز میلی اولوشوم یوخدور. میللی کیملیک و میللی وارلیغین خزینه سینین صاندیغی ایسه ادبیات دیر. دیل و ادبیات دان محروم قیلینان توپلوملار گله جک ده وارلیقلارینی داوام ائدیره بیلمزلر.

گئچمیشی گله جه یه داشیان و ایندی قوروب محکملندیرن یگانه فاکتور دیل ، ادبیات و کولتوردور. مضمون و ماهیت اعتباریله هر بیر اوز خالق و قاداش خاقلار بو زامان سوره سینده اورتاق حرکتین پارچالاری دیر.تورکلوک و تورکیزم ده بو ماهیتدن دوغان مضموندور. تاریخی و دونیوی حادثه دیر. واریمیش و وار اولاجاقدیر.

زبان مادری؛ زبان قلب و ذهن

محرم آقازاده

عدم توجه به آموزش و یادگیری زبان مادری، به اندازه دست کم ۱۲ سال کودکان را از تجربه و اندیشیدن به زبان مادری باز می دارد.

مروری بر آمارهای جمعیت دانش آموزی در کشورهای جهان تأیید می کند به طور تقریبی نزدیک به نیمی از کودکان و نوجوانان لازم التعلیم به مدرسه راه نیافته اند[1] هر کودک (فرد ۵-۶ تا ۱۷-۱۸ سال) باید بتواند به حق آموزش خود برسد. از سوی دیگر، او باید به آموزش شایسته هم دسترسی داشته باشد. در واقع، در کنار برآورده شدن حق آموزش باید آموزش مناسب و متناسبی هم تدارک شود. یکی از راه های متناسب و مناسب سازی آموزش، آموزش به زبان مادری است. فراهم نشدن آموزش به زبان مادری به معنای عدم رعایت فرصت برابر آموزشی و یادگیری است. دانش آموزی که زبان مادری او فارسی است و آموزش هم به زبان او فراهم می آید نسبت به دانش آموزی که زبان او کردی یا ترکمنی است، فرصت یادگیری بیشتری به دست می‌آورد.

آموزشی که به زبان مادری دانش آموز فراهم نمی آید، او را در معرض بسیاری از آسیب های تحصیلی و اجتماعی قرار می دهد.

از سوی دیگر، دولت هایی که حق آموختن به زبان مادری را نادیده می گیرند، به طور آشکار فرصت نابرابر آموزشی هم فراهم می آورند. در واقع، غنی را غنی تر می سازند. تاکنون در ایران هیچ دولتی به رفع این نابرابری آموزشی توجه نشان نداده است.

باری، عدم توجه به آموزش و یادگیری زبان مادری، به اندازه دست کم ۱۲ سال کودکان را از تجربه و اندیشیدن به زبان مادری باز می دارد. کودکان با محروم ماندن از یادگیری زبان مادری، زبان دل و ذهن خود را از دست می دهند و درست پس از پایان تحصیلات مدرسه ای یا دانشگاهی که وارد تجربه واقعی زندگی اجتماعی

می شوند با کاستی حاصل از زبان مادری روبرو می شوند.

هر زبانی در جهان بازنمایانندهٔ فرهنگی خاص است. زبان به مثابه یک پدیده اجتماعی حامل فرهنگ، لحن، طرز تفکر و طرز نگرش به جهان است. برتر از همه، آنچه می توان تصور کرد، محتوای زبان مادری است. زبان مادری، یگانه زبانی است که آمیخته با احساس یادگرفته می شود، احساسی که بدیلی برای آن وجود ندارد. اگر چه آموختن زبانی دیگر چونان پنجره جدیدی برای نگریستن و معنادادن به زندگی است، ولی در قیاس با زبانی دیگر، زبان مادری خودِ پنجره است. فروگذاشتن زبان مادری به بهانه یا به دلیل آموختن زبان رسمی(نه ملّی) یا زبان مدرسه ای به معنای دست انداختن به خس و خاشاکی برای نجات یافتن از غرق شدن است. شاهد چنین ادعایی سخن نلسون ماندلا است. ماندلا می‌گوید: "اگر با شخصی به زبانی سخن بگویی که بفهمد، آن سخن به ذهن او می نشیند. اگر با او به زبان خودش سخن بگویی، آن سخن به دلش می نشیند[۲]" تجربه نشان نداده است اشخاص از رسیدن به کسی که به زبان مادری ایشان سخن می گوید ناخرسند باشند. از این رو است که، هر کس در هر جایی که هست می‌کوشد همزبانش را پیدا کند. کسانی که با توسل به سخن حضرت مولانا، ادعا می کنند همدلی از همزبانی بهتر است، بیراه و گزافه نمی گویند. با این همه، دانستن این نکته خالی از لطف نیست که نظر مولانا کاستن از ارزش زبان مادری نبوده است. بنا بر این، استناد به اهمیت همدلی، مقدمهٔ خوبی برای به کنار نهادن کبرایی چون زبان مادری نیست.

در ادامه این نوشتار به چند دلیل تأکید بر آموختن زبان مادری پرداخته می شود.

زبان مادری پیش‌نیاز رشد هیجانی و ذهنی

زبان مادری و یادگیری زبان مادری توأمان آثار پرباری بر شکل گیری چگونگی هر شخص دارند. زبان شناسان، زیست شناسان و زیست روان شناسان بر این باور هستند که آهنگ، رنگ و زیبایی صدایی مادری از زمانی که کودک در رحم مادر هست به او انتقال می یابد. به دیگر سخن، بخشی از میراثی که نوزاد با خود به دنیا می آورد اندوخته هایی از زبان مادری است. بر این اساس است که، نوزاد به صدای مادر و پدر زودتر و بیش از هر کس دیگر واکنش نشان می دهد. توصیه عمومی و تخصصی به همه کسانی که از کودکان مراقبت می کنند آن است که برای ارتباط با کودکان به جای زبان آمرانه از زبان مادرانه استفاده کنند.

زبان کودک، زبان ساده و پیش پا افتاده نیست. زبان کودک آکنده از هیجان، احساسات، تصویرها و تخیلات است. بنا بر این، وقتی بیان می شود شایسته است با کودک به زبان کود سخن گفت، بدان معنا نیست که به ساده ترین شکل ممکن با او سخن گفته شود. زبان کودک همانا زبان مادر او است. رشد مغزی، عاطفی و هیجانی کودک در سال های اولیه زندگی، یعنی تا پایان دوره ابتدایی مرهون بهره مندی از زبان مادری است.

نخستین مفهوم سازی های کودک از خود و جهان اطرافش بر پایه زبان مادری اش شکل می گیرد. به همین ترتیب، کودک نخستین تجربه های عاطفی و شناختی خود از جهان را هم با زبان مادری ابراز می کند.

از این رو، بر پایه دیدگاه های روان‌شناسان رشدنگر، شناخت نگر و ساخت گرا، می توان گفت، بن مایه ها و ساخت های پایه ای ذهنِ هر شخص با مصالح زبانی مادر و در درجه دوم خانواده ای که کودک در آن قرار دارد ساخته می شود.

مردم دنیا از هر تیره و قبیله ای که باشند و به هر چند زبان سخن بگویند، زبان مادری برای آنان در درجه نخست اهمیت قرار دارد. کسانی که نمی توانند به زبان مادری صحبت کنند، بنویسند و ابراز عقیده کنند همیشه در حسرت بهره جستن از زبان مادری هستند. تجربه نیایشگری و برگزاری مراسم عبادی و آیینی در هر کجای مؤید آن است که مردم ترجیح می دهند عمیق ترین عواطف و احساسات و برداشت های خود را به زبان مادری خود شکل بدهند. بر این اساس، برای مردم، بهترین ترانه ها، لالایی ها، سوگ نامه ها و اندرزنامه ها آن هایی هستند که به زبان مادری ایشان فراهم آمده است.

وقتی شخص به زبان مادری اش سخن می گوید ارتباط مستقیمی بین دل، مغز و زبان او برقرار می شود. سخن گفتن به زبان مادری به شخص جرأت می بخشد. مردم به آن مقدار که از بی سوادی می ترسند، از سخن گفتن به زبان دیگر هم می ترسند. در مطالعه ای به مترجمان همزمان(دیلماج) ایتالیایی زبان که به زبان انگلیسی هم تسلط کامل داشتند، دو دسته واژه نشان داده شد(انگلیسی و ایتالیایی) در هر بار سرعت شناخت واژگان و واکنش آنان به واژه به وسیله موج نگارهای مغزی ثبت شدند. مقایسه اطلاعات به دست آمده نشان داد، شرکت کنندگان پژوهش، در شناخت و واکنش به واژه های ایتالیایی نسبت به شناخت و واکنش به واژه

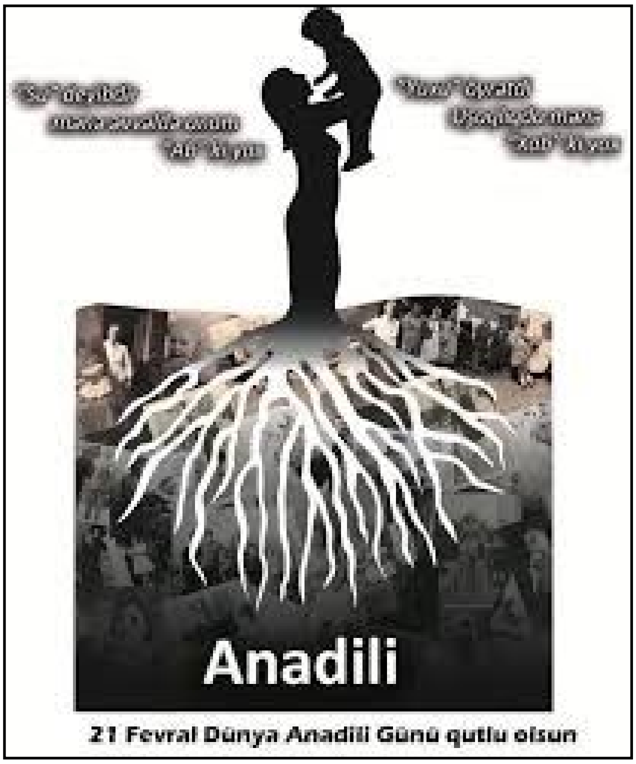

های انگلیسی عملکرد بهتری داشته اند. پروفسور آلیس مادو پروور بیو[۳]، استاد الکتروفیزیولوژی شناختی در دانشگاه Milano-Bicocca به دست آمدن چنین نتیجه ای را متأثر از آموخته های حاصل از زبان مادری می داند.

زبان مادری شاخصی برای هویت فرهنگی

کودک با استفاده از زبان مادری اش با والدین، خانواده، نزدیکان و منسوبان، فرهنگ، تاریخ، هویت و دین اش ارتباط برقرار می کند. زبان مادری، کودک را با فرهنگ جامعه ای که از آن برآمده است و هویت اش در آن شکل گرفته است پیوند می دهد. کودکی که زبان مادری اش را نداند از اثرگذارترین و کارآمدترین ابزاری که می تواند با استفاده از آن در دامان فرهنگ تربیت یابد، محروم می ماند.

زبان مادری ابزار سرآمدی برای انتقال فرهنگ و حفظ علقه های فرهنگی است. کودکی که از فرهنگ و تاریخ اش ناآگاه باشد در هر جای جهان باشد، در وطن یا در محل زندگی دیگر جرئت

ورزانه زندگی نخواهد کرد. هر کسی با زبان و فرهنگ اش قد می کشد و احساس سرافرازی می کند. بریده ماندن کودک از زبان مادری اش به گلی می ماند که بدون ریشه در داخل گلدان آبی گذاشته شده است. زبان، انسان را نامیرا می سازد. عمر زبان ها بلندتر از عمر انسان ها هستند.

غفلت رسمی و غیررسمی، عمدی و غیرعمدی خانواده ها و دولت ها از ایجاد زمینه برای رشد کودک با زبان مادری اش، جفا در حق کودک، فرهنگ و جامعه است. نادیده گرفتن زبان مادری کودکان و تحمل یک زبان به مثابه زبان ملّی که به غایت نادرست است حاصلی جز سست کردن هویت فردی، قومی و ملی نخواهد داشت. زبان رسمی یا زبان مدرسه ای، زبان ملی نیست. زبان مادری هر کس زبان ملی او است. چون زبان متعلق به آب و خاکی است که کودک در آن زندگی می کند. زبان انگلیسی در هند و پاکستان زبان رسمی هست ولی زبان ملی نیست. در مقابل، زبان های هندی، سندی، پنجابی و اردو زبان های ملی هستند. این زبان ها زاییده هند و پاکستان هستند. به همین قیاس، زبان فارسی زبان رسمی و مدرسه ای ایران است و زبان ملّی نیست. هفتاد و پنج زبان و حتی بیشتر از آن که در ایران یافت می شود همگی زبان های ملی هستند. ملی بودن چیزی به معنای تعلق داشتن آن به همه آحاد جامعه است. مردم ایران در هر جای کشور که باشند زبان ترکمنی را متعلق به خود می دانند.

زبان های موجود در هر کشوری پرچمی برای نمایاندن فرهنگ آن کشورهستند.

زبان مادری بنیانی برای یادگیری زبان های دیگر

جیم کامینز[۴] بر این باور است که، "کودکانی که با پیشینه قویی از زبان مادری وارد مدرسه می شوند، غنای زبان مادری آنان سبب می شود مهارت های زبانی زبانِ مدرسه را بهتر و سریع تر بیاموزند. توصیه به آن نیست که کودکان پیش از ورود به مدرسه زبان مدرسه را بیاموزند، بلکه اصرار بر آن است والدین و نزدیکانِ کودک پیش از ورود او به مدرسه برای او داستان های به زبان مادری بگویند و بخوانند. از این رو، وجود منابع گوناگون چاپی به زبان مادری کودک حیاتی است. داستان خوانی و داستان گویی های پیش از مدرسه ضمن رشد دادن و عمق بخشیدن به ریشه های زبان مادری به ایجاد هویت فرهنگی و مانا نگه داشتن بخش اصیلی از فرهنگ یاری می کند. کودکانی که دارای پیشینه غنی ای از زبان مادری هستند پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به همتایان خود نشان می دهند."

توانایی صحبت کردن به زبانی دیگر مدیون زبان مادری است. کودکی که با ظرافت های زبان مادری خود آشنا باشد، با مهارت های فراشناختی بالاتری برای یافتن راهی برای آموختن زبان دیگر می کوشد. چنین کوشش آگاهانه نتایج شایسته تری را برای یادگیرنده زبانی به جز زبان مادری به ارمغان می آورد. بر خلاف نظر کسانی که زبان مادری را مخل آموختن زبان مدرسه می دادند و اصرار دارند که کودک باید زبان مدرسه را پیش از مدرسه بیاموزد، مهارت های زبانی قابل انتقال هستند. این بدان معنا است که اگر یادگیرنده ای در زبان اول توانا باشد برای یادگیری زبان دوم از آموخته های زبان اول بهره خواهد جست. این پدیده درست مانند، مهارت های ظریف هنری یا غیره است. کسی که نخست ساز دوتار را آموخته است حتمن برای آموختن سه تار، تار و گیتار مهارت های پایه ای خود را به کار خواهد گرفت.

بدین سبب نمی توان و نباید گفت، برای آموختن گیتار نباید کسی پیشتر هیچ سازی را بیاموزد.

تجربه و پژوهش کشورهای مهاجر پذیر اروپایی و امریکایی نشان می دهد که کودکان در آموختن زبان مدرسه، زبان عمومی و زبان درسی، دچار دشواری اساسی نمی شوند. در این کشورها تأکید بیش از آن به آموختن زبان مدرسه باشد تمرکز بر فراموش نشدن زبان مادری است. دلیل اساسی این است که آن‌ها به تجربه دریافته اند کودکان از ناحیه یادگیری زبان مدرسه آسیب نمی بینند، بلکه آسیب جدی از سر گسسته شدن ارتباط زبانی کودک با فرهنگ خانوادگی و ملی خود است.

چه باید کرد؟

۱. عمل به تعهدات قانونی و ملّی برای ایجاد فرصت یادگیری پایه ای زبان مادری پیش از مدرسه و در مدرسه. کسانی که از درک این ضرورت عاجز هستند از درک فرهنگ و اهمیت آن هم عاجز هستند یا دانسته از کنار موضوع می گذرند.

۲. پرداخت هزینه عدم تأمین آموزش به زبان مادری یا پرداخت هزینه نابرابری آموزشی. هر سال، از بودجه ملی برای فراهم کردن آموزشی نابرابر هزینه کلانی می شود. بنا بر این، برای جبران، هزینه ای که از حساب دانش آموزانی که زبان اولشان زبان مدرسه نیست، شده است، دولت باید دست به اقدامات جبرانی بزند. بر اساس محاسباتی که صورت می گیرد، دولت باید هزینه یادگیری زبان مادری را به دانش آموزان محروم از آموزش به زبان مادری بپردازد.

۳. حمایت مالی و نهادی از نویسندگان زبان های در معرض خطر. بخشی از جبران هزینه های نابرابری آموزشی، می تواند به صورت حمایت از نویسندگانی که به زبان های مادری تولید اثر می کنند صورت بگیرد. بند های شماره های ۴ تا ۸ هم می تواند تحت شمول توضیح بند شماره ۳ باشند.

۴. تخصیص یارانه حمایت از نشریه های ویژه زبان های ملّی.

۵. ایجاد فرهنگ سراهای زبان مادری و حمایت مادی، مالی و معنوی از آن‌ها.

۶. حمایت از شبکه های اینترنتی، سازمان های مردم نهاد فعال در ترویج زبان های های ملّی/مادری.

۷. راه اندازی و حمایت از شبکه های رادیویی به زبان های های ملّی.

۸. ایجاد فرصت یادگیری بدیل برای یادگیری دروس مدرسه ای به زبان مادری.

مراجع

·Cummins, Jim. Bilingual Children's Mother Tongue Why Is It Important for Education? Available at http://www.iteachilearn.com/cummins/mother.htm. Accessed in June ۲۰۰۹.

http://www.fountainmagazine.com/Issue/detail/Mother-Tongue-The-Language-of-Heart-and-Mind

·International Herald Tribune, May ۲۳, ۲۰۰۸. Brain Activity Reveals Mother Tongue. Available at http://www.iht.com/articles/ap/۲۳/۰۵/۲۰۰۸/europe/EU-FEA-GEN-Italy-Language-Of-Thoughts.php

[۱]http://www.campaignforeducation.org/en/news/global/view/۶۷۴-the-importance-of-mother-tongue-education

[۲]http://mappingignorance.org/۰۳/۰۲/۲۰۱۴/mandela-was-right-the-foreign-language-effect/

[۳]Alice Mado Proverbio

[۴]Jim Cummins

ازبک تیل و ادبیّاتی حاقیندا

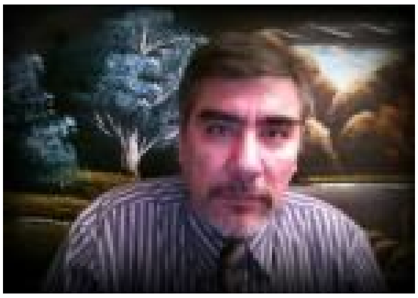

ایشانچ توره

به کوشش دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

بیشلیک (بشلیک)

خرد باغبانی

خرد باغبانی بؤلماق إیسته دیم امّا، باغیم یؤقدیر،
اونی قورماق تیله یدیرمین قنی ایندی چاغیم یؤقدیر،
آغو توتمیش یر و کؤکنی، اونرگه توپراغیم یوقدیر.
اوزیلگن تامیری، سولغین آغاچمن بیپراغیم یوقدیر.
إیچیمده درد آغیر، قت-قت، اوزوندیر ائتماغیم یؤقتدیر.

روانیم باغیده سَیر ایله نگگیز سیز کیسکه-اوشاقلر،
جانیم جانیده ارداغ تاپدینگیز ای قرا یو آقلر،
کؤکسیمدن دهری انگلب، سورمنگیز آشنایو اؤرتاقلر،
سؤزیم نینگ معناسیدین سیپقرینگ ای بغری چنقاقلر،
إیچیمده تؤلغنور اؤزلیک، دینگیزمن قیرغاغیم یوقدیر.

خرافی ملتیم دردیدن اؤلدیم آه نجات ایندی،
بو تار دنیا یوزیده سیغمه دیم إیزلی ثبات ایندی،
یوزیمگه آچ یاروغ بغرینگنی هردم کائینات ایندی،
قؤلیمدن توت حیات باشله، مینگه إیلگینگ اوزات ایندی،
بو ترقاق، اؤز باشیمچه ایل ارا اسقاتماغیم یؤقدیر.

عقل اؤرنیده اسلام اهلیده سه سیق ساقال کؤردیم،
قیزیل کوز یاشگه کومیلگن نیچه قیز و عیال کؤردیم،
أیلانر بغریده سیوگیسی تاپته لگن وصال کؤردیم،
مَحیتده سکس، بچّه اوستیده کوپ قیل و قتل کؤردیم،
حقیقتنی آچیق یازماق إیشیدن قیتماغیم یؤقدیر.

عمر بؤیی بوزوقلیک تاردینگ آباد بؤل کؤنگلیم،
توهم باتقاغیدن باش چیقردینگ شاد بؤل کؤنگلیم،
ساکن آباد و جیملیک قعریده فریاد بؤل کؤنگلیم،
حور و غلمان و جنت، دینیدن آزاد بؤل کؤنگلیم،
چو یر بؤلدی مینگه جنّت و ائری اوچماغیم* یؤقدیر.

یشش اچّیق-چوچیگین تارتدینگ عمرینگده کوپ و کم،
حیاتده یؤق عدالت انگله دیم اخلاق و منطق هم،
گؤزه ل فرهنگ لطفیدن یاوزلیکلر تاپر برهم،
قلمنی تیلگه سال یازگیل إیشانچ بؤلسین سؤزینگ اؤکتم،
حیات بیرله تفکّردن بؤلک زور قئناغیم یؤقدیر.

تیلشناسلیک مئساله سیده بحث

(بیرینچی قسم)

دوستلریمیزدن حرمتلی اکرم مرور «لغتشناس»حلیم یارقین جنابلریدن منه بونده ی سؤره بدیلر: " یازوولرده "چه" پسوند بولیب کیلیب اوزبیکچه، فارسچه یا عربچه یازەدیلر. نیمه اوچون اوزبیکی، فارسی یا عربی یازمەیدیلر؟".

یوقاریده گی سوالنی ادبی قیلیب بیتسک منه بونده ی یازیله دی: یازوولرده نیمه اوچون "اؤزبیکی"، "فارسی" و "عربی" دیمَی؛ "-چه"قؤشیمچه سی قؤشیلیب، اؤزبیکچه، فارسچه و عربچه، -دیب بیتیله دی. نیگه شونده ی؟

سوال تؤغری قؤئیلگن، بیراق حلیم یارقین جنابلری سؤراققه جواب بیرمی، (-چه) قؤشیمچه سی حقیده معلومات بیره دیلر. سوالگه علاقه سی یؤق مئساله گه اؤزلری« توزگن» ۲-جلدلیک

لغتگه اساسله نیب، اؤزلریچه آیدینلیک کیریتگنلر. و نهایت معلومات آستیگه منه بونده ی: " بو حقده بحث آچیق. حرمتلی اوقووچیلردن ده ینگی و تولدیرووچی معلومات و فکرلرنی کوته‌میز."-هم دیگن ایکنلر. جناب اکرم مرور سوالیگه مقاله آخریده جواب قیله میز البتته. اؤرنی بیلن مولف ایضاحلریگه قدم-بقدم مناسبت بیلدیریشگه حرکت قیله میز.

کمینه اؤزبیک تیلی و ادبیاتیدن تعلیم آلگن شخص صفتیده(وقتیم یؤق بؤلسه-ده) جناب یارقین نینگ چارلاویگه کؤره بحثگه قؤشیلگیم کیلدی. مقاله ده حرمتیمیز سیره اؤکسیمه گن حالده، ایضاحلرگه قؤلیمیزدن کیلگنچه خالص، علمی، غرضلردن خالی فکر یوریتماقچیمیز. ائریم دلیللریمیز حقیقت بؤلگنی اوچون تنقیدی توس آلیشی ممکن. بو نرسه طبعی حال. علمده ائتیلیشی ممکن بؤلگن گپلردن.

ینه حلیم یارقین جنابلری یازه دی: " «چه» قوشیمچه‌سی حقیده بیزنینگ «فرهنگ اوزبیکی به فارسی» سوزلیگیمیزنینگ ۲- جلدی، چ حرفیده به تفصیل معلومات بیریلگن. او ییرده "چه" هم قوشیمچه و هم گرامر بیلگیسی صفتیده باغلاوچی، کوچلنتیرووچی، تأکید، ... کبی وظیفه‌لرنی بجرگنی اوچون ایکی أیری عنوانده ایضاح بیریلگن." بیزگه کؤره ایضاحلر پله -پرتیش، ناتؤغری، چلکش، نا فره فیسنال(غیر فنی)یازیلگن بؤلیب، بولر خصوصیده قوئیراقده بتفصیل سؤز یوریته میز. تیلشناسلیده هلی یازیلمه گن: « "چه" هم قوشیمچه و هم گرامر بیلگیسی(؟) صفتیده باغلاوچی(؟)، کوچلنتیرووچی(؟)، تأکید(؟)،..."-دیب یازگنلریدن عجلنمسه هم بؤله دی. تیلشناسلیکده هر بیر اتمه نینگ انیق و تینیق معنالری بار. لینگویستیکه علمیدن مطلق خبرسیز محترم انسان باشقه نیمه دیب هم یازسین؟! بولر تؤغریسیده هم کیزی کیلگنده سؤز یوریته میز.

باشده کیلتیریلگن انه شو منبع گه مناسبت بیلدیریسک:

اولا، "-چه" سؤز ایمس قؤشیمچه دیر. علمی طلب گه کؤره، افیکسلر بیر اؤزی هیچ قنده ی معنا انگلتمه گنی باعث اونی فرهنگ/سؤزلیکلرگه کیریتمه یدیلر. فایده لنووچی عامه اوچون حاجتی هم یؤق. قؤشیمچه لرنی نه فقط اؤزبیک لغتشناس لیگیده، (فارس فرهنگلرینی حسابگه آلمه گنده، اولرده ایضاحلی لغت یازیش هلی وجودگه کیلمه گن)بوتون دنیا خلقلری لغت نامه لریگه کیریتیلمه گن. بو تؤغری إیش. عادتده افیکسلر سؤزلرگه قؤشیلیب، گره مه تیک معنا بیلدیره دی. "-چه"-دیب قنچه یازمنگ، قنچه گپیرمنگ تینگلاووچی و اؤزگچه شخص اوچون هیچ قنده ی معنا بیلدیرمه یدی. باردی: کتاب+چه(کتابچه)، قیز+چه(قیزچه)، یولدوز+چه، اؤزبیک+چه(اؤزبیکچه) دیب یازسنگیز تینگلاووچی معلوم بیر نرسه، واقعه-حادثه حقیده تصوّرگه ایگه بؤله دی. قؤشیمچه لر سؤزلرگه قؤشیلیب، تورلی گرمه تیک(مارفولگیک) معنا بیلدیریب کیله دی.

اصلیده"-چه" قؤشیمچه سی تیل شناسلیک نینگ مارفولوگییه(صرف)نینگ-سؤز یسه لیشی بابیده علحیده اؤرگه نیله دی. اؤزبیک تیلی تورکی تیللر تورکومیده گی اگلیوتیناتیف(افیکسلر آرقه لی معنا حاصل قیلیشی)خصوصیتگه ایگه بؤلگنی اوچون قؤیشیمچه لرگه بایدیر. افیکسلرنی سؤزلیک صفتیده لغتگه کیریتیش مطلقا علمگه ضددیر. شونینگدیک، جناب حلیم یارقین اؤز ایضاحیده: " بیزنینگ «فرهنگ اوزبیکی ب‌ه فارسی» سوزلیگیمیزنینگ۲- جلدی، چ حرفیده ب‌ه تفصیل معلومات بیریلگن. "-دیب قید قیلگن. کؤره میز، اوشبو «فرهنگ اوزبیکی ب‌ه فارسی»نینگ حقیقی ایگه لری کیملر؟ چیندن هم جناب حلیم یارقین و دوکتور شفیقه یارقینمی؟ مقاله میزنینگ إیکّینچی قسمی انه شو خصوصده بؤله دی. اؤقیب بارینگ. دوامی بار...

تیلشناسلیک مسأله سیده بحث

(إیکینچی قسم)

تنقیدی مقاله‌میزنینگ إیکّینچی قسمی فرهنگ «ازبکی به فارسی» لغتیگه بغیشلنه‌دی. بیلگه‌نینگیزدیک ۲ جلدلیک اوشبو سؤزلیک نینگ "مولفلری" حرمتلی حلیم یارقین و شفیقه یارقین بؤلیشه‌دی. نی بختگه بو سؤزلیک کمینه نینگ کتابخانه‌سینی هم بیزه‌ب توریبتدی. مین بو لغت بیلن یقیندن تنیشمن. قیزیققنیمدن بیر نیچه بار اؤقیب چیقیب، کمچیلیک جایلرینی انیقلب، اولر قرشیسیده سؤراق علاملری قؤیب اؤتگنمن. بو حقده قوئیراقده سؤزلشه‌میز.

لغت‌شناسلیک تؤغریسیده قیسقچه معلومات

لیکسیکوگرافیه یاکه لغت‌شناسلیک علمی تیل‌شناسلیک نینگ اینگ مرکّب ساحه‌لریدن بیری حسابلنه‌دی. لغت‌شناس لغت توزیش اوچون فیلالوگیه‌نی اؤقیگن (باشلنغیچ و اؤرته مکتبنی هم آنه تیلیده بیتیرگن بؤلسه-کو، نور اوستیگه اعلی نور بؤله‌دی)، تیل ساحه‌سیده علمی إیشلر قیلگن، تیل بؤئیچه قطار اثرلر مولفی بؤلیش بیلن بیر قطارده لغت‌شناسلیک ساحه‌سیده تجربه آرتیریب، تنیلگن بؤلیشی، درس اؤتب، کؤپلب طلبه‌لرنی یتیشتیرگن بؤلیشی کیره‌ک. شونینگ بیلن بیر قطارده لغت توزیش إیشلریده فعال قتنه‌شیب کیلگن أیتوک تیل‌شناسلرگینه بو إیش نینگ عهده‌سیدن چیقه آلشی ممکن. بیتته سؤزنینگ گرومه‌تیک توصیفینی بیلیش اوچون کمیده حاضرگی اؤزبیک تیلی صرف و نحوینی اوقیب، اؤقیگن بؤلیشی شرط. بو فن اؤزبیک تیلی تاریخی، تاریخی گرومه‌تیکه، عمومی تیل‌شناسلیک، لیکسیکولوژی، ایتمالوژی و باشقه کؤپلب تیل‌شناسلیک ساحه‌لریدن خبردار بؤلیشنی هم طلب ایته‌دی. شونده‌گینه لغت‌شناسلیک نینگ بیرار ترماغیده سؤزلیک یره‌تیش ممکن بؤله‌دی. برچه‌دن مهمی لیکسیکوگرافیه تاریخینی بیش قؤلدیک بیلماق ضرور. توزیلگن فرهنگ علمی جماعه تامانیدن تصدیقله‌نیب، آبدان توزه‌تیلیب، کیئین باسمه‌گه تاپشیریله‌دی.

معلوم که، اؤزبیک لغت‌شناسلیک تاریخی جوده بای بؤلیب، قدیم-قدیملردن باشلنه‌دی. شو بوگونچه تیلیمیز تاریخیده یوزلب سؤزلیک یره‌تیلگن دیسک مبالغه بؤلمس. اولوغ بابامیز محمود کاشغری‌دن آلدین هم سؤزلیک توزیلگه‌نینی کؤپچیلیک بیلمسه کیره‌ک. بو دورده فارس تیلیده هیچ قنده‌ی لغت توزیلمه‌گن ایدی.

شونینگدیک، فرهنگلرنینگ تورلری (علم-فن ساحه‌لری بؤئیچه) هم جوده کؤپ بؤلیب، اولر معلوم علمی میتود اساسیده توزیله‌دی. سؤزلیکلر

نینگ مضمون و شکلی، مقصدی، حجمی، معلوم منبع و مولفی(یازووچیلر) بؤله‌دی. سؤزلیکلر اساسن، جمعت نینگ تورلی قتلملری نینگ کونده‌لیک احتیاجینی قاندیریش اوچون توزیله‌دی. حاضرگی زمان آدملری اؤز دوریده إیشله‌تیلیب کیلینه‌یاتگن تورلی سؤزلرنینگ کیلیب چیقیشی، تؤغری و کؤچمه معنالرینی بیلگیسی کیله‌دی. شونینگ اوچون هم تیل‌شناسلیکده ایضاحلی لغت توزیش عنعنه‌سی وجودگه کیلگن. لغت‌شناس عالم اؤز دوری سؤزلرینی اؤنلب رمان، یوزلب قصّه، حکایه، علمی عامه‌وی نشرلردن قیدیریب تاپه‌دی. سؤزلرنی شاعر و یازووچیلر، عالم و دانشمندلر قیسی معناده قؤلـله‌گه‌نینی انیقلب آلیشه‌دی. تورلی ساحه‌لرگه عاید ائریم علمی تیرمینلرگه ایسه تیل‌شناس-لغت‌شناس عالملر نینگ اؤزیلری ایضاح بیره‌دیلر. لغتلرگه گرمه‌تیک توصیف بیریلگندن سؤنگ اولر الفبا ترتیبیگه کیلتیریلیب، فرهنگ صفتیده استفاده اوچون کینگ عامه اختیاریگه تاپشیریله‌دی. لغت‌شناسلر اؤزلری سؤز اؤیلب تاپیب، اولرگه قارینلریدن چیقریب معناله‌میدیلر. اوندن هم مهمی هیچ بیر تیل‌شناس-لغت‌شناس بوندن یوز أیل آلدن (اورخون-ینه‌سای بیتیکلریدن باشلب) منبع و متنلرده قید قیلیب کیتیلگن تاریخی سؤزلرنی هیچ قچان بوگونگی ایضاحلی باشقه هر قنده‌ی لغتلرگه کیریتمه‌یدیلر. شونده‌ی سؤزلر بؤلسه، اولر علیحده-علیحده لغتلر تورکومیدن نشر قیلینه بیره‌دی. لغت توزیش إیشلریگه بوندن باشقه بیر قنچه معیار، قاعده و اصوللر بارکه، اولر حقیده بو یرده گپیریش آرتیقچه‌لیک قیله‌دی. دیماقچیمیزکه تورلی-تومن سؤزلرنی هر کیم هر یردن أیغیب، اؤزیچه تلفظ قایل بؤلیب، اؤزیچه معنا قیلیشگه علمده بها بیریلمه‌یدی. کیسکین تنقید قیلینیشی تورگن گپ. ائتیلیشیچه بونقه إیشلر افغانستان اؤزبیکلری آره‌سیده بازاری چقان، بونداق إیشلر تاباره اورچیب بارماقده.

اما، بیزنینگ «لغت‌شناس»لریمیز تامانیدن توزیلگن سؤزلیک(؟) یعنی فرهنگ «ازبکی به فارسی» لغت‌شناسلیک نینگ هیچ بیر پرنسیپیگه تؤغری کیلمه‌یدی افسوس. تحصیل، تعلیم و ملکه‌سیز توزیلگن بو سؤزلیک مجازی ترماقلرده تیلداشلریمیز تامانیدن بیلیب-بیلمه‌ی، جوده کؤپ بیراق قیلیندی. بویورتمه بؤیئچه ایران اسلام جمهوریتی نینگ «آلتین» مدالینی هم قازاندی. حتی که، الیکترون ورینتی هم اینترنیت صحیفه‌لرینی لاله زار قیلیب یوباردی. مقاله‌میز قهرمانلری حرمتلی "مولفلر" هم آغزلرینی تؤلدیریب «بیزنینگ ۲ جلدلیک فرهنگ» - دییه مقته‌نیشدن چرچه‌مه‌دیلر. علم هم بیر معناده "بی‌دروازه شهر"گه اؤخشب، إیشلر گویاکه، "هیچ کیم بیلمه‌یدی و توشینمه‌یدی" - بؤلیب کیلماقده. بیزنینگچه کیمگه‌دیر یاقه می، یاقمه‌یدی می هر قنده‌ی اثر عادلانه نقد قیلینیب، اؤز بهاسینی آلماغی کیره‌ک. ینه بیر گپ شوکه، بونده‌ی سؤزلیک بارلیگیدن اؤزبیکستان لغت‌شناسلر جماعه‌سی خبرسیز. بیلمه‌ی تورگنلری یخشی حاضرچه. «ازبکی به فارسی» فرهنگیده بیرگینه دوکتور دیب تنیشتیریلگن ادبیات‌شناس (دکتر ایمس) ایرگش آچیلوفدن آت توتیله‌دی. او کیشی کلاسیک میراث بؤیئچه تدقیقات قیله‌دی؛ لغت‌شناسلیک بیلن شغللنمه‌یدی او کیشی. فرهنگ إیشلریگه باش-قاش بؤلگن ایرانلیک (سپاه پاسداران) آخوند بچه‌لرنینگ شوم تأثیری، کؤرستمه‌لری شونده‌ی سیزیلیب توره‌دی. کیزی کیلگنده شونی هم

ائتیش کیره‌ک که، فرهنگ ایران نینگ اؤزبیکستانده‌گی ایلچیخانه‌سی نینگ بویروغی، تشبثی و مالیوی کؤمگی بیلن تهرانده چاپ یوزینی کؤردی. لغت نینگ کیریش قسمیده ایرانچه‌سیگه یومشاق قیلیب، بیر-بیریگه کؤپ باره قایشق تشلەشدی. ارادت بلندلیگیدن ایرانلیکلر بیر جایده لغتشناسیمیزنی(؟) «دکتر حلیم یارقین» - دیب هم سیلب قؤیەدی.

فرهنگ «ازبکی به فارسی» نینگ یخشی تامانی

انصافدن اؤتمەسک بیر وطنداشیمیز بیلسه-بیلمسه هر یردن بیر یتک سؤزنی فارسلرگه (اگر اولر إیستشگن بؤلسه‌لر) ترجمه قیلیب بیریشی آغیر محنت. بونی شو معناده یخشی دیسه بؤلر. بیراق، بونده‌ی إیش نینگ اؤزبیکلرگه سیره آسیغی، کیره‌گی یؤق. بو سؤزلیگده‌گی لغتلرنینگ فارسچه معادلی «نیمه ایکن؟» قیلیب، کله‌وه‌له‌نیب یوریشدن کؤره اؤقیمه‌گنی توزیکدیر. اؤزبیک یاشلریگه اؤزبیکچه پیشق علمی، ادبی پوبلسیستک متن کیره‌ک. اؤزبیک یاشلری نینگ نطقینی اؤستیریش، تؤغری یازیش و تؤغری کپیریشگه کؤمکداشلیک لازم.

مقاله نینگ قویقه‌سی/دُرده‌سی

ایندی «ازبکی به فارسی» لغتیگه کیلسک. اوشبو ۲ جلدلیک لغت بابیده اوراق گپیریش ممکن. تنقید قیلیب (بو حقده وقتینگیزدن اچینمه‌ی) یازمن دیسنگیز کتته‌گینه بیر کتاب وجودگه کیله‌دی. فرهنگده اعتراضلی اؤرینلر شونچه‌لر کؤپ که، قی یردن باشلب توگه‌تیشگه عقلیم شاشیب، باشیم قاتیب توریبتدی.

«سؤزلیک؟» نینگ حقیقی مولف یاکه مولفلری کیم اؤزی؟ هر حالده حقیقت شوکه، فرهنگ مولفی حرمتلی حلیم یارقین و شفیقه یارقین ایمسلر. بو فرهنگگه کیرگن سؤزلر اساسن ۲ جلدلیک «اؤزبیک تیلی نینگ ایضاحلی لغتی»دن آلینگن. مسکوده باسمه‌دن چیققن اوشبو مهم اکادیم نشر اؤزبیکستانده کیئین توزیلگن دیرلی برچه لغتلر اوچون اساس بؤلیب خذمت قیله‌دی. مذکور سؤزلیکنی توزیشده اؤنته اتاقلی کیکسه لغتشناس عالم (اکابروف، علی قولوف، ابراهیموف، ممت قولوف، معروفوف، میرتاجی‌یف (کمینه نینگ علمی رهبری)، میخایلوف، رستموف، خواجه‌خانوف، عظیم حاجی‌یف) اوراق أیللر دوامیده سؤزلرنی تؤپله‌شیب، ایضاحلی لغتنی یره‌تیشگنلر. افسوسلر بؤلسین که، افغانستانلیک «لغتشناسلر؟»یمیز ایزنی یؤقاتیش قیلیب، بو معتبر منبعنی اته‌ین کؤرستمه‌گنلر. سؤزلیک نینگ ۱-جلد (کیریش)ده بیریلگن ریفرانسلرده اتیگی بیته‌گینه «عظیم حاجی‌یف توزگن کؤپ جلدلی...«ایضاحلی لغت» - دیگن موهوم حواله کؤزگه تشلنه‌دی. حال بوکه بونده‌ی لغت نینگ اؤزی یؤق. عظیم حاجی کؤپ جلدلی ایضاحلی لغت توزمه‌گن. بلکه، هلی باسیلیب چیقمه‌گن/إیشی بیتمه‌گن ۴ جلدلیک «ایضاحلی»گه هم مولفلیک قیلیب کیلماقده. فرهنگده موضوعگه علاقه‌دار کؤرسه‌تیلگن بیتته‌گینه مهم منبع شو بؤله‌دی. قالگن ۴۳ته منبع ایرانی فرهنگلر، تیل‌شناسلیکّه عاید درسلیکلر، «سنگلاخ»، «دیوان الغات الترک» و نوایی اثرلری نینگ ۴ جلدلیک ایضاحلی لغتی و هکذالر منبع اؤله‌راق کؤرسه‌تیلگن. خانم شفیقه یارقین تیارله‌گن«ظهرالدین محمد بابر دیوانی» (مین تنقیدی متن اساسیده ترتیب بیریلگن بو کتابنی آلقیشله‌یمن)نی هم مأخذ صفتیده یازیب قؤئیلگن. بونگه اؤخشش ریفرانسلرنینگ لغت توزیشگه نیمه علاقه‌سی بار؟ علمی، تدقیقات می ایدی یاکه! فرهنگ «ازبکی به فارسی»ده ۴۸

بیتلیک عمومن إیشگه علاقه‌سی یۇق قۇشیمچه عمومی معلوماتلر کیریتیلگن. سۇزلیکده لغتشناسلر «ترکی ازبکی» دیگن صنعی، کیره‌کسیز و ناتۇغری اتمه‌نی تبلیغ قیلیشگه هم کتته حصّه قۇشگنلر.

مولفلیک حقوقی نیمه؟

بو حقده اینترنیته‌ده، تورلی تیللرده جوده کۇپ معلومات بیریلگن. مذکور توشونچه، حقیقی و حقوقی شخص نینگ معنوی ملکینی قانون تاماتلمه حمایه قیلیش مقصدیده میدانگه کیلگن بۇلیب، خلق ارا حجتلرده رسمن تن آلینگندیر. هیچ کیم بیراوںینگ یره‌تمه‌لری: اثری/کتابی، کویی، موسیقه‌سی، مدحیه‌سی، چیزگن رسمی، نقشی، اختراعسی، کشفی، فکری، شعری و باشقه‌لرینی ادبی اۇغریلک یۇلی بیلن اۇزینیکی قیلیشگه یۇل قۇیمه‌یدی. کاپی‌رایت قانونینی آیاق آستی قیلگن شخص و تشکیلات محکمه قیلینیب، آغیر اقتصادی جزاگه تارتیله‌دی و جوده اولکن مقدارده توان تۇلشگه مجبور ایتیله‌دی. بیزنینگ مقاله‌میز مرکزیده تورگن عزیز فرهنگ توزوچیلر اپتیدن مولفلیک حق-حقوقینی حرمت قیلمه‌گن کۇرینه‌دیلر. نیمه دیب سۇره‌سنگیز «اۇزبیک تیلی نینگ ایضاحلی لغتیده» کیلگن برچه سۇزلر، اتمه‌لر، سۇز بیریکمه‌لری منبعسیز، شونده‌ی‌گینه إیمیده-جیمده اۇزلشتیریله بیرگن. مثال اوچون منه بو لغتلرگه مراجعت قیلینگ: "اجره‌لماق" سۇزی هر إیکّی سۇزلیکده ۹ته معناده کیلگن. "بوروقسه‌ماق" هر إیککله سۇزلیگده ٥ معناسی عکس ایتتیریلگن. ایضاحلی لغته‌دگی کۇپچیلیک سۇزلرنینگ بیر قطار معنالری تشلب کیتیلگن مثلن: "باش"سۇزی نینگ اۇنته معناسی آلینیب، قالگن بیشته معناسی اعتباردن ساقط قیلینگن. "بوزماق" سۇزی نینگ ۱۰ته معناسیدن ۷ته معناسی آلینگن. خلص، فرهنگ "ازبکی به فارسی" "ایضاحلی لغت"ده‌گی سۇزلرنینگ دیرلی ٦٠٪ینی کۇچیریب آلینگن. فرهنگده‌گی باشقه لغتلر ایسه ایسکی لغتلر و ایرانی فرهنگلردن کیره‌کسیز و اۇرینسیز، تیریب کۇچیریب اۇزلشتیریلگن. مولفلر فرهنگده‌گی سۇزلرنی فارسیگه اۇگیریش بیلن إیش کۇریشگن. بیز ۲ جلدلیک سۇزلیگیده هیچ قنده‌ی مولفلیک بیلگیسینی تاپمه‌دیک. ادبی اۇغریلیک دیسک کۇنگیللریگه آغیر باتر؛ یومشاقراق قیلیب ایتگنده کۇچیرمه‌چی دیئیشگه مجبورمیز.

فرهنگده‌گی ینه ائریم کمچیلیکلر:

حرمتلی "لغتشناسلر" «اۇزبیک تیلی نینگ ایضاحلی لغتی»نی قۇپال روشده بوزیب، اونده‌گی سۇزلرنی فهرست لغتیگه ائلنتیریشگن. اۇزلری یاقتیرگن لغتلرنی تنلب، اولرگه عاید ائریم معنالرینی توشیریب، ترجمه قیله بیریشگن. قیزیغی شونده که، سۇزلرگه اۇزلریچه گپ توزیب، مثل اۇله‌راق معنا قیلیشگه هم اۇلگوریشگن.

-ایضاحلی لغته‌دگی سۇزلر آره‌سیگه کلاسیک اثرلردن، مثلن:

«نوایی اثرلر ایضاحلی لغتی»، «دیوان الغات الترک»، «سنگلاخ» و باشقه تاریخی فرهنگلرده‌گی جوده کۇپ سۇزلرنی نا علمی روشده تیقیشتیره بیریشگن. منه بو قوئیده‌گی مثاللرگه اعتبار قره‌تینگ:

"یسال"، "گری"، "یبان"، "کۇمَچ"، «اۇلچک»، "بۇرداق"، "بورناق"، "بورونچاق"، "بورنکی"، "بورچاق"، "بورچین"، "بورنا"، "ارغه‌دماق"، "إیتالو"، "إینچکیر"، "آییل"، "قبه"، "قبان"، "قبراق"، "قلماش"، "قلاوز"، "قلتبان"، "قلتوق"،

"قرەق"، "قراغو"، "قرشاغ" و باشقەلر. شوندەی لغتلر سؤزلیک نینگ تخمینن ۳۰٪ینی تشکیل بیرەدی. بو لیکسیمه الـلەقچان ایسکیریب، تاریخی سؤزلرگه ائلنگن ایمس می؟ خلق بو لغتلردن فایدەلنمەیدی. بو سؤزلرنی هر یردن أیغیب اؤز نامیدن کتاب قیلیب چیقریش هم مولفلیک حقوقینی بوزش کبی بیر گپدیر. شو اؤرینده بیر سوال بیرەمیز حرمتلی "لغتشناسلر"گه. خوش مونچه سؤز قی زمانده؟ قیسی یازووچی تامانیدن؟ قیسی اثر/کتابده؟ قی معناده إیشلەتیلگن؟ بو سؤزلر نینگ مولفی سیز می یاکه باشقەلر می؟

– فرهنگدەگی سؤزلر ترانسکیریپسه اساسیده ترتیبلشتیریلگن، دیب ادعا قیلینەدی. حال بوکه، لغتلر ترانسکیریپسیون اساسیده ایمس، بلکه عادی لاتین یازووی شکلیده عکس ایتتیریلگندیر. سؤزلرنینگ ترانسکیریپسیه عمومن باشقه نرسه. اونده سؤزلر حرف و بیلگیلردن توزیلگن بؤلەدی؛

– فرهنگده اؤزبیک تیلینی شونچه که، بیر لهجه/شیوه ایکەنیگه بیر نیچه اؤرینده زیمدن اورغو بیریلەدی (کیریشده). بو خطا تاریخی بحث نینگ لغتگه نیمه علاقەسی بار؟ اونی تبلیغ قیلیشدن کیمگه فایده؟؛

– مولفلر(؟) مقدمەده: اؤزبیک تیلینی «چیغتای تیلی» بؤلگنی اوستیده ناعلمی روشده کیرەکمس معلوماتلرنی قارەلب تشلەی بیرگن. بو بیتیکلر مستقل اؤزبیک تیلی شأنیگه مناسب بؤلمەگن نرسەدیر. تاریخده یازیلگنی مهم ایمس؛ تاریخیده جوده کؤپ خطالرگه یؤل قؤئیلگن.

– سؤزلیکدەگی فعللر توصیفی مصدر لازمی (اؤتیملی فعللر)، مصدر متعدی (اؤتیمسیز فعللر) دیب کؤرسەتیلەدی. حال بوکه، هیچ بیر لغتده فعل نینگ بو شکللری توصیفلنمەیدی. بؤلیشلی و بؤلیسیز... شکللری هم انابتگه آلینمەیدی. یالغیز باش و کؤچمه معنالری؛ فعل نینگ نسبت کتگوریەسی حسابگه آلینیب، گرومەتیک توصیف قیلینەدی. بو باشقه مساله؛

– فرهنگگه اؤزبیک گرومەتیکەسیگه خاص بؤلمەگن تیرمینلردن استفاده قیلینگن. مثلن، اؤزبیکچه ائریم فعللرنی، مثلن، فعل نینگ باش نسبتی بؤلمیش «بوتلنماق»نی "مصدر مجهول" دیب تنیشتیرگنلر. حال بوکه، اؤزبیک تیلیده نه مصدر بار و نەده مصدر مجهول. سؤزلیککه نیچه مینگ فعل کیریتیلگن بؤلسه بَری شو ترتیبده ترجمه قیلینگن. نیگه ایضاحلی لغتدەگی تیار گرومەتیک توصیفدن فایدەلنمەگن؟ بو نرسه

حرمتلی«لغت‌شناس»لر لغتده بیریلگن توصیفلرنی توشونمه‌گنیدن دلالت قیله‌دی؛

– "ـقه" قؤشیمچه‌سیگه هم ناتؤغری ایضاح بیریب، اونی "اضافت" اؤله‌راق کؤرستگنلر. بونینگ اضافتگه هیچ قنده‌ی علاقه‌سی یؤق. اؤزبیک تیلی نینگ فونیتکه‌سیده جؤنه‌لیش کیلیشیگی قؤشیمچه‌سی «ق/ q»اونداشی بیلن توگه‌گنده قؤشیمچه نینگ باش تاووشی "ق" ائتیله‌دی و شونده‌ی یازیله‌دی: چاپیق+ق=چاپیققه، سؤراق+ق=سؤراققه، تاغ+ق=تاققه، چاغ+ق=چاققه کبی. - فرهنگگه بیر ته‌لی اتاقلی آتلر هم لغت صفتیده کیریتیلگن. مثلن، کؤره‌گان، افلاطون، لقمان، آیخان، "آینه سکندری" (اثر نامی)، قراخان کبیلر هیچ قنده‌ی لغوی معناگه ایگه ایمس-کو. یاکه آدملر بازاردن بیر کیلو افلاطون ساتیب آلدیم دیدی می؟ کونده‌لیک حیاتیده. بو هم حرمتلی فرهنگ «مولف»لری لغت‌شناسلیک علمیدن خبرسیز ایکه‌نینی بیلدیره‌دی.

– عجبله‌نرلی جایی شونده که، سؤزلیک نینگ "ائریم" حرفلریده جنسی اعضانی بیلدیرووچی تابو، ویت سؤزلر هم عادتگه خلاف روشده کیریتیلگن. مثلن، « ک» حرفی بیلن باشله‌نووچی آدم نینگ جنسی اعضاسیدن بیری: "مقعد آدمی"(؟)، دیب ترجمه قیلینگندیر.

– اؤزبیکستانده ائریم: "حقارت آموز"، "نامزاد" کبی سؤزلر ناتؤغری قبول قیلینگنی معلوم. کنتیکستده ایسه "حقارت آمیز"، "نامزد" کؤرسه‌تیلگه‌نیگه قره‌مه‌ی، شونده‌ی ناتؤغری حالتده فرهنگگه کیریتیلگن. - "إیت‌وچه"گه اؤخشه‌گن ائریم سؤزلرنینگ اؤزبیکستانده سؤکینیش معناسی بارلیگی اعتباردن ساقط قیلینیب، فقط‌گینه کوچوک باله معناسی قیلیب ترجمه ایتیلگن.

– لغته‌دگی اینگ کتته معما اؤزبیک تیل‌شناسلیگیگه عاید یوزلب اتمه‌لر (ایگه، کیسیم، نسبت، مورفیم، فونالوژی، حال، انیقلاووچی، تؤلدیرووچی، اورغو، سؤز بیریکمه‌سی، سؤز یسه‌لیشی، میل، فعل نینگ وظیفه‌داش شکللری...) نینگ فارسچه معادلینی تاپیب بیره آلمسلیکدیر. بونینگ اوچون فیلولوگ متخصص بؤلیش کیره‌ک بؤله‌دی. مثلن، اؤزبیک تیلیده‌گی تقلید سؤز تورکومیگه عاید: قهقهنی حرمتلی فرهنگ‌نویسلر "صوت" - دیب ترجمه قیلگنلر. مثاللر حددن تشقری کؤپ.

– مقاله نینگ بیرینچی قسمیده تأکیدله‌گنیمیزدیک، فرهنگگه یوزلب اؤزبیکچه قؤشیمچه‌لر هم مستقل سؤز صفتیده کیریتیلگن. خلص فرهنگده نیچه مینگ سؤز بؤلسه هر بیر سؤزی قیسیدیر تاماندن کمچیلیککه ایگه. حرمتلی "مولفلر" لغت‌شناسلیک علمینی بابلب مسخره قیلیشگن. بیزنینگچه بونده‌ی "سؤزلیکلر"نی توزیب، اؤزیگه ساخته آبرو آرتیریش، شخصی مادی و معنوی مقصدلرده فایده‌له‌نیش یخشی نتیجه بیرمه‌یدی. ۲ جلدلیک فرهنگدن أیقن مثالریمیز جدولینی کیئینگی یازیشلریمیزده عزیز اؤقوچیلر حکمیگه حواله قیله‌میز. اوشبو مقاله‌ده ائتیلمه‌گن تنقیدی فکرلریمیز سیراب. مقاله چؤزیلیب کیتمسلیک اوچون شو جایگه کیلیب، سؤزیمیزگه نقطه قؤیه‌میز. مقاله نینگ ۳-قسمی حرمتلی یارقین صاحب نینگ "-قؤشیمچه"لرگه بیرگن ایضاحیگه بغیشلنه‌دی. اؤقیب باریب عزیزلر و فکر بیلدیرینگیز. دوامی بار...

«تیلشناسلیک اوستیده بحث»

(۳-قیم)

قؤشیمچه حقیده اِیکّی آغیز سؤز؟

قؤشیمچه نیمه اؤزی؟ سؤزنینگ اؤزه ک یاکه نیگیزیگه قؤشیلیب، اونینگ معناسینی یاکه شکلینی اؤزگرتیروچی یاکه ینگی سؤز یساووچی تیل عنصریگه قؤشیمچه دیب یوریتیله دی. قؤشیمچه لر ینگی سؤز یسه یدی، سؤزلرنی اؤزگرتیره دی یاکه لغوی شکل یسه یدی. بو توشونچه تیل شناسلیک گره مه تیکه سی نینگ مارفولوگیه(صرف)بابی نینگ مورفیمیکه (سؤز ترکیبی)بؤلیمیده علیحده موضوع صفتیده اؤرگه نیله دی. قؤشیمچه بجره یاتگن وظیفه سی و معنا حاصل قیلیشیگه کؤره تورلرگه اجره تیله دی. افیکسلرنینگ باشقه هم ته لی خصوصیتلری بار... توشونتیریشده قؤشیمچه لرنینگ گره مه تیک توصیفی گپیریلیب، سؤنگ سؤزگه بیریکیب معنا و شکل حاصل قیلیشگه اعتبار بیریله دی. بیراق، جناب ح.یارقین نینگ مقاله سیده بو پرنسیپگه رعایه قیلینمه گن. بو قلم نینگ تصوریچه عادی تینگلاوچیگه قؤشیمچه لرنینگ علمی توصیفیگه ایمس، سؤزگه قؤشیلیب معنا حاصل قیلیشگه تؤخته لیش کیره ک.بو ایسه یاشقه مساله.

تیل نینگ هم تیلی بار

کونده لیک ملاقاتیمیزده اِیشلته دیگن سؤز، و بیریکمه لر، گپ، مقال ،عباره و باشقه لر بیزنینگ اجتماعی احتیاجیمیزگه خذمت قیله دی. بو تیل علاقه قورالی بؤلیب، فکرلر یمیزنی یازیش، سقلش و باشقه لرگه یتگزیشگه کیره ک بؤله دی. بونگه اجتماعی علاقه تیلی دیسک خطا بؤلمه یدی. بیراق، علم-فن و اونینگ ترماقلری حقیده گپ کیتگنده تاکیدله گنیمیز ملاقات و کؤچه تیلی اِیش بیرمه یدی. علمی تیلگه احتیاج سیزه میز. علم-فن تیلنی بیلیش طلب ایتیله دی. ادبیات، فلسفه، تاریخ، روان شناسلیک، گیاه شناسلیک، یولدوزشناسلیک، حیوان و حشره شناسلیک، ریاضی، فزیکه، کیمیا، صنعت شونینگدیک، کسب و کارنینگ هم معلوم دایره ده اؤزی اِیشله ته دیگن تیلی -سؤز و عباره لری بؤله دی.

اجتماعی علم-فن ساحه لریدن بیری بؤلمیش تیل شناسلیک هم بوندن تشقریده قاله آلمه یدی. تیل شناسلیک علمی نینگ اؤزی قؤلـله یاتگن، سؤز، اتمه، توشونچه، تورکوم و کتیگوریه لری بار. اگر فیلالوگ-تیلشناس لیکدن سباق آلمه گن بؤلسنگیز، بو خصوصده کمیده علمی فکر بیلدیریب، مقاله یازه آلمه یسیز. مثلن، سؤزنینگ اؤزه گی، سؤز نیگیزی، اویه لی سؤز، سؤز بیریکمه سی، فونیمه، تاووش، اورغو، ایگه -کیسیم، حاکم-تابع، کؤمکچی، یوکلمه، باغلاووچی، اونداو و مدل کبی مینگلب تیرمین و تشونچه لرنی بیلمه سنگیز یازگن نرسه لرینگیز ایلکه کولگو بؤله دی. چونکه، سیز اؤزینگیز بیلمه گن، اؤقیمه گن و توشنومه گن نرسه بابیده گپیرگن بؤله سیز. مقاله میز قهرمانلر حرمتلی ش. یارقین و ح. یارقیلر هم شو یؤلدن بارگنلر. افغانستانده(سناقلی کیشیلرنی حسابگه آلمسه) هیچکیم بو مساله لرنی توشونه بیرمه یدی. چونکه، بو ساحه ده اؤقیمه گنلر-ده. هیچ کیم بیلمس و توشمنس ایکن، دیب حرمتلی توغمه" لغتشناسلر" آغزیگه کیلگه نینی یازه بیرگنلر. ائنیقسه «فرهنگ ازبکی به فارسی»نی راسه گلله تیب، لاله زار قیلیشیب یوبارگنلر. ائنیقسه، قؤشیمچه حقیده گی بیتگنلری موزیمده سقله سه بؤله دیگن بیر داستان ایمسمی؟

چومچوق سؤئیسه هم قصّاب سؤیسین

مقاله میزنینگ بیرینچی و اِیکّینچی بؤلیمیده "لغتشناس"لردن جناب حلیم یارقین نینگ تیلشناسلیک و لغتشناسلیک حقیده بیتگنلریگه کیریش قیلیب، تیلشناسلیک ادبیاتیگه سیغمه

یدیگن پراگنده یازووی همده تیل شناسلیک اتمه لرینی ناتؤغری قؤلله گنینی نقد قیلگن ایدیک. شونینگدیک، تیلشناسلیک علمیدن خبرسیز آدم نینگ بونقه توتوریقسیز، فنگه علاقه سیز، اؤرینسیز و ناتؤغری خام یازگنلریگه هم اشاره قیلدیک. مقاله نینگ إیکّینچی قسمیده ایسه مفصّلراق تؤخته لیب، فرهنگ « ازبکی به فارسی» سؤزلیگی (ترجمه ایکنلیگی انابتگه آلینمسه)، بو إیش عین ادبی اؤغریلیک ایکه نینی علمی دلیللر إیله اثباتلب بیردیک. قلم ایگه سی موللفلیک حقوقینی تن آلیشی و اونگه رعایه قیلیشی شرط. بیز قنچه لیک مذکور لغت نینگ اینیگه، بؤئیگه چقور کیریب بارمه یلیک اوشبو ۲-جلدلیک سؤزلیکدن موللفلیک نشانه سینی تاپمه دیک. عکسینچه سؤزلر و اولرنینگ معنالری قیسی منبعلردن آلینگه نینیگه-ده اورغو بیرگن ایدیک. شوکبی إیشده صادر ایتیلینگن بیلیب-بیلمی بوزیشلر و ته لی کمچیلیکلر اوستیده هم بحث یوریتدیک. مقاله نینگ ۳-قسمیده محترم حلیم یارقین نینگ لغتلرگه بیرگن ایضاحیگه تؤخته له میز. خطالرنی کؤرسه تیب، سببینی توشونتیریشگه حرکت قیله میز. ایندی موضوعگه اؤتیب، بیواسطه مثاللر اوستیده فکر یوریتسک."لغتشناس" جناب ح. یارقین اؤز مقاله سینی منه بونده ی عنوان بیلن باشله یدی:

۱. « "چه"((cha قؤشیمچه و بیلگیسی حقیده ایسلتمه»...(ح. یارقین) خوش، بو کؤچیرمه نینگ نیمه سی خطا؟

اؤزبیک تیلی مولوفوگیه سیده "- "chaمولف ایتگه نیدیک «قوشیمچه و بیلگی» دیب ایمس بلکه، قؤشیمچه دیب یوریتیله دی. علمی ادبیاتلرده گره مه تیک بیلگی هم دیئیله دی. متن دوامیده یازیلگیگه قره می، "-چه" نینگ بیرگینه اؤزی بیلگی اتلمه یدی. نیگه؟ چونکه، بیلگی سؤزی نینگ آلدیده البتته که، انیقلاووچی(ایضاحلاوچی، صفتلاووچی و قره تووچی)سی بؤلیشی شرط. یؤقسه بیلگی سؤزی کؤپلب نرسه و حادثه لر(خصوصیتی)نی افاده قیله دی. بیلگیلر سانی جوده کؤپدیر. مثلن، یؤل حرکتی بیلگیلری کبی.

۲. مولف مقاله سیده«-چه» قؤشیمچه سیگه بیر نیچه ایضاح بیریب، جدّی خطاگه یؤل قؤئیب، اونی مستقل لغت اؤله راق سؤزلیکگه کیریتگن. بو قؤشیمچه حقیده گی ایضاحلرنینگ ائریملری هر یردن اوزوق-یولوق آلینگه نیگه قره می، کؤپ اؤرینلرده اؤز باشیمچه روشده مذکور افیکسلرگه(فارسچه فرهنگلردن آلگن بؤلیشی ممکن) توسماللب ناتؤغری معنا بیره بیرگن. مثلن "-چه" قؤشیمچه سینی:

- نشانهٔ تحقیر- {قوشچه = پرنده گک؛ گنجشگک، اوغیلچه = پسرک}(ح.یارقین)؛ اؤزبیک تیلیده«-چه» قؤشیمچه سی هیچ بیر یرده، هیچ بیر زمان حقارتلش معناسینی بیلدیرمه یدی. بو افیکس لغوی شکل یسه گنده کیچره یتیریش، ایرکه لش معناسینی بیلدیره دی. فارس تیلیده هم بونگه " تحقیر" ایمس بلکه (" تصغیر- اسم تصغیرگه اؤخشش")دیئله دی. کیچره یتیریش بیلن حقارتلش باشقه-باشقه معنالرگه ایگه.

"– چه" قؤشیمچه سی:

- "نشانهٔ مهر و دوستی" {قیزچه = دخترک، قوزیچه = بره گک، چقه لاقچه = نوزادک}(ح.یارقین)

بو هم مولف نینگ قارنیدن چیققن معنا. "-چه"قؤشیمچه سی هیچ بیر ادبیات و کونده لیک تورموشده مولف ایتگن معناده کیلمه گن.

مثالللرده هم ائتگه نیمیزدیک، کیچره یتیریش، ایرکه لش معناسی بار. " سیوگی و دوستلیک"(واوا!) معناسی دیگن نرسه تیلده موجود ایمس. قیزچه لر، چقه لاقلر: جان، عسل، شیرین، دؤمباق، گؤزه ل، جه جی...کبی سؤزلر بیلن ایرکه لنه دی. قیزچه، قؤزیچه و چقه لاقچه سؤزلریده قنده ی دوستلیک معنالری بارلیگینی بیز انگلی آلمه دیک. (بلکه ...).

"- چه" قؤشیمچه سی:

– ابزار و شئ {کتابچه، بیلچه، درختچه...(ح. یارقین)؛

"-چه" قؤشیمچه سی نرسه و قورال معنا حاصل قیلیشی "کشفیات؟"لردن دیسک هم بؤله بیره دی. اؤزبیک تیلیده بونقه قؤشچه یؤق. کتاب-اؤقو قورالی، بیل و درخت ایسه إیش قورالی ایکنینی بیلردیک. سؤزگه "-چه"قؤشیمچه سی قؤشیلیب، "ابزار و شئ" بیلدیریشی بؤلمه گن گپ.

"– چه" قؤشیمچه سی:

– از اسم، اسم یا صفت می سازد {اوزبیکچه = ازبکی، فارسچه = فارسی، کمانچه، باغچه، طاقچه}(ح. یارقین)؛ بو اؤرینده نیمه دن نیمه یسه لیشی عادی سوال قیلووچی اوچون قیزیقرلی ایمس، علمی گرمه تیک توصیفنی توشمه یدی. بو قؤشیمچه: یوقاریده گی "اؤزبیک"، "فارس"، "کمان"، "باغ" و "طاق"سؤزلریگه قؤشیلیب، قنده ی معنا حاصل قیلیشینی توشونتیریش کیره ک ایدی. شو معناده،"اؤزبیکچه" : تور، خیل بیلدیره دی. "اؤزبیکچه"- تور و خاصلیکنی، فارسچه هم شونده ی؛ کمانچه، باغچه(کیچره یتیریش)، طاقچه- اؤرین، جاینی بیلدیره دی.

"– چه" قؤشیمچه سی:

– مثل، مانند { : بادامچه = مانند بادام، طومارچه = مانند طومار}(ح.یارقین)؛قؤشیمچه گه بونقه ایضاح تؤغری ایمس."- چه" قؤشیمچه سی تور، خیلنی بیلدیریش بیلن بیرگه روش حاصل قیلیشی بار گپ. بیراق، اوشبو مثالللرده کیچره یتیریش آرقه لی سؤز آتگه، صفتگه ائلنتیریش حاثه سی کوزه تیله دی.

"- چه" قؤشیمچه سی:

- (۱) نشانهٔ فاصلهٔ زمانی یا مکانی با هدف یا مقصد {ایرته گه چه = تا فردا، تاشکیٔنت گه چه = تا تاشکند}(ح.یارقین) بو هم ناتؤغری. یوقاریده گی مثالللرده " -چه" افیسی إیش- حرکت نینگ دوامیلیگی. یعنی بیر نقطه دن ینه بیر نقطه قره ب سیلجیش و حرکتله نیش کؤزده توتیله دی. اؤرین و پئیت روشلری یسه یدی.

"– چه" قؤشیمچه سی:

–حرف شرط {یاردم بیرمه گونینگ چه ایش بیتمه ی دی = تا کمک نکنی کار تمام نمی شود}(ح.یارقین)؛ بو هم یوقاریده گی مثالللرنینگ دوامی." بیرمه گینینگچه" ایمس بلکه سؤزنینگ تؤغری یازیلیشی« بیرمه گونینگچه» بؤله دی. مذکور مثالده فعل نینگ شرط میلینی انگلش ممکن. شونینگدیک، فعل نینگ روشگه کؤچیشی هم بو قؤشیمچه آرقه لی افاده له ایتیله دی.

"– چه" قؤشیمچه سی:

– همزمان با رویدادی {تورکیله من دیگونچه، ییقیلدی = تا خواست برخیزد، افتاد}(ح.یارقین)؛ بونیسی قیزیق بؤلدی! اؤزبیک ادبی تیلی فعل سؤز تورکومیده« تورکیله من»-دیگن فعل یؤق. اؤزبیکستان شیوه لریده هم اوچره مه یدی. "تورکیله من" مرکّب سؤزی نینگ معیاری یازیلیشی: " توریب کیله من.../توریب کیله من

دیگونچه"-بؤلیب، بونده قؤشمه فعل(جفتلیک خصوصیتی هم بار) حاصل قیلینگن. بو مثالده"-چه" قؤشیمچه سی «دیگونچه»یعنی دیماق فعلیگه بیریککن. بونگه پئت روشی دیئیله دی. "-چه" قؤشیمچه سی: - آن قدر؛ هر قدر {قیله آلگینینگچه یخشیلیک قیل = هرقدر که می توانی خوبی کن، امکان باریچه = تا که امکان دارد}(ح. یارقین)؛ فارسچه ده:" آن قدر؛ هر قدر" بیریکمه نینگ گرمه تیک توصیفی نیمه؟ نیمه دیگنی؟ اؤزبیکچه ده بونقه سؤز توزیلیشی موجود ایمس. اؤزیگه "-چه" قؤشیمچه سینی آلگن سؤزنینگ ائتگه نیمیزدیک"قیله آلگینینگچه" یازیلیشی هم نا تؤغریدیر. تؤغریسی "قیله لگونینگچه"- بؤله دی. بو اؤرینده بوتون بیریکمه گه ایمس، بلکه "آلگونینگچه" سؤزیگه ایضاح بیریش کیره ک. سؤزنینگ بو شکلی فرهنگلرگه کیریتیلمه یدی. بو قؤششیمچه حالت و درجه- مقدار روشی یسه گن. دیمک، امکان قدر معناسینی بیلدیریب کیله پیتدی.

"– چه" قؤشیمچه سی:

– نشانۀ رأی و فکر {سیزنینگچه = به نظر شما، اونینگچه = به فکر او، مینینگچه = به نظر من}(ح.یارقین)؛ قره ش و فکرنی بیلدیروچی قؤشیمچه اؤزبیک تیلیده یؤق. کیلتیریلگن مثال قره تغیچ کیلیشیگینی آلگن آلماشگه "-چه"قؤشیلیب، روش و صفت سؤز تورکومینی حاصل قیلیب، تیگیشیلی و خاصلیکنی بیلدیرماقده.

"– چه" قؤشیمچه سی:

– (۶) نشانۀ ترجیح {یاتیب اولگونچه، آتیب اول (ضر) = مردن در جنگ بهتر از مردن در بستر است} کبی معناله گن. بو هم اؤزبیک تیلیگه خاص بؤلمه گن إیچیدن تؤقیلگن موهوم گپ-سؤز. مثال ایسه ساده چه روش حرکت(بیلگی نینگ بیلگیسینی) افاده ایته پیتدی.

خلاصه

اوچ بؤلیملی مقاله میزده حرمتنی سقله گن حالده امکان قدر تنقیدی فکر بیلدیردیک. بولر خمیر اوچیدن پتیر ایدی خلاص. یازیب اؤتیره من دیسنگیز، بیرگینه اؤزبیک تیلشناسلیگیگه قسمی کمیده ۲ أیللیک إیش. فارس تیلی گره مه تیکه سیگه عاید گپلرگه یانده شمه دیک. بو خصوصده فارس تیلی متخصصلری فکر بیلدیریشلری کیره ک. بحث آچیق. مقاله گه فکر بیلدیرگنلرنی خوش قرشیله یمیز.

یشلیک

۱

ای یاوزلیک بنده سی سیز یورتنی ویران قیلدینگیز،
اؤلـــدیریب یاش و قـــرینی، داغده گریان قیلدینگیز،
کؤکدن غم یاغدیریب، ایلنـــی پریشـــان قیـــلدینگیز،
جهل آتیگه مینیب، عالمنـــی حیـــران قیلـــــدینگیـز،
آدمیتـــــگه ایمــــــس، تنــــگریگه عصیــان قیلدینگیز.

۲

قؤل کیسیب، دارلر تیکیب، باشلرگه تاشلر یاغدیریب،
دین اوچون اؤز جنسینگیزنی مونچه بی شفقت قیریب،
آنگسیز یـــاشلرنـــی تـاپیب، تؤغری یؤلدن آزدیریب،
قؤلینگیـــزده سؤته- کلتک ایلـــنی حیواندیک سوریب،
اعتقـــادّه اؤق و بمـنـی کــــؤیلک-إیشتــــان قیلدیــنگیز!

۳

نرگی دنیاده حلال- اول بـــاده نــــی حــــرام دیب،
ســـوت و مــــی آقر اریقــــلرنی عجایب کام دیب،
قیـرغـاول(۱) گوشتی یو غلمان، سؤرینی(۲) ایّام دیب،
قـــؤلینگــــیزده قاتلـــی قمچــــی آیئن اسلام دیب،
آلتـی یــاش قیـزلرنی آلماقـــــه شتــابان قلدینگی!

۴

إیشی بؤلمــس قیز- عـیالنینگ قارنی تـــؤق و آچیـــدن،

نیگه قؤرقر «رب» ینگیز، بیچاره خاتین ساچیدن؟
مونچه نفرت، مونچه وحشت سیوگی قلدیرغچیدن؟
سؤرمه گی حالینگ نه؟- دیب یوپون(۳) و یالانغاچیدن،
ایرکینی تاپتب[۴] اولرنینگ، قه قشه تیب قان قیلدینگیز!
۵
تؤرت خاتین، تنبل آباد، حور و غلمانلر اوچون،
تگ سیز ایرتک، نصیه وعده، خام پیمانلر اوچون،
مونچه لر بیداد قیلر سیز نیگه یالغانلر اوچون؟
ای سیز شهوتده یانگن، قویروق و سانلر اوچون،
آخرت دیب، بیش کون دنیانی زندان قیلدینگز!
۶
کیر، یغیر تنگه مناسب سلله یو تؤن و چاپان،
جولدور إیشتان -کویلک-او، پتو و چپلی سیزگه جان،
شامپودن وحشت قیلرسیز، عطر وصابوندن گمان،
تورخینگیزده کؤرمه دیم سیره تمدندن نشان،
دربدر بیچاره یورتنی ساقالستان قیلدینگیز!
۷
آرقه نگیزنی هول قیلیب، مسجیدگه توشدی یؤلینگیز،
إیچینگیز شیطان اویه سی، فتنه اؤنگ و سؤلینگیز(۵)،
طعمه سی کتته خدادن ملا یو(۶)چؤلیغینگیز،
تیلینگیز یالغانگه برّان، اؤغری لیککه قؤلینگیز،
تنگری نینگ آبرویینی بیر پولگه ارزان قلدینگیز!
۸
ایرته لبدن پارتله تیش، قانگه اولنسه شامینگیز!
رحم وشفقتدن خبر یؤق، شومیدی اسلامینگیز؟
هر زمان هول و قوروقنی کویدیریب ایّامینگیز!
داغ بؤلیب توشدی بشر شأنیگه قاره نامینگیز!
سیز شهادت یؤلیده قرآننی قلقان(۷) قلیدینگیز!
۹
سیز گناهنی مؤل ایتیب، حجگه باره ر سیز شاشیلینچ،
دوزخیگه کویمه ین دیب دلده توککن سیز إیلینچ(۸)،
ایگیلیب یا بوکیلیب، الله نی الدش سیزگه هیچ،
قئته دن ایتمی گناهنی کؤنگلینگیز تاپمه یدی تینچ،
نیگه خالق بیرله سیز نا تؤغری پیمان قیلدینگیز؟
۱۰ اؤزگه چه اؤیلاوچیلرنی نجس و کافر توتیب،
مینگلرینی اؤلدیریب، میلیونلرینی قؤرقیتب،
باشقه دینلرگه إیشانگنلرنی هر کون کم ستیب،
سیز یره تگن نامیدن جیرکنچ فتوالر بیتیب؟
باتقاق اؤپقانیدن اؤزینی نمایان قیلدینگیز .
۱۱
دربدر یورتده آدملر بیر-بیریگه یار ایدی،
آدمیلیکدن نشان سیوگی-محبّت بار ایدی،
باشیگه توشگنده کلفت، ایلکه داش غمخوار ایدی،
قؤشنی اوئیده خسته انسان دردیدن بیدار ایدی،
شوم آیاق بیرلن کیلیب، میداننی تقران قیلدینگیز.
۱۲
سؤرسه لر گر دینگیزده مهر و شفقت بارمی، دیب؟
" بسّم الله..." کیلتیریب، رحمان و رحمت بارمی، دیب؟
سیز یره تگن دین و دولتده شرافت بارمی، دیب؟
یانه سؤرسه قیلمیش ینگیزدن ندامت بارمی، دیب؟
آق سوت و توز، آنه گه بیر زرّه حرمت بارمی، دیب؟
« قاتلو فی سبیل الله ...»نی برهان قیلدینگیز!
۱۳
شوخ-شوخ کولگو ساچیب مستانه اؤینشلر قنی؟
تار جرنگی آستیده اؤیناقی کویلشلرنی قنی؟
إیکّی کؤنگیل بیر بؤلیب، ساغینچلی سؤیلشلر قنی؟
کؤکلمزار اوزره اغنب، شاد بؤیلشلر قنی؟
تویغولرنی غیژده لب، آرزونی قربان قیلدینگیز.
۱۴
سیزنی کورسه جیرنکنر بایقوش اینیده کیچقرون،
کؤرسه قشقیرلر قاچر لعنتلر ائتیب، تون و کون،
آنگینگیزده مرضلر دن توگون اوزره توگون،
اویغانر یا قؤزغالر ایل دورنینگیز بؤلمس اوزون.
هر نی آلچاقلیک ایسه، بؤگنچه امکان قیلدینگیز.
۱۵
شوخ-شوخ کولگو ساچیب مستانه اؤینشلر قنی؟
تار جرنگی آستیده اؤیناقی کویلشلرنی قنی؟
إیکّی کؤنگیل بیر بؤلیب، ساغینچلی سؤیلشلر قنی؟
کؤکلمزار اوزره اغنب، شاد بؤیلشلر(۱)قنی؟
تویغولرنی غیژده لب، آرزونی قربان قیلدینگیز.

حکایه

إیشانچ. تؤره

یرمیمنی إیزله یمن

مین دوکتور اولکر سینشته بؤله من. حیاتیم نینگ قیسقه گینه فصلیده یقی-یقینده باشدن کیچیرگنلریم نینگ بیر شینگیلینی حکایه قیلیب بیره ئین دیدیم. بو گپلرنی اویمدن، إیش خانه مدن، یقینلریم، دوستلریریم دوره سیده توریب گپیره یاتگه نیم یؤق. اؤته آغیر، جمباقلی ساکن بیر مکاندن حکایه قیلیب دردلشه یپمن.

ایر-خاتین إیکّیمیز هم دوکتور بؤلیب کسلخانه ده إیشله یمیز. قیش آلدی هوانینگ کیسکین اؤزگریشدن کسللرنینگ سانی آرتیب بارماقده. کسلخانه میزده دوکتور یتیشمسلیگی سیزیلیب توره دی. حتی که، معاینه خانه میزگه هم کسللر کیلیشی نینگ کیتی اریمه یپتدی. إیش ساعتلریمیز کؤپیگن آنلر ایدی. دوکتور تیمور سینشته‌نینگ ایشی اوته آغیر، او جراحلیک قیله دی، مین ایسه باله لر دوکتوریمن. انتیرنیت صحیفه لری آره لب، جهان ایوانیده طبابت بؤیلبب یوزه بیره یاتگن واقعه- حادثه لرنی اؤقیب باره من. «کوید-۱۹» دیگن یازوو دنیا ینگیلیکلرینی بند قیلیب توریبتدی. مجازی ترماقلرده قره-مه قرشی معلوماتلر تؤلقینله نه دی. چیندنم دنیا بؤیلب ویروس یشین تیزلیگیده ترقه لیب بارماقده ایدی.

بیز اویده ایدیک. ایندی آدملر آره سیده :" اؤلت ترقه باشله بتی، ویروس کیلیبتدی ختایدن. اوزاق-یقینلرده انسانلر توده ی توکیب اؤله یاتگن میش"- دیگن دؤ- دؤ گپلر یوره باشله گن. دوکتورلر مسئله نی توشینیب آلیشگن. عادی آدملر آره سیده وهیمه. کیمدیر او، کیمدیر بو دیشه دی. کسلخانه دن قونغیراق قیلیشدی. یوقیملی، خوفلی کسللیک کون ترتیبیگه چیقفن. ضرور چاره -تدبیرلر کؤریش کیره کلیگی همده ایرته‌گه علمی مجلس بارلیگینی آَیتیب، بر وقتراق إیشگه کیلیشیمیزنی سوره‌شدی. ایرته‌سی غیز ایتیب باردیک کسلخانه‌گه. علمی کمیسیونده موضوع تیوره گیده گپیریلدی...کون بؤیی کسل کؤره میز. نظریمده چیق-چیقلب تورگن ساعت میللری زورغه سودره له یاتگنده ی. آسمان اوزره قاره بولوتلر سوزه یاتیر ایدی. هوانینگ طعمی قاچیب آغیرلشگن، کون ساوی باشله گن پئتلر ایدی. تریکچیلک آدملرنی تین آلیشگه مجال بیرمه یپتدی. دهلیزده بیتابلگنلرنینگ إینگراق تاووش ایشیتیله دی. باله کیلرنینگ قی-چو آوازی، خاتین-خلچ نینگ غاور-غور گپله شیشی ساکینلیکنی بوزیب یوبارگن. کسلیک دنم کؤره کمبلغلیک، ناچارلیک بیمارلر یوزیگه قلقیب چیققه نی بیلینیب توریبتدی. یوره گیم غش تارته دی بو منظره نی کؤریب. توماو اوشله‌گن کسللر کؤپراق کؤزگه چه لینه دی. قؤلیده یاش باله سی، کلته-کلته یوتله یاتگن خاتینلر صفی اوزون. ایسّیغی چیقیب، نفس آلیشی قیینلَشگن کسللر هم کوپه‌یه باشله‌گن کونلرگه مبتلامیز. بوتون ولایتده اولیم کولنکه‌سینی سالیب توریبتی، آدملر آره سیده تلفاتلر بار.

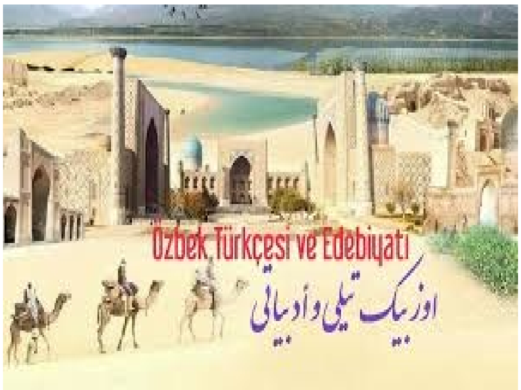

إيشده میز، انچه گچه قالدیک کسلخانه ده اؤشه کونی. إیش ساعتلریمیز آشگن، خذمت قیلیب توریبمیز هر حالده. بیر هفته گه بارمی وضعیت کیسکین لشدی. احتیاط چاره لرینی کوچیتیرگن بیر رژیمده کون بؤیی کسل کؤره میز. قویاش باتیشگه بیر ساعتچه بار ایدی هلی. بؤساغه هتلب، تشقریگه چیقیشیم بیلن شهرده إیسریق توتیب، پول تاپه یاتگن باله لرگه کؤزیم توشدی. تؤقیز- اؤن یاشلر چمه سی یوپون کیئینگن بیر باله کیله سالیب، توتب تورگن إیسیریغینی تیگره مدن ائله نتیریب، " إیسیریق مینگ دردگه دوا، اسپند بلا بند" دیگنچه مینگه تامان قؤلینی چؤزیب توریبتدی. تنگه-تونگه اوزیش إیلینجیده باشقه إیسیریقچیلر" بو مینی آدمیم، بو مینی آدمیم نری تور"دیه بیر- بیری نینک کؤکسیدن سوریشردی. بیر-إیکیتّه سی" منه ماسک، منه ماسک!آلینگ، آلیب قالینگ کروناڈن اسره یدی سیزنی؛ آنم ینگی تیله"-دیه قیچقیریب توریشیدی. إیشدن اویگه قئتیشیم کیره ک.

مین ایریم بیلن خیرله شیب، اویمگه قئتیب کیلدیم. عمر یؤلداشیم دوکتور سینشته نوبتچی بؤلیب شفاخانه ده قالدی. قه یاقه قولاق آسمه نگ ینه اؤشه -اؤشه "کرونا"، "ختای ویروسی"داستانی. کتّه-کیچیک‌نینگ آغزیده شو گپ. کیشیلر تلویزیون قرشیسیده یاتیب آلیب، بوتون دنیادن خبر تینگله‌شر، ایشیتگنلرینی باشقه لر بیلن بؤلیشیر، تؤغری، نا تؤغری دیگن تارتیشولی گپلر راسه قیزیگن بیر پئت. کیمدیر قؤرقیب وهیمه قیلسه، ینه کمدیر« اسره گنگه بلا یؤق، اسره مسه پناه یؤق!»دیئشردی. همه هدیک سیره ب یشه یدی. آدم اوز اؤز سایه‌سیدن قاچه‌یاتگن کونلر کیلدی باشلرگه...

ایرته سی شاشیلینچ کسلخانه گه کیلدیم. إیشخانه مگه قئریله پیکن ایدیم هم که، جانیم جیمیرلب، سیسکه نیب کیتدیم. عمریمده بیرینچی بار تابوت کؤریشیم ایدی. ائنیقسه إیکته اؤلیکنی بیر پئتده کسلخانه دن آلیب کیتیشلرینی کؤریب قؤرقوگه توشه من. ائنیقسه بونده ی یوقوملی کسلیک آدم تنله مه یدی. غفلتده قیلدینگمی تایب أیقیله سن. اونگله نیشینگ آسان کیچمه یدی، کیچ بؤله دی کیئین.

اویده میز، کونلردن بیر کونی ایریم دوکتور سینشته اوزی‌نینگ بی‌تابلیگنی آیتدی مینگه. رنگ و قوتیم اؤچیب، قورقیب کیتدیم، یوغ ایی؛ کورنیشینگیز یخشی،- دیدیم. و دراو إیسیغینی اؤلچه دیم، قره سم ۳۹درجه نی کؤرسه ته یپتدی تیرمامیتر. بیر پیاله موزده ی سو کیلتیریب، پره سیتامول إیچیردیم. کؤپ اؤتمی شبهه لریم حقیقتگه ائلندی. هه، کرونا، کرونا. دکتوریمیزنی اوشلبتدی قوریب کیتگور. ایر-خاتین ایکّی دوکتور بیر بولیشیب، در حال قؤشیمچه احتیاط چاره‌لرینی کوره باشله‌دیک. دوکتور سینشته کیچیکتیرمسدن قرنتین رژیمیگه اوتدی. بر هوا بیر خانه‌ده جای سالیب بیردیم. سویوقلیک بیره بیردیم. کوکتلر، زیره، دارچین، زعفران، زنجبیل، إیسپره ک، شیرین میه، لیمو، قلمپیر، انغیز، مرچ، عسللرنی غمله‌دیک. آش-قَـتیغی ییتکیزیب توردیم کسلگه؛ کییتینی اوزمسدن داری- درمانلرنی زؤره‌یتیردیم. نیمه قیلسم هم تأثیر قیلمه‌یپتی. إیسیتمه دن تیتره ر ایدی، یخشی بولگنی اورنیده کون سایین آغیرلشه باردی. عایله‌میزنی اضطراب اوز شکنجه‌سیگه آلگن دملر. آته-آنه لریمیزگه خبر قیلیشگه کیچیکتدیک؛ اولر آلیسیده توریشه دی. باله‌لرنی محافظتی کتّه ایش بولدی مینگه. کسلخانه باره می، باله-چقه

گه قره می؟ بیر جانیم بیلن قه‌ی یاققه چاپریمنی بیلمه‌ی قالگنمن.
وضعیتدن گمانلنگن قونی-قوشنی بیزدن جیرکنه باشلشدی. نفرت اره لش شبهه له نیب قره شه دی. قؤلیمیز کؤکسیمیزده معامله قیله میز. مجله داش، قؤنی-قؤشنی لریمیز میندن ائنیقسه دوکتور تیمور سینشته دن شفا تاپگنلر. هر بیری نینگ دردیگه درمان بؤلگنمیز. باسیقلیک بیلن وضعیتنی کنترول قیلیشیمگه قره‌مه‌ی، قوشنیلریمیز «بولرنی کرونا اوشله‌گن، کوچسینلر، دَب بولیشسین بوله!»- دیب محله‌گه گپ ترقه‌تیشگن. اولرنینگ « چیقسینله، کوچسینله، بو ییردن کیتیشسین بولر!شوم ایکنله! بؤمسه پولیس چقیره میز»- دیگن دغدغه اَوجیگه مینگن. آغیر بیر احوالده توشکده میخله‌نیب یاتگن ایریم دوکتور سینشته‌نینگ دردی زؤره‌یدی. کرونا کسل‌نینگ مغدیرینی قییه باشله‌دی. قوشنیلرنینگ مشمشه‌سی یره اوستیگه گزه‌ک بولیب توشدی. اطرافده گی احوالنی کؤریب-بیلیب تورگن دوکتورنینگ یوره‌گی چؤکدی. «بولر کوچمَسه، کوریه-توشه‌گینی کوچه‌گه آته‌میز»-دیگن پؤپیسه‌لر ینگره‌ب توریبدی. باشیمیزگه آسمان قَپیشگن‌ده‌ی گ‌ؤیا. کوکدن لعنت یامغیرلری تینمه‌ی قوییله‌یاتگن سینگَـری بیر حالت حکمران ایدی.
...خیریت. وضعیتدن خبر تاپگن چیت ایل تشکیلاتلری بیزگه یاردم قولینی چؤزدی. شاشیلینچ چاره-تدبیرلر کوره باشله‌دیلر. آذوق-آوقتیمیزنی ییتکزیب توریشدی. داریلر و کیره کلی چاره‌لر هم مهیا بولدی. حتی، اوییمیزگه جهازلر آلیب کیلیب، آکسیجن بیلن هم تأمینلشدی. " اؤزینگیزنی بای بیرمنگ"-دیب کؤنگلیمیزنی کؤتریشدی کون باتردن کیلیشگن مهربانلیک تشکیلاتیگه علاقه دار شخصلر. دوکتور تیمور سینشته گپیریشگه تیلی ایلنمه‌یدی. اونگه هوا ییتمه‌یپدی. اوزیم انگلیسچه‌لب سوراقلریگه جواب بیریب توریبمن. إیسیغی توشیب، کؤتریلیب توره دی. دوکتور سینشته‌نی۴۰درجه تنه ایسـّیقلیگی قاوجیره‌تیب باره‌یاتیر ایدی...اوییمیزده کرونا کنترولدن چیقدی. ویروسنی قی یردن آرتیرگه نینی بیلمه یمیز. ایسلشگه هم طاقتیمیز قالمه گن. کیتمه-کیت داری بیردیم، بیر پس اؤتیب، إیسیغی ۲درجه توشدی. بیر اؤزیگه کیلیب:" إیچیمده کیچه یاتگن جریانلرنی گپیریشدن عاجزمن اولکر. حیاتده اینگ آغیر آغریق کرونا آغریغی بؤلسه کیره ک. یت و سویه گیمی قیمه له گیچدن اؤتگزه یاتگندیک، تنمده درد تویه من"دیه ایزیلیب گپیردی دوکتور...اؤزیمنی زورغه توتیب توریبمن.
مین حمایه چاره‌لرینی کوریب، یریم کاسه سویوق آش ایچیره‌ی دیب آلدیگه کیردیم. دوکتور سینشته‌نینگ کوزلری جیققه یاشگه تولدی. دردلرینی تیلی ایمس قره شلری اَیته‌یپتی. اونینگ محبتلی کوزلری سونیق، سولغین، ایچیگه نوره‌ب باره‌یاتگن‌ده‌ی. کؤزلری اچّیق یاشگه تولگن دوکتور سینشته «اولکرا! نخات که مین بو یاروق عالمنی ترک ایتسم، نخات مینگ بیر چیچک آرزو-امیدلریمنی گورگه آلیب کیتسم، نخات!!» دیدی مأیوس آهنگده مینگه قره‌ب. تسلّی بیردیم. باله لرینگیز ساغینه‌دی، تیزلیکده نصیب بؤلسه گلده ی بؤله سیز. ینه همیشه گیدیک جان و جگرلریمیز، دوستلر و اؤرتاقلرینگیز بیلن تؤپله نیشیب، یخشی کونلرنی خوش قرشیله یمیز، دیب دردینی آلدیم.

سؤنگ مین قازان تبافلرنی یووه ی، دیب آشخانه گه باردیم. یر و کؤک جای بیرمه یپتدی. خانه مگه کیریب آلدیم. ناچارلیکدن یوره‌گیم تولیب ییغله‌دیم؛ کملیگیم کیلدی، قؤلیمدن هیچ نرسه کیلمه یاتگه نیمدن اؤکسیندیم. وضعیتگه داش بیره‌آلمه‌ی، س‌ی‌زدیرمسدن اوینی ترک ایتدیم. آچیق هواده بیر پس ائله ندیم، سؤنگ اویمگه قئتیب کیلدیم، خانه مگه کیریب، ینه تؤیب-تؤیبکؤز یاشی قیلدیم. اویمیز انجاملری تیلگه کیریب، بیر ناخوشلیکدن درک بیریب توریبتدی نظریمده. خانه لر هواسی بؤغیق و آغیر. بویوم-انجاملریمیز عزا توته‌دیگن‌ده‌ی گ‌ؤیا. اولیم دیرَزه‌دن تیشلرینی شقیرده‌تیب توریبتی. حیات آَیریلیق کویینی چله‌یاتگن مثال. دوکتور سینشته‌نینگ کونگلی چؤکمه‌سین دییه گپیم، دردلریمنی ایچیمگه یوته‌من...اونینگ جانی مینینگ ایچیمده. مینی امیدسیزلیکدن باشقه نرسه اؤزیگه یؤلتمه یپتی. اؤزینگدن باشقه هیچ کیم سینی ایشیتمه یدی؛ نه چاره قیله ئین! آسمان بلد یر قتیق. اینگ آغیر باتگنی هم انه شو یالغیزلیک ایدی مین اوچون.

اویقیم قاچگن، قیغوگه قاریلیب یاتیب من، توز تاتگیم کیلمه‌یدی. باله‌لرنینگ ایزی-چوولری ایچ و بغریمنی ایزیب بارماقده. تالیققَـنیمدن بیر پَیت کوزیم میزغیبتی؛ باله‌لیک قوچاغیگه آتیلیبمن، توش کوره‌یپکن ایکنمن. الغاق-دالغاق توشلر توفانی ایچره الجیره‌یله‌یمن، تلپسه‌لنه‌من. کوریه-یاستیقلر بیلن آلیشه‌من. "ایشیتمه یپسیزمی؟ شونچه چقیره من نیگه تاووشینگیز چیقمه یدی آته سی! اییی اییی؛ وادریغ!کؤرینمس قاره قؤللر إیلگیمده گی قیپ-قیزیل آلمه نی"یولقیب کیتدی، دیب اؤرنیمدن سَچیب توریبمن. قره سم یانیمده هیچ کیم یؤق. یاستیغیم نینگ

یریمی بؤش. یاپیریم یی! دیه یاقه اوشله دیم. ینه توشلریم نینگ دوامی إیسیمگه کیله باشله دی. آپه-سینگیللریم، بویداش دوگانه‌لر«خاله-خاله» اوینه‌ماقده ایکنمیز توشیمده. یخشی کورگن قوغیرچاغلریم بیلن مستانه اوینه‌یپمن. باله‌لیک سلطنتی اوستیده حکمران‌من. « باله‌لیگیم پاشالیگیم»-دیگن لریدیک. توشیمده بی‌خواستدن قوغیرچاغیم قنیــــــــــی!کیم آلدی قوغیرچاغیمنی؟!-دیب داووشیم باریچه قیچقیریبمن؛ تاماغیم ییرتیلوگ‌دیک بقیریبمن ایکن- بیلسم.

عمر یؤلداشیم بیر هفته دن بویا ن کسلخانه ده یاتقیزیلگن. باله لرنینگ نان و آشینی بیرگنی اویگه کیله من و ینه شفاخانه گه باره من. یالغزلتمی، کؤز قاره بؤلیب توریبمن. کیئینگی پیئتلری نفس آلیشی اؤته آغیرلشدی. ماشین یاردمیده زؤرغه نفس آله دی. بوگون وقتلی راق اویگه کیتیب قالدیم. بناگه قره ب قئریلرکنمن، باله لریم دیرزه لردن چویللشیب،کؤزلری مؤلتیره أیغلب توریبتدی. اویگه کیریب دراو دیره زه لرنی آچیب هوا المشتیردیم. باله لریمنی آووتدیم، یدیردیم و إیچیردیم. اولر آته سینی ازّآنچه ساغینگنلر. مین ایسه آتکه نگیز بوگون، ایرته کیله دی قیلیب، گودکلرنی یوپنتیره من. شو ذیل تون بؤلیب، کون بؤلیب عمر اؤته یاتیر.

کونلری گره نگ سیب تالیققنیم باعث توندن اؤسانگنمن، تون بؤله بیرسه یوره گیم بیزّیله ی بیره دی. کاشکی قویاش باتمسه، تون بؤلمسه، دیئمن إیچیمده. کؤنگلیم بیر قیلگه آسیلگنده ی. دوکتوردن خبر آلیش اوچون آره -سیره ده کسلخانه بیلن باغله نیب توریبمن. تانگ سحر اویغانیب کیتدیم.

قنده ی اوخلب قالگه نیمنی بیلمه یمن. تون یریم اویغه نیب کیتدیم. کوچه یاغدوسی نینگ یللیغی پرده آرتیدن اویگه توشیب توریبتدی. ینه قاره باسگن ایکن آغیر توردیم جایمدن، تیبره نگیم کیلمه دی. قره‌سم دوکتور سینشته یاتگن توشک بؤش. یالغیز اؤزیم ... تشقری نینگ بیر قتیم یالقینی تیرقیشدن دوکتورنینگ تصویریگه توشیب توریبتدی. عکس شیشه آرتیدن صلابتله پارلب پیتدی. دوکتورنینگ عکسینی بغریمگه باسدیم و هونگره -هونگره ب أیغله دیم. کوزلریمدن آققن دؤ-دؤ یاشلر صورتنی بیلب، هؤل قیلیب یوباردی. اچّیق کؤز یاشلریم کولیب تورگن لبلری‌نینگ سی‌ؤگی عمانیگه غایبانه قوشیلیب کیتدی. یوریب، ائله نیب، تونتی تانگه اولب چیقدیم.

قویاش ایندی نور ساچه باشله‌گندی. آغیر وضعیتگه قره می، آدملر تیریکچلیک ارابه سینی تیبره تی دیب شهر تامان حرکت لنماقده. کؤچه ده قیسیدیر باله نینگ :" آلیب قالینگ! إیریک-إیریک خانکی، مزه لی تاووق غلـله سی فقط بیزده! بیزده!!"- دیگن قیچقیریغی اینگره پیتدی. بیز ایرتلبکی چایگه چاغله نه میز. آته لری سیز باله لریم آوقت لنگیسی کیلمی سیره. بیر پئیت اؤغلیم: « آنه-آنه! دوکتور اولکر سینشته‌نی چقیر دییپتی کیمدیر»- دیدی. یا پیریم، دییه یوگیره سالیب گ‌ؤشکنی قولاغیمگه توتدیم؛ سلامله‌شیب، جواب قیلدیم تیلفونده. تـَنیش آواز کسلخانه رییسی ایدی. « تقدیر ایکن؛ سیز ایندی کسلخانه‌گه کیلیب اوتیرمنگ، علاجی یوق. باله‌لرینگیزگه باش بولینگ، سیزگه توزیم بیرسین؛ صبرلی بولینگ. دوکتورنی قولدن بی.....ر...دیک!»- دیگن ییغی ارله‌لش آواز مینی تیریکله‌یین اولدیردی. او ایمس، مین ایدیم

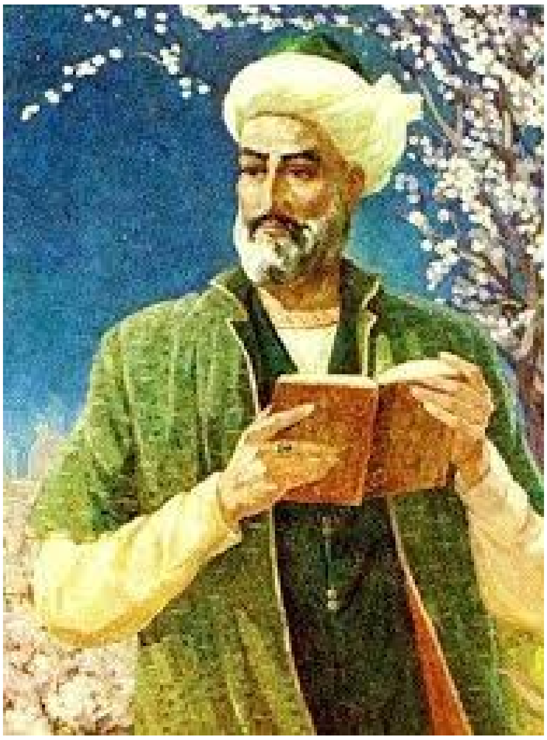

تابوتده یاتگن. بوغزیم ییغیگه تولیب. اخخخخخخ! وادریغ! یاستیغیم یریم بولدی؛ بختیمدن آَیریلدیم‌می هلی؟! دیگنچه چوقور آه چیککـَنیم ایسیمده...

منه آره دن بیر أیل اؤته ی دیب قالدی. اؤشه مین دوکتور اولکر سینشته بوله‌من، منه یانیمده بیر قیز، ایکـّی اوغلیم توریبتی. بیر–ایکـّی ساعتلردن کیین قویاش أفقـقه باش قویه‌دی. اویمیزگه قئتیشگه ناچارمیز. بیز شو لحظه دوکتور تیمور سینشته‌نینگ سونگّی منزل و منگو مکانی اوزره آیاق اوستیده توریبمیز. بو بارسه کیلمس جایگه اوچته باله‌منی ییتکلب کیلدیم. تورتته‌لـَشیب قبرنی قوچاقله‌یمیز؛ ییغله‌یمیز. باله‌لریم‌نینگ«آته جان!!!»- دیگن آوازینی هیچ کیم ایشیتمه‌یدی ایندی.غریب سینشته‌میزدن درک یوق. اونینگ مزاریگه اوشاق تاشلر ایمس، یوره‌گیم‌نینگ قوری، درد و غمینی یاغدیرماقده‌من. الوداع دیئمن دوکتوریم! الوداع!!! اوقیگـَنینگیز حکایه‌نی مین انه شو منزلدن توریب، کوزیاشیگه کومیلگن حالتده سیزگه گپیریب بیردیم. بیز کورگن داغنی سیز

کورمنگ. برچه‌گه اینگ ایزگو تیلک ایله. خدمتگارینگیز دوکتور تیمور سینشته‌نینگ نامراد اولکری

نوایی شعرلرینی توشینیش نیگه قیئین؟

(مقاله حرمتلی حسن جان تؤلقین نینگ بیرگن سؤراغی اساسیده یازیلدی)

علیشیر نوایی شعریتینی توشونیش هم آسان هم قیئین. ساده تیلده یازگنلری روان و انچه توشونرلی؛ بیجیریم، خودّی بوگون یازیلگنده ی جرنگله یدی، ایندیگینه تندیرگن چیققن نان کبی. امّا، استعاره، مجاز یؤلی بیلن تصویر، تعبیر، تلقینلرگه یوغریلیب، لفظی و معنوی صنعتلرگه سالیب ترنّم ایتگنلری بؤلسه، اؤتمیشده قیئین بؤلگنی کبی بوگون هم اولرنینگ مغزینی چه قیش اؤقووچی اوچون آسان ایمس. کتته-کتته نوایی شناسلر شاعر غزللرینی شرحله یاتگنده جدّی خطالرگه یؤل قؤیماقده لر. بیتّه سؤزنی توشونمسلیک آرتیدن بوتون بیر غزلنی آغدر-تؤنتر بؤلماقده. نوایی شعرلری اگر عادّی هضم قیلینگنده ایدی، اولوغ شاعر اثرلریگه أیگیرمه یقین سؤرلیک توزیلمه گن بؤلور ایدی. بیش یریم عصر دوامیده نوایی فرهنگنامه لر آرقه لی اؤقیب کیلینماقده. نوایی شعرلری نینگ نیمه سی قیئین؟ اوّلا، شونگه تؤخته لسک. - علیشیر نوایی تفکّری یوکسک شاعر. بلند فکرلر یوقاری اؤی و تخیلنی طلب ایته دی. شاعر نینگ ذهن آمباریده اولکن معلومات، کینگ بیلیم و چؤنگ تجربه تؤپلنگن؛ بولرنی عادّی تیلده ائتیب بؤلمه یدی. بؤلیق ادبی تیلیدن إیش آلیب، ینگی ترکیبلرگه سالینیش احتیاج سیزیله دی. فکری پرواز یوقاری تخیلنی تقاضا ایته دی. فانتزیه انساننی کوچلی قیله دی. کتته-کتته اختراع و کشفیات آستیده خیال یاته دی. بدیعی اثر هم شو بولاقدن سو إیچه دی. بیر بیتیلگ شاه غزل، بارینگکه، بوتون باش بیر اثر دن عالمشمول غایه لر اؤسیب چیقیشی ممکن. سؤز، مصرع و بیت ته گیده قت-قت معنا یاتگن بؤله دی. کاسه آستیده نیم کاسه دیگنده ی إیکینچی و اوچینچی بیر معنا و مضمون یشیرین بؤله دی اصلیده. نوایی شعریتی انه شونده ی خصوصیتگه ایگه. - نوایی اثرلری تیلی عمومیت له ائتگنده آغیر. اونی آغیر قیلگن تیل عنصرلریدن بیری-بو فارسی اضافه لردیر. شاعر حدّ تشقری کؤپ فارسی اضافه لر قؤلـله گن. نوایی بیرگینه " بدایع البدایة" و" فوادید الکبر"دیوانلریده بیش مینگه یقین(تاکید بیزنیکی-إیشانچ)فارسی اضافه إیشله تیلگن، حتی بیر مصرعده اوچته گچه اضافت قؤلــله نیلگنینی کؤره سیز. بو اؤزبیکچه نسبتلی "یا"می یاکه اضافه می لیگی بیلمنه ی قاله دی گاهده. بو نرسه ائنیقسه فارس-دری تیلینی بیلمه گنلرگه قیئینچلیک توغدیره دی. مثلن، « لعلی شیرین»،"لعل ِ شیرین" بیریکمه لرینینگ بیرینچیسی اؤزبیکچه یسه لیش بؤلسه، إیکّینچی ایسه فارسی قورولیشگه ایگه. بولر شعرده معنا فرقلب کیله دی. مثلن، تیری ِ باران ِ بلا یاغدورسه جانلر قصدیغه، نواک ِ مژگان بیله مشکین هلالین کرؤگه بیز."فواید الکبر" کریل، لاتین و عرب یازوویده هم افسوسکه، اضافه اوچون علیحده بیلگی یؤق. تورکیه تورکیلری املاسیده اضافه اوچون خاص حرف قبول یلنگن. نوایی شعرلرینی تحلیل قیلماقچی بؤلگن اؤقووچی فارسی اضافتلر طبعیتی بیلن آشنا بؤلماغی لازم. - نوایی اثرلریده حدّن آرتیق عربچه کلیمه، عباره و فارسچه سؤزلردن استفاده قیلینگن. شاعر قؤلــله گن لغتلر إیچیده ناته نیش و کم إیشله تیله دیگنلری انچه-مونچه تشکیل قیله دی. إیکّی تیلیدن

آلینمه سؤزلر بیلن فارسی اضافتنی توشونمی توریب، نوایی شعرلرینی انگلش و ته گیگه یتیش آسان کیچمه یدی. - نوایی قرآن آیتلری و حدیثلردن کؤپدن کؤپ پیمانه ده استفاده قیلگن. بولردن تشقری«فرشته لر»، «اولیالر» کبی توشونچه لرنی هم إیلته گن، یوس، زلیخا، مریم کبی دینی اساطر و عرب میتالوگیه سیدن کؤپ کیلتیره دی. "پیغمبرلر"، "شیخ و صوفیلر"؛ «معجزه» و «کرامات!» کبیلرنی هم شعرگه سینگدیرگن. دیمک شعر روحیگه سیغدیریلگن، بیرار دینی واقعه حادثه گه قیلینگن اشاره لر مؤل. بولر هم اؤقووچینی بیر قدر گنگسی تیب قؤئیشی تورگن گپ. مثلن، چیکمَـی مَـلک لطفونگ کونی جز ذکر إیله تسبیح اونی، آدم دیبان قهرینگ تونی، هر دم« ظلمنا ربّنا». یاکه «اشرقت من عکس شمس الکأس انوار الهدا"، یار عکسین میده کؤر جامدین چیقتی صدا. سینگری ته لی عربچه بیریکمه، عباره لر هم مصرعلر آز ایمس. طبعی که بولر هم شعرنی توشنیشنی آغیرلشتیره دی. - نوایی قدیم تورکی سؤزلردن هم حددن زیاد فایده لنگن. اولرنینگ تخمین۸۰٪ی بوگونگی اؤزبیک تیلیده إیشله تیلمه یدی. بو سؤزلر بوگون استعمالدن چیقیب کیتگندیر،ایسکیر سؤز سنه له دیر. - نوایی بیان قیلماقچی بؤلگن واقعه، حادثه لرنی تؤغری ائتمی شاعرانه تخیلگه بیریلیب، بدیعی چیرمَب، إیچکی کیچینمه لرگه اؤره ب، بدیعی لشتیریب قویوق یاز گن، سؤزلرگه اؤره ب گپیره دی. تخیل کینگلیکلریده فکر آتینی چاپتیره دی. بیر مونچه تاریخدن خبر سیز اؤقووچی شعرنینگ مضمون و مقصدینی توشینمی قالیشی ممکن. - نوایی مجاز و استعاره لردن آشیغی بیلن فایده لنگن. او یوقاری نطق شکلینی إیشگه سالگن. بلاغت اوجیده تصویر یره تیشگه کیریشته دی. بو هم اؤقووچیگه آسان هضم بؤله دیگن گپ ایمس. - نوایی یانه اؤخشه تیشلر هم شاعر شعرلرینی یوقاریلتگن عامللردندیر. اؤخشتیش بین اؤخشتمه اؤرته سیده معنوی نسبتنی بیلیش ضرور. نوایی سیوگیلیسی-یو، محبوبه سینی یتتی پرده آرتیده تصویرله یدی. منه شولرنی هم إیلغه می، یخشی انگله می توریب نوایی شعرلرینی توشینیش اؤقوچیگه قیئینلیک قیله دی. خوش، نوایی شعرلرینی توشونیش اوچون إیشنی نیمه دن باشله ماق کیره ک؟ کمینه شخصی تجربه مدن کیلیب چیقیب، ائریم تصویه لرنی قیلیشیم ممکن.

۱ .نوایی شعریتینی توشینیش اوچون اینگ اوّلا، کیشیده شعری سواد بؤلماغی کیره ک. شعرنی عروض وزنیگه سالیب، لغتلرنی تؤغری تلفظ قیلیب، سؤزلرنی گپ نینگ قیسی بؤلگی بیلن منطقی باغله نیشگه اهمیت قره تیش لازم. شعر توزیلیشی عادی گپدن فرق قیله دی. شعرده گپ بؤلکلری نینگ اؤرنی المه شیب کیله بیره دی. بیرینچی مصرعده گی ایگه إیکّینچی مصرع نینگ آخریده کیلیشی ممکن و باشقه لر.

۲.نوایی شعری نینگ ته گیگه یتیش اوچون هر ساحه دن بیر شینگیل معلوماتگه ایگه بؤلیش شعرنی توشنیشگه انچه یاردم قیله دی. مطالعه سیز، ذهنی یاپیق و معنوی سفره سیده هیچ نرسه سی بؤلمه گن کیشی نوایی دن بیر نرسه قؤلگه کیریتیشی مشکل. بیر چیمدم فلسفه دن، بیر سیقیم تاریخده، بیر مشت ادبیات، بیر هوپلم عروضدن، بیر بیر قوچاق روحیشناسلیک، بیر هاووچ منطق و هاکذالردن بیلگن کیشی یوته دی؛ یوتقزمه یدی.

۳. اؤقووچی نوایی اثرلری بوئیچه توزیلگن معتبر سؤزلیکلرگه تیز-تیز مراجعت قیلیشلریگه تؤرغی

کیله دی. سؤزلرنینگ ائتیلیشی و لغوی معنالرینی بیلمه ی توریب، نوایی شعرلریدن تؤله بهره مند بؤلیب، معنا و مضمون چیقریب آلیشی آغیر إیش.
۴ . شعرخوان نوایی بؤئیچه یازیلگن علمی إیشلر، یازیلگن مهم کتابلر، رساله، مقاله، قاله بیرسه قیلینگن غزللر شرحلرینی اؤقیگن بؤلیشی شرط. تورلی ادبی دستور و سلماقلی صحبتلرنی تینگلش و کؤریب باریش هم فایده دن خالی ایمس. نوایی شناسلر إیشلری بیلن ته نیش بؤلمه ی، نوایی اثرلرینینگ توبیگه شونغیب، اولر دن مقصد إینجولرینی قؤلگه کیلتیریب بؤلمه یدی.
۵ .نوایی شعرلرینی اوچ شکلده اؤقیشنی مشق و تجربه قیلیب کؤریش لازم: - یالغیز إینکن ینگیزده آواز چیقرمسدن بار دقت بیلن دیکلمه قیلینگ؛ - سؤنگ بلند آوازده هیجان بیلن آهنگلی اؤقیشگه توتینینگ؛ - اؤقیماقچی بؤلگن شعرینگیزنی اؤزگه شخص تیلیده تینگلشگه حرکت قیلینگ. شو تجربه دن کیئین عیان بؤله دیکه، اؤزینگیز تاووش چیقریب اؤقیگه نینگیز یاخود اؤزگه شخص اؤقیب بیرگن شعر سیزگه کؤپراق توشنرلی بؤله دی. شونده شعرنینگ معنالری قیزیقرلی بؤلیب جمال آچه دی. بولر باشله نیش و نوایی شعریتی عالمیگه کیریش اوچون قؤل کیله دی.
۶ .اؤقیله یاتگن شعر ذاتن مادّی لشگن فکردیر. اونی کؤز بیلن کؤریش، مییه ده گوده لنتریش کیره ک بؤله دی. هر بیر شعرده باش قهرمان، سؤزلاووچی(شاعر)، و إیکّینچی درجه لی قهرمانلر قتنشه دی. شعر فضا، زمان و مکان بیرلیگیده آلیب قره له دی. فضاده شاعرنینگ إیچکی کیچینمه لری، تخیلی پروازی؛ زمانده اؤز عصرنینگ کتته- کیچیک معما و مساله لردن تارتیب، اینگ کیچیک عادی انسانی مناسبتلر حقیده گپ کیتگن بؤله دی. نوایی شعری نینگ اؤقووچیسی بو اوچ بیرلیک إیچیده توریشی کیره ک. یعنی اؤقووچی هم بیواسطه شعر مضمونیگه هماهنگ روشده اشتراک ایتیشی ضرور.
۷ .هر قنده ی شعرنینگ پیامی، ایته دیگن سؤزی بار. بونگه شعرنینگ اؤق إیلدیز دیئله دی. اؤقووچی شعردن اونی تاپیب آلیشی، او حقیده تفکّر قیلیشی کیره ک بؤله دی. نوایی شعری مضمونن بای اجتماعی، فلسفی، سیاسی، تربیه وی، اخلاقی روحده بؤلیب، اولر تنقیدی تفکّرنی ته شیدی. بولر بوتون بیر غزلده یاکه شاه بیتلر مجسّم بؤله دی. ۸. شعر خوان نوایی شعرلری نینگ تحلیلیگه کیریشرکن، اونده گی پیام" مینگه هم تیگیشلی، مینینگ هم دردیمدیر"- دیگن تویغونی اؤزیده تویش کیره ک. شعرنینگ قهرمانلریدن بیریگه ایلنماغی درکار. ۹. و نهایت بیر نیچه ته بیت یاکه باش بوتون غزللرنی یاد آلیش، اولنی اؤقتی- اؤقتین تکرارلب یوریشی مقصدگه موافق کیله دی. بولر شعرلرنی یخشیراق توشینیشگه کؤمکلشه دیب اؤیله یمیز.

نوایی حقیقتدن هم بویکمی؟

(نوایی توغیلرکونی نینگ ۵۸۰ أیللیگیگه بغیشله نه دی)

اگر بویوک بؤلسه اونینگ بویوکلیگی نیمه ده؟ شو مساله نی مقاله مرکزگه قؤئیب، کوچیمیز یتگنچه فکرلشگه توتینه میز. مینینگ نظریمدن نوایی گه مناسب بها بیریلمه یپتدی. بیزده مقتاولرگه کؤمیب، فخر و افتخارگه چولغب، آشریب، تاشیریب گپیریش عادت توسینی آلماقده. اولوغ شاعرنی بیلگن هم بیلمه گن بیراق قیلیش بیلن آواره. کمینه نوایی مقته لمسین دیماقچی ایمسمن. قنچه کؤکلرگه کؤتریب، ارداغیمیزدن جای بیرسک شونچه کم. بیراق، بونده ی إیش

توتیشیمیز نواینی اؤرگه نیشگه یاردم بیرمه یدی. فقط کونده لیک تشویش، إیچکی ناتینچلیک، آغیر و ترنگ وضعیتده گی کیفیتیمیزنی اؤنگلش، حرارتیمیزنی باسیش، روحی تین آلیش، هاوریمیزنی پسه یتیریشگه یاردم بیریشی ممکن. بویوکلیک نیمه اؤزی؟ بویوکلیک نسبی توشونچه، بیرار ساحه ده تؤپله گن بیلیم و تجربه لریدن کیلیب چیقیب، اونی هر کیم هر خیل توشونه دی. اولوغ استعداد، توغمه قابلیتلی عالم، شاعر و دانشمندلر کؤپ بو یاروغ عالمده. اولرنینگ برکتیدن دنیامیز گؤزه ل. بو اندیشمندلردن بیتّه سی دیئیلیک همّه ساحه نینگ بویوگی بؤله آلمه یدی. فلکیات، طبابت، بیالوژی، کیمیا، فزیکه کبی طبعی فنلر اؤز بویوکلریگه ایگه؛ فلسفه، سوسیالوژی روحشناسلیک کبی فنلرنینگ هم بویوکلری بؤله دی. ادبیّات، ائنیقسه شعریت نینگ-ده، اؤز بویوکلری بار. تغین بو ساحه لر بویئچه هر بیر ملت نینگ اؤز علیحده دهاسی یاکه دهٔالری بؤلیشی بار گپ. بویوکلیک، دهٔالیکنی کیم بیلگی له یدی؟ اونی معلوم ساحه نی یخشی بیلگن، اؤزلشتیرگن عالم، قره شلری چوقور و چؤنگ، تحلیل و توشنچه لری تیرن ضیالی قلمکشلر تقاصلش اصولی إیله اؤرته گه آلیب چیقه دیلر. قاله بیرسه کینگ کتابخوان هم معلوم دهٔانینگ فکرینی آبدان اؤقیب، اوقیب اؤز تصدیغیدن اؤتکزه باشله یدی. نتیجه ده نسبی بویوکلیک توشونچه سی وجودگه کیله دی. نوایی نوایی دیر بوگونگه کیلیب، نوایی و اونینگ ایجادیگه مناسبت اؤز چنبره و معیاریدن چیقیب کیتدی. ساویت دوریده نوایی شناسلیک بوئیچه یخشی تدقیقاتلر بؤلگه نیگه قره می، شاعرنی "دینسیز"، "خداسیز"کؤرسه تیشگه اورینیش بؤلدی. "خمسه"داستانلری نینگ خدا و پیغمبرگه عاید بابلری کسیب چاپ قیلندی. امّا، باشقه اثرلریده گی شوروحده گی یازگنلری کمونستلر قیچیسیگه إیلینمَی قالدی. نی بختکه، " خزاین المعانی" کلیاتیده شونده ی قیسقرتیریب کیسیشلر بؤلمه دی. نه فقط دینی موضوعلر بلکه، نوایی نینگ حاضرگی دورگه ماس توشمه یاتگن نا عنعنه وی(شیخ، زاهد، أیگیت، گبر، کافر، جهود، مغبچه، هندو، طفل) قره شلریگه هم قؤل تیگیزیلمه دی. بو موضوعلرنینگ نوایی شعریتیگه کیریب قاگه نی باشقه سببلر بیلن باغلنه دی، ایضاحله نه دی. شاعرگه یات اعتقاددن اؤتگن، اؤرگن و یوقفن ایدی بو آفتلر. تاریخ حکمی إیله نوایی هم ظلمیگه یؤلیقنلردن بیری-یؤقسه بونده ی گپلرنی یازمه گن بؤلور ایدی. مذکور شعرلر وبال بؤلمه گنی ساویت دوری اؤزبیک نوایی شناسلری نینگ زیره کلیگی و مسولیتیدن بؤلسه کیره ک. سقلب قالیندی هر قه لی! بؤلمسه نوایی اثرلرینینگ اوچدن بیری یؤقّه چیققن بؤلور ایدی. ایندیلیکده، وضعیت قیزیللرنیکیدن آشیب کیتدی، یامانراق بیر احوالده افسوس! نوایی نینگ باشیگه چیلتار اؤره ب، عرب شیخیگه ائلنتیریب قؤیماقده لر. حاضرگی کونده نوایی عربلرگه قؤش قؤلـلب تاتریق قیلینماقده؛ اولوغ نوایی اؤزبیککه تیگیشلی بؤلمه ی قالدی بیر معناده. نوایی دن بُت یسش، نوایینی الهی لشتیریش، نوایی گه قیزیل و یشیل لباس بیچیش اؤزینی آقله مه یدی. نوایی دن فقط گینه نوایی قؤلگه کیله دی اوندن باشقه نرسه توزه تیب، یسب بؤلمه یدی. کؤپ هم ایمس، آز هم ایمس نوایی گه مناسب گپ ائتیلماغی لازم. ایندی نوایی نینگ بویوک لیگیگه کیلسک. قوئیده گیلر ذهیم کارخانه سیده کورتکله گن فکرلردیر.

۱.نوایی سؤز و تفکّر بویوگی علیشیر نوایی إیسته لگن ساحه نینگ دهّاسی بؤله آلمه یدی، کینگ معناده او شعریت، ادبیات بویوگی سنله دی- اؤزبیک شعریتی بویوگی. اونینگ دهّالیگی شونده که، سؤز صنعتی نینگ اینگ یوقاری چوقّیلریده توریب ایجاد ایتگن شاعر، زبردست قلم ایگه سی. فکرنی یانیق سؤزلر و یارقین بؤیاقلرده بیان قیلگن. نوایی عادی فکرله مه گن، بلکه، سؤزلرنی شیره له تیب، معنالرگه تؤینتیریب، سیر مضمون بدیعی قیلیب باغله گن؛ سؤزگه جان عطا قیلگن دهّا. تورکی عالم ادبیاتیده بونگه تینگ کیله یاتگنی یؤق؛ هیچ قچان بونده ی قلم و تفکّر ایگه سی چیقمسه، تاپیلمسه کیره ک. اگر بیر قوم گر یوز، یؤقسه مینگدور، معّین تورک اولسی خود مینینگدور. -دیئدی بویوک شاعریمیز. نوایی نینگ دهّالیگی کلامی نینگ تیرنلیگی، سؤزلری و تفکّری نینگ یتوکلیگیده دیر. نوایی سؤزلری شونچه که، ائتیلگن گپلر ایمس. یوقاری پرده لرده ترنم ایتیلگن فکر، یورک تارینی چیرتیب-چیریت روحنی جنبش ساله دیگن شعریت. منه بو بیتلرگه قره نگ: رشتۀ جان بیرله نامه نگ باشینی چیرمر ایدیم، اول شرر تاری بیلن کویمسه ایردی مکتوب. یاکه شام إیله صبح ار سریغ آغریغ ایمسلر، بس نیدور، تون ساچین یائیب، قویاش أیرتیب یوزین، توتماق اعزا. یاخود بیر یوگوروک طفل ایرور کیپریکلریم إیچینده یاش، کیم، أیقلیب ساچیلبتور هر طرفدین خار انگه. اجل قصرین حکیم صنع، بس، مشکل طلسم ایتمیش، که، هر کیم انده کیردی، بؤلمه دی اندین خبر پیدا. کؤز قراسین حل قیلیب، او آیغه یازغوم نامه یی، باری بو تذویر إیله کؤرگی کؤزوم رخسارینی. بونقه بیتلر سان-سناقسیز نوایی ده! بو بیتلرنینگ معنا و مضمونی چقور، سؤزلری تیرن، بدیعی یوکسک، لفظی و معنوی صنعتلرگه بیزه کلنگندیر. یوقاری پرده لرده یوره ک تار-تارینی چیرتیب، کیشی سیزیمیگه قؤزغلان سالگوچیدیر شعریتدیر. کلاسیک معناده شعر ذاتن شونده ی بؤلماغی کیره ک. فکرگه گؤزه ل نطق لباسینی کیئدیریب، پیشیتیب، معنالرگه تؤیئنتیریلب، بلاغت إیله یوکسکلیک درجه سیگه چیقریب نظم قیلیش دیمکدیر.

۲.نوایی حکمت بیتگن شاعر نوایی کلامی حکمتگه یوغوریلگن، حیات سیناولریدن اؤتگن، اؤرگه نیب عمل قیلنسه، حیات دستوری، فکر سلامتلیگی، جمعیت آسایشته لیگی و اجتماعی اخلاققه دایر بیر نظامنامه. بشریت تاریخده فلسفی، تربیه وی، اخلاقی، حیاتی حکمت لی شعرلر یازگن بویوکلر جوده کؤپ. بولر آره سیده نوایی اینگ کؤپ حکمت یازیب اؤزیدن دانگ چیقرگن ادیب و دانشمند سنه له دی. نوایی نینگ فلسفی سؤقیشی چؤنگ و تیرن، نوایی چه لیک کؤپ حکمت یازگن ایجادکار دهّا تاپیلمسه کیره ک . نوایی شونچه کؤپ حکمتلی، قناتلی سؤز، عبرتلی فکر تره تگن که، سانی مینگ-إیّکی مینگدن آشیب کیته دی. اگر اولر بیر تؤپلمگه کیلتیریلسه، کتته گینه یؤل کؤرسه تووچی کتاب و برچه -برچه گه یؤلچی یولدوز، میاق بؤلیب خذمت قیلیشی ممکن. جوده کتته فیلسوف و دانشمندلردن بونچه لیک حککتنی اوچره تمه گن من.

۳.نوایی إیکّی تیللی شاعر اگر سالیشتیریب باقسک، نوایی بیز بیلن یانداش(فارس) ادبیات نماینده لری إیچیده اؤز اؤرنیگه ایگه، فارس تیلیده یازگن شعرلری تاش باسه آله دی. تؤیقیس، بیزده بیتته نوایی بؤلسه، فارسلرده کمیده اؤنته نوایی سی بار. فارسی یازگن تورکی

تیللی زور شاعرلرنی استثنی قیلمسک، فارسلرده فردوسی، عطار، سنایی، نظامی، خسرو دهلوی، جلالالدین رومی، سعدی، ناصر خسرو، خیام، حافظ و بیدیللری بار. نوایی سؤز و تفکّرده بولردن اؤتسه اؤته دی، اصلا قاله دیگن جایی یؤق. بیراق، نوایی نینگ بولردن اوستون توره دیگن بیر بیتته تامانی بار. اوهم بؤلسه بیرارته فارس شاعری یؤقکه، اؤزبیک تیلیده قایلـله تیب اثر یازگن بؤلسین، حتی بیر بیت شعر یازه آلگنلری یؤق. نوایینی کؤرینگ "رنگین و شرین معنالی شعرلردن قنادلیک و زرگرلیک رسته سین آچگن". نوایی اؤزبیکچه شعرلریده: گدالرغه اندین داغی عطا بیر، غنیلرغه انی داغی توتا بیر." فرهاد و شیرین" دیسه، " دیوان فانی"ده "زین دکانها هر گدا کالا کجا داند خرید؟، چونکه باشد اغنیا این کالاها را مشتری»- دیئیدی. دیمک نوایی نینگ اؤزبیکچه شعرلری بای، چیغای ته نیمی همّه اوچون یازیلگن شعر؛ امّا، فارسچه شعرلریدن ایسه فقط بایلر بهره مند بؤله دی ایکن. قیزیق ایمسمی؟

۴.ائتیب ساویمس ترانه سین-سین نوایی اوچ تیلده(اؤزبیک، فارس و عرب(سبعۃ الابحور-نویی گه نسبت بیریلگن سؤزلیک)) ایجاد قیلگن اولوغ شاعر و عالم. نوایی علم-فن، صنعت و مدنیت، آدم و عالم مساله لریگه باش سوققن، سؤز ائتگن شاعر. نوایی ده ۱۵-۱۶ عصر اجتماعی، سیاسی، فلسفی، علمی؛ کسب-هنر، حرب و باشقه کؤپلب موضوعلر بابیده کمیده بیر شینگیل فکر ائتیلگن. ائنیقسه، اؤشه دوری اؤزبیک خلقی حیاتیدن تنیق تصوّر بیره دی. بیر کون کیلیب برچه بوییوکلر حقیده گی علمی إیزله نیش، تیکشیریش، گپ و فکر توگر احتمال؛ بیراق، نوایی حقیده گی تیکشیریش، بیلیش و اؤرگه نیش إیشلری سیره توگه مه یدی. اؤز تعبیری بیلن ائتگنده " آلیب قوریمس خزانه دور"بابامیز.

۵.نوایی اؤرته عصر تیلشناسی نوایی منطقه ده اوچ تمدن(عرب، فارس و تورکی) کیسیشگن بیر حوزه سیده اباد قیلرکن تورکیلرده جدی کیمتیکلیک حکمران ایکه نینی سیزدی. تورکیلر(اؤزبیکلر)عرب و فارسلر مدنیتی و ادبیاتی آلدیده کؤز-کؤز قیلیب رقابت لشردیک بساطگه ایگه ایمسلیگینی انگله دی. اؤشه نده بویوک شاعر و متفکّرنینگ آنگ و شعوریدن منه بیتلر اؤتگن بؤلسه نی تاگ! فارسی اؤلدی چو الرغه ادا، تورکی إیله قیلسم انی ابتدا. فارسی ایل تاپتی چو خورسندلیق، تورک داغی تاپسه برومندلیق. نوایی اؤز نینگ سلماقلی دیوانلری و «خمسه»سی بیلن تورکیلر نی سر افراز ایله ماقنی کؤنگلیگه توگیب، سؤز و تفکّر عالمیگه کیردی. او سؤز ملکی نینگ سلطانی دیگن عنوان إیله شرف یاب بؤلدی. شاعرنینگ «خمسه»سی فارس، عرب توگول بوتون جهان شعریتی گلتاجی درجه سیگه کؤرتیلدی. بیش داستان چینه کم ادبی شهکارگه ائلندی. نوایی فقط شعریت آرقه لی رقیبلرگه قرشی چیقیش بیلن کفایه لنمه دی بلکه، تورکی(ایسکی اؤزبیک)تیلنی هر تامانلمه کوچلی، قدرتلی، بای تیل ایکه نینی اثباتلش فکریگه توشدی. نظری-قیاسی میتود یؤسنیده «محاکمۀ الغاتین»(«إیکّی تیل محاکمه»)سی اثرینی یره تدی. ایسکی اؤزبیک تیلی نینگ إینگ إینجه(نازک) خصوصیلری و افاده قدرتینی نمایش قیلدی. عکسینچه فارس تیلی ایسکی اؤزبیک تیلی آلدیده کؤپ تامانله مه عاجز ایکه نینی کؤرستب بیردی. حیرتله نرلی جای شونده که، منه مین من دیگن فارس، عرب حتی بوتون جهان شاعر و ادیبلری ایریشه آلمه گن بیر إیشنی

بجردی. او هم بؤلسه اولوغ شاعر اؤز اثرلریده جوده کتته مقدارده سؤز قؤلـله دی. حساب-کتابلرگه کؤره نوایی قؤلـله گن سؤزلرنینگ سانی بیر میلیون اوچ یوز سکسان یتّی میندن آشیب کیته دی. بو نهایتده اولکن کؤرستگیچدیر. بو نرسه کمدن-کم شاعر و ادیبگه میسر بؤلگی یا بؤلمه گی. منه سیز و بیزگه نوایی نینگ بویوکولیگی.

۶.نوایی خلقچیل شاعر اولوغ ذات بیواسط عمل-منصب تیپه سیده بؤلسه -ده، خلق بیلن همنفس یقین یشه گن شاعر. زمانه سی نینگ غریب و غربا، بیوه -یوبیچاره لر، یتیم ایسیرلری باشینی سیلگن قلم ایگه . « ایل نینگ تشویشیگه قاریلیب کیتیم، خلق اعلاسیدن باش قاشیغه لی وقتیم یؤق!»-دیب کؤپ باره یازگن. مینگه قیلسه یوز جفا بیر قتله فریاد ائله مان، ایلگه قیلسه بیر جفا یوز قتله فریاد ائه رم. -دیگن بیتنی ائتگن نوایی بؤله دی. «خلقنی گل برگی بیله اورییشگه» طاقت سیز ایکه نینی بات-بات تیلگه آله دی. خلققه همدردلیک شاعر دیوانلرینینگ بیت-بیتیده موج اوره دی. شاه نی مظلوم، جولدور کیئینگن ناچارلردن حذر قیلیگین، دیه آگاهلنتیریش قیله دی. نوایی نینگ حمایه سیز ایل حقیده یازگن شعرلری بغایت کؤپ. "خمسه"داستانلری لری هم شو روحده یازیلگن...

نوایی خلقدن اؤزیلیب یشه مه گن؛ خلق پروولیک نوایی اثرلری نینگ باش موضوعسی بؤلیب اؤرته گ چیقه دی. خلقنی ویرانه ده گی خزینه صفتیده؛ پؤرتنه إیچیده گی دالغه اؤله راق دایم تیلگه آله دی. اولوغ شاعر«توانگر»، بای -بدولت آدملرنی انصافگه چقیریب، کمبغللر حال و احوالیدن خبردار بؤلیشگه، مال و دولتیدن «چیغتای»لرگه غمخوارلیک قیلیشگه اونده یدی. خلقچیل روحده گی یازگن شعرری بدیعی یوکسک، حجمن کتته. نوایی بویوکلیگی حقیده گی گپیمیز حاضرچه انه شولر. إیزله نیشلریمیز دوام ایته دی، کیئینگی مقاله لرده ینه یوزلشه میز البتته.

آنه تیلیم
تیللر تقدیری

بشر کاروانیدن توشیب قالدیلر،
کؤپ تیللرگه اجل بیرمه دی آمان.
اولخر مرحوم دیللر گورستانینده
اولر اوچون ایندی تؤخته مس زمان!

کؤپلری کوتماقده اؤلیمگه نوبت،
بیر قیلگه آسیغلیق جانین هاوچلب.
جیملیگه چؤکّنچه قؤل اوزه ترلر،
» قوتقر!»-دیه یوره ک بغرینی تیشلب؟

إیچینگده درد یشر ای تیل ایگه سی !

سین ای تیل نینگ دانا ایگه سی!
سیوسنگ سینگه حیات توتقزه دی بال.
متن میدانیگه سؤز اوروغینی،
سیپمسدن معنالر آلماقلیک محال.

تیلنیگنی حاصلدن قالدیرینگ بارمی؟
بارلیق قوچاغیده تاپگوندور زوال.
آنه تیلیم منگو ائرلیقدن قؤرقه من تیلیم!
وقتنی قوچاقله یمن، سینی اؤیله یمن.

سین بیلن یوغریلگن إیشیم و هوشیم.
سین سیز بیر کون، آرتیمدن بؤزلب،
قاله دی جرنگلی «کوموش تاوشیم .»
سینی یوقاتیشدن کؤنگلیمده اؤکسیک،

ایزیلیش آستیده یشه آلمه دیم تینچ .

برماغیمگه مینگچ تولپار ارغوماق،
»ایندی زوال یؤق!»-دیب بیره دی إیلنچ .
یاوزلیکلر کیلیب ایشیکینگ قاقسه،
سؤزیم بیرلن یسه ی جان و جهان نینگ .
بلا-قضا کیلسه سینی سؤراقلب،
قلقانینگ بؤلاین بلاگردانینگ.
۲
جانیمده کورتکلب، آنگیمده اؤسدینگ،
روحیمده یتیلگن منگو حاصلیم.
سیندن آزوقلندی نطق و بیانیم،
منگو حجّـــتیم سین بارلیگیم تیلیم.

اویغاق حسلریمگه معنا اولشدینگ،
سین اؤیلریمگه جان ائله دینگ عطا.
سینده چیچک بؤلیب آچیلدی سؤزیم،
تیندی آغریق، بیتدی روحده گی یرا.

بارلیگیم، اؤزلیگیم کؤزگوسی سین سن،
جانینگه قؤشیلگن اقبالیم، چاغیم.
یوزینگده کؤرگومدور ایلیم تقدیرین،
قاره ساغینماقدن ایگیمه تاغیم.
۳
اؤزمی، اؤزگه سینینگ چؤغینگ ساویتسه،
»مین»ایم بیلن نامینگ تاپگوسی دوام،
جانیم نینگ لوحیده آتینگنی قازدیم،
منگولیک یارلیغی باسیلدی تمام.
۴
فکر کینگلیکلری سینگه دیر میدان،
کللامینگ یلاوین یوکسک راقده توت،
تفکّر تره تیب، آلغه باسه بیر.
سینیش، تاپته لیش و ایزگیننی اونوت.

بوغدایلرنینگ یارقین باشاقلریده،
قویاشگه تؤینگن کؤرکینگنی کؤره ی.
میسه لر تیل چیقریب سویله سه لر،
چیمگانلردن سینگه چیچک کیلتیره ی.

سؤنگگی نفسیمنی تینگه حریر،
لباس ائلب، اسره ی، اؤلمه گین تیلیم.
میلی مین اوزیله ی خزان برگیدیک،
سین ایسه ابدی یشه سیوگه نیم.

قویوق ساچ
کؤز قـــرَاغیم، ایرکم، سولو کؤرکه بای،
إیکّی یناغینگدن یاغماقده چیرای .
بیمارینگی ساغه یترماقچی ایسنگ،
قؤنغیر، قویوق، ساچینگ یوزلریمگه یای.

باتقاقده اوسگن نیلوفر

بوتعبیرنی مین ایکّی معناده قوللَماقچیمن. بیرینچی معنا- **تاریخی دور و ادبی** محیط بولسه؛ایکّینچیسی **ادبی یجادعنعنه‌لری** مسأله‌سیدیر. ایلدیزلری انه شو قوش زمیندن سوو ایچگن بیر شعریتگه نظر سالماقچیمیز. شعر ایگه‌سی مقاله‌میز قهرمانی ادبیاتشناس عالم و تنیقلی شاعر دوکتور محمّد عالم لبیب بوله‌دی. شونینگدیک، تویغولری صورتی چیزیلگن شعریت همده آنگ و تفکّرده کوز آچگن روحی منظره‌لر ایلغمی، مقاله‌میزنینگ تیه‌نچ موضوعسینی تشکیل بیره دی.

۱ .تاریخی دور و ادبی محیط

اوزبیک کلاسیک ادبیاتی‌نینگ خراسان ادبی حوزه‌سینی ایسگه آلر ایکنمیز؛ شکسیز کوز اونگیمیزده مولانا لطفی، یوسف امیری، سید احمد سیّدی، مولانا یقینی، علی‌ش‌یر نوایی، بایقرا حسینی، آتایی بلخی، حامدی بلخی (دُربیک)،

محمّد خان شیبانی، غریب میرزا، ظهیرالدّین محمّد بابر، بابا مشرب و سید محمّد خرابی صیّادیی کبی ایجادکار شاعر و متفکّرلر گوده لنه‌دی. کمینه بو ادبی سیمالر دوامچیلرینی عیناً شو حوزه‌دن قیدیرشگه توشه‌من. عصرلر قتیگه بیر- بیر کیریب چیقه‌من؛ ایزله‌ی- ایزله‌ی تاپرمن، دیگن امید ایله شو دملرگچه ییتیب کیله‌من. آخری قرەسم هیچ نرسه قولیمگه کیلمه‌یدی. اوکسیک کونگلیم سینیب، بوگونگه داوور کاشکی اوزیلمسه‌یدی، ایزداشلر اورته‌سیده‌گی باغلیقلیک، دییمن اوزیمچه.

روزگارنی قرەنگ که، هراتده گـۇرکیره‌ب یشنه گن اولکن ادبیات، صنعت وعلم-فن تیموریلر اساس سالگن حکمرانلیک بیلن بیرگه قوشیلب تنزلگه یوز توتدی، افقلری باریب زوالگه باش قویدی. قدرتلی دولت‌نینگ اوستونلری ییقیلگچ، تورلی ساحه‌لرده فکر تره‌تیب کیله‌یاتگن قلمچیلر قُومگه سینگیگن تامچی کبی سونه کیتدیلر.

حسین بایقرا اوغیللری (۱۳ فرزند) اورته‌سیده گی تاج و تخت اوچون بولگن اوروش و نزاعلر عاقبتیده حاکمیت (م۱۵۰۷) بوتونله‌ی نورەب کیتدی. هرات ادبی محیطی ایسه شاعر، ادیب و هنرمندلردن بوشب، نتیجه‌ده دانگ تره‌تگن خراسان ادبی حوزه‌سی توگه‌دی. تیموری شهزاده‌لری قناتی آستیده یشب کیله‌یاتگن اوزبیکلر، شیبانی خان هجومیدن کیین حتّا، هراتده توره آلیشمه‌ی، جان سقلش اوچون یقین-اوزاق اولکه و شهرلرگه ترقه‌لیشیب کیتدی. هراتده قالیب کیتگنلری بوگونگچه، فارسله‌شیب، اوزلیگیدن اوزیلیب قالیشدی، سییره‌ک بولسه-ده، یشب کیلماقده. دربدرلیککه محکوم اوزبیکلرنینگ بیرقسمی حاضرگی ایران، پاکستان، بنگله‌دیش و هندوستان کبی مملکتلردن قونیم تاپیب، اوشه جایده‌گی اوزگه ایللر ایچیده یوق بولیب کیتگن بولسه، ینه بیر کتّه قسمی کیلیب، آمودریانینگ قیرغاقلری بویلب جنوبی تورکستان ولایتلریده‌گی اوتراق اوزبیکلر یانیده ییرلشتیلر.

تیموری‌زاده‌لر اینیقسه، حسین بایقرا توزگن دولت‌نینگ توگه‌شی، شیبانی خان بیلن صفویلر اورته‌سیده یوز بیرگن قیرغین-برات اوروشلر نه فقط، بوتون باش بیر خلق‌نینگ باشیگه ییتدی؛ سرسان-سرگردان-لیگیگه سبب بولدی؛ بلکه، قلم اهلی‌نینگ ایجاد قیلیشیگه هم مجالی قالمه‌دی. خلص، ۱۶-عصرنینگ ایکّینچی یرمیدن تا بوگونگچه اوزبیک ادبیاتی‌نینگ خراسان ادبی حوزه‌سی حاصلدن قالدی. بو سیراونوم توپراق یولغون و سکساووللرگه مکان بولدی. نوایی یره‌تگن محتشم شعریت باغیگه «خزان سپاهی-نوایی»(۱) کیریب کیلدی. بو عزیز وطن اولکسه خور، قرغه-یو، قوزغونلرنینگ جولانگاهیگه اَیلندی. اوشبو زمینده بایقوش‌نینگ-گینه کوزینی یشنه‌تر منظره حاصل بولدی. یعنی، شوندن سونگ قلمسیز خلق‌نینگ چنگی چیقمه‌ی کیتدی. ینه قَیتیب قلم پرورش بیرمَه‌ی کیتدی بو توپراق.

حاکمیت اوغانلر قولیگه اوتگندن کیین (م ۱۷۴۷) تورکی قوملر اینیقسه، اوزبیکلر توله اسارت آستیگه توشیب، مظلومانه یشگه محکوم بولدیلر. اشترخانیلر کیلب هم بو یره‌لرگه مرهم بوله آلمه‌دی. میمنه خانلری، سرپل، اندخوی، آقچه، بلخ و قندوزخانلیکلری قنچه‌لر جان آلیب جان بیریب کوره‌شمه‌سینلر، مغلوبیت اوستیگه مغلوبیت بولدی؛ اونگله‌نیش‌نینگ سیره علاجی تاپیلمه دی. اوزبیکلر شوم تقدیرگه گرفتار بولدیلر. ملّی ایرکینلیک قوزغالانلری افغانلر تامانیدن شفقتسیزلرچه باستیریلدی. اوغانلر بیلن بولگن

اوزاق جنگ و جدللر؛ قورغاقچیلیک و آچرچیلیکدن اون مینگلب اوزبیکلر قیریلیب کیتدی...

بدیعی ایجاد ساحه‌سیده وجودگه کیلگن بوشلیقنی کیییپچه‌لیک اوزبیک خانلیکلری هم تولدیریشه آلمه‌دی. انچه کیین قادری پلنگ‌پوش، نادم قیصاری و داملا بیدل‌نی (اوزبیک تیلیده بولردن هم سوینگودیک نرسه قالگنی یوق) حسابگه آلمه‌گنده، منه تورت عصردیرکه، بیزده اعتبارگه آلگودیک ادبیات شکللنمه‌دی؛ شعریت توغیلمه‌دی.

کلیب-کلیب منه شو قاپ-قاره بوشلیق باتقاغیده بیر نیلوفراستعداد نیش اوریب چیقدی. شعریتی تاش باسه‌یدیگن بو انسان ادبیاتشناس عالم و شاعر استاد محمّد عالم لبیب بوله‌دی. داملا لبیب منه شو سیاسی دور و ادبی محیط دوامچیسی اوله‌راق، شاعر بولیب ییتیشدی، ایل-یورت آغزیگه توشدی. باتقاقده اوسگن نیلوفلر چیچگی بولیب، گل-گل یشنب عجایب شعرلرنی بنیاد ایتدی. بیر معناده، استاد لبیب تورت یوز ییللیک بوشلیقدن سونگ تاریخ تامانیدن اوزبیک خلقیگه قیلینگن تارتیق، بیریلگن بیر هدیه بولدی. داملا لبیب‌نینگ اوزبیک ادبیاتیگه کیریب کیلیشی بوشلیقده موز قاتگن ادبی تیزیمنی جانلنتیردی. چیندن هم استاد لبیب‌نینگ عجایب غزل و باشقه ژانرلرده یازگن شعرلری اوزبیک شعریتیگه اِستتیک کورک بغیشله‌دی. منه بوقوییده‌گی بیدلانه بلکیم نواییانه بیتدن ایلغب آلگنینگیزدیک، استاد لبیب سوزلریده سیر بویاق و یارقین پوییتیکه جمال آچیب توریتبدی:

کولرسن آه و افغانیمنی تینگلب، هر کیچه آی-آی،
ولی حـالـیمگه ییـغلر آســـمان سـیّاره-سـیّاره.

شیرینلیگیدن شیره‌لب تورگن اوشبو بیت، شو قدر جانلی تصویرلنگن که، «آی-آی کولیش» و«یولدوز- یولدوز ییغلش» شاعرنینگ قلب قعریدن آتیلیب چیققن مصفا تویغولر بولیب، تماشاسینی کوته‌یاتگن توگل بیراثرنی یادگه ساله‌دی. لبیب شعریتیده بونده‌ی مزه‌لی بیتلر سیراب. هر تامانلمه اوخششی یوق شاعر و ادیب استاد لبیب‌نی کتّه بیر دورنینگ سونگگی بوغینی صفتیده تنله‌گنیمیزنینگ سببی هم انه شونده.

۲ .بدیعی ادبیات عنعنه‌لری

ازلدن عالم و آدم قسمتی قیغوسی ایتگنیمیز ممتاز شاعرلرنینگ ایجاد تامیریگه توتش بولیب کیلگن. شاعر لبیب‌نینگ شعریتی فارس و تورکی/ اوزبیک ادبیاتی‌نینگ تنیق بولاقلریدن سو ایچه‌دی. دوکتور لبیب اولرده‌گی اینگ گوزه‌ل عنعنه لرنی اوزلشتیریب، فکر کینگلیکلریده جولان اورگن شاعر و ادیب. کلاسیک ادبیات مسأله‌سی اوته نازک نرسه‌لردن. اوتمیش میراثنینگ سره‌سینی— سره‌گه؛ پوچَگینی- پوچککه اجره‌تیش منع قیلینگن. بیرمعناده اوتمیش شعریتی تنقیددن اوستون؛ اونگه تنقیدی یانده‌شیب بولمه‌یدی. بونده‌ی محیطده کوزآچگن قلمکش کلاسیک شعریتگه اخلاص و ارادتی بلند، حتّا که، سیغینیش درجه‌سیده! بو قره‌ش برچه شاعرلرگه کوچلی تأثیر قیلگن دیسک مبالغه بولمس. چونکه، قنده‌ی بولمه‌سین، اوتمیشنی اولوغلش قلمکشلرنینگ قان- قانیگه سینگیب کیتگن-ده. باشقه لرگه قره‌گنده داملا لبیب کلاسیک شعردن کوپراق بهره آلگن و عین پَیتده تأثرلنگن شاعر سَنَله‌دی- بیزنینگچه. ادبی تأثر و ادبی باغلیقلیک حقیده گپیریش بو مقاله حوصله‌سیگه سیغمه‌یدی.

تن آلیب اَیتیش کیره ک که، بشریتگه تیگیشلی اینگ گـۉزه‌ل، تیرن و سیر حکمت فکرلر انه شو ممتاز شعریتده اَیتیب کیتیلگن. اولردن انسانیت اوچون جوده کوپ فایده‌لنیش ممکن البتّه. بیر پَیتنینگ اوزیده کلاسیک ادبیاتده عقل و منطققه ضد، ویرانگر خرافی گپلر هم آز ایمس. تربیه قسمیگه اَیلنگن قدیمیت شعری؛ شاعرلرگه اوز تأثیرینی اوتکزمه‌ی قالمه‌گن. زیرا، بو قتلم (کلاسیک شعریت) تفکّریده اوی سیتیش/تنقیدی فکرلش ایشیکلری یاپیب قوییلگن. نی‌گه دیسنگیز؛ تیریکلر حقیده اولیکلر قیغوره‌دی؛ اولیکلر فکرله‌یدی؛ تیریکلر نجاتیگه اولیکلر آتلنه‌دی. کوریب‌سیزکه، درّاو عارف و اولیالر «کرامات»، «معجزه»لر کورسه‌تیب، غیبدن چارلاو چقیریقلری باش چیکه‌دی. بومسأله‌ده عطارنینگ «تذکرۀ الاولیا»سی، سعدی‌نینگ دیوانی، مولوی‌نینگ «مثنوی»سی، نوایی‌نینگ «نسایم المحبه»سی، ربغوزی‌نینگ «قصص الانبیا»سی … و بیدللردن ایسته گنچه مثال کیلتیریش ممکن. اورته عصر فکرلش طرزی شونده‌ی بولگن. اوتمیش شاعرلری خودّی، بیزده‌ی اویلشگه امکان تاپیشه آلمه‌گن؛ شونده‌ی قیلماقچی بولگن شاعرنی دینی تعصب شۉرینی قوریتیب، جانینی جهنمگه جۉنته بیرگن. خلص، کیچمیش قریچلری باشقه، اخلاقی، اجتماعی اولچاولر اوزگچه بولگن.

کمینه هم ممتاز ادبیاتدن ییترلیچه توییندلیگیمنی علیحده اعتراف قیله‌من. مینده اوتمیش میراثگه نسبتاً تنقیدی قره‌شگه امکان بار، سوزلریمنی بی‌ملال ایته آله‌من. کلاسیکه‌نینگ یارقین و انسان‌پرور تفکّری بیز اوچون عزیز و قدرلی! شونگه قره‌مه‌ی، اونینگ قارانغو تامانلرینی حسابگه الیب، بیر معناده باتقاق، دیب اَیتشگه جرأت قیلدیم. دوکتور لبیب‌نی بولسه، انه شونده‌ی اوتمیش بغریدن اوسیب چیققن نیلوفر شاعرگه مینگزه‌تدیم. داملا لبیب شو زمینده قاتیب قالگن شاعر ایمس. ادیب و شاعر لبیب هم دنیوی مسأله‌لردن خبردار اندیشمند کیشی. لبیب‌نینگ شعریتیده عنعنه‌لر بیلن آلیشماق جایلری هم یوق ایمس. شو باتقاقده شاعریمیزنینگ فکرلری نیلوفر بولیب بوی چۉزگنی، ییراق یازیب، ایپار ساچگنی و گـۉزه‌ل فکرلر ترته آلگنینی علیحده تأکیدلماقچیمیز. اونینگ تورتلیکلریدن بیریده منه بو شعر اوزگچه جره‌نگ ساچیب توریبتدی:

ایسکی ییپراق، ینگی ییپراق‌نینگ الدیندن یازووی یوق،
بو ییپراققه تقدیرینگی، گـۉزه‌ل انسان، س‌ی‌ن یازه‌سن.
کوره‌ش بیلن بو دنیانی اوزینگگه یَسه‌یسن اوچماق،
یاکه یامان قیلمیشلرینگ بیلن گـۉرینگنی قازه‌سن.

داملا لبیب شعریتی بدیعیت اتلمیش کوپ قتلملی ادبی اوی و فکرنی اوزیده سقلب کیله‌دی. بو دور و زمانده یازیلیشگه قره‌مه‌ی، منه بو بیت کلاسیک تفکّر حاصله‌سی بولگن معنالرنی افاده‌لب توره‌دی:

کونگلیم کتابی جالب ایرور هر کتابدن،
کیم اوزگه بیر کتابده بو فصل و باب یوق.

داملا لبیب شعریتی کوپ قیرّه‌لی بولیب، تورلی اجتماعی، سیاسی، فلسفی و اخلاقی موضوع و مسأله‌لردن سوز آچه‌دی. خلقی و یورتیگه ایچی کوییب همدردلیک بیلدیره‌دی. استاد لبیب شعری ایاغی ییردن اوزیلگن ایجاد ایمس. او موهوماتدن ییراق؛ ادیب ایجادیده زمانه‌سی‌نینگ نفسی اوف اوریب توره‌دی. آنه، وطن، معلم، حتا که، کرونا موضوعسی؛ اندخوی و میمنه نینگ باشیگه کیلگن کورگولیکلر«اندخوی و فاریاب غمنامه‌سی»غزلیده درد ایله قیامیگه ییتکزیب کویلنه دی. و عموماً بوتون مملکت خلقی‌نینگ

بختسیزلیکلری چوقور معنالی غزل، تورتلیک و باشقه لرده ترنم ایتیله‌دی.
یورتنی قانگه باتیریب کیله‌یاتگن تسقره (خونیک، کوریمسیز، بی‌اوخشاو) سیاسی رهبرلرهم اپاوسیز نقد تیغی آستیگه آلینه‌دی. اوزبیک کلاسیک ادبیاتیده یازیلگن «بچه غر» (مقیمی) ردیفلی شعریگه ایرگشمه طرزیده، شاعرنینگ «بچه غر» ردیفلی قصیده‌سی صولت توکیب توریبتدی. بیر سوز بیلن اَیتگنده، اوشبو قصیده، ۴۰ ییللیک اوروش اناتومیه‌سینی آچیب بیره‌دی. بیر رُمانگه تینگ «بچه غر» قصیده‌سی طعنه، کنایه، پیچینگ، کیسه‌تیق، اچیتمه‌لرگه یوغوریلگن بولیب، اورتوکلب یاتگن کوپ حقیقتلر اوستیدن پرده آچه‌دی. «ایکّی سلطان» دیب ناملنگن اوشه قصیده منه بو مصرعلر بیلن باشلنه‌دی:

بار عجب بیر اولکه، اونگه برچه حیران بچّه غر،
آتینی قویمیشلر «افغان»، بیرله «استان» بچّه غر.
اوشبو آت بو توپراق اوستیگه قوییلگندن بیری،
بخت‌سیز خلقی‌نینگ ایشی آه و افغان بچّه غر.
جاهل و ساتقین، تعصّب اهلی بونده حکمران،
دانش و فرهنگ ایلی بی‌سر و سامان بچّه غر...

اَینیقسه شاعرنینگ « بشر دهاسی» ناملی قصیده‌سی یوکسک سویه‌ده نهایتده پیشیق یازیلگن شعرلر سیره‌سیگه کیره‌دی. اوشبو قصیده بویوک نوایی قیافه‌سینی یارقین رنگلرده تصویرلب بیره‌دی. کیشی‌نینگ خیالینی هرات هواسی-یو، خاطره‌لری اوغیرلمه‌ی قویمه‌یدی. «قویاش شهری» قصیده‌سی ایسه، کیشیده نوستالژی ساغینچ حسّینی اویغاته‌دی. بونده میمنه شهری گـۋزه‌ل قیلیب تصویرلنه‌دی. اینجه دیدلی شاعر، میمنه کینتی و اونینگ آدملری حیاتینی بار ظرافتلری ایله استادانه چیزیب بیره‌دی.

داملا لبیب شعریتی‌نینگ کتّه قسمی ازلی عشق موضوعسیگه بغیشلنه‌دی. شاعرنینگ عاشقانه شعرلری نوایی درجه‌سیگه «کوتریله‌ی-کوتریله‌ی» دیب توریبتدی. بۇیله شه یاتگن اورینلری هم یوق ایمس:

پاک حُسنیگدن یامان کوز آفتی‌نینگ دفعیغه،
شعـردن تعـویذ ایتیب اَیله‌ی بلاگردان سی‌ۑنگه.

ایکّی تیللی شاعر دوکتور محمّدعالم لبیب‌نینگ ایکّی گلدسته توپلمینی قونت بیلن اوقیب چیقدیم. فارسی/دری و اوزبیکچه شعرلری بیر-بیریدن گـۋزه‌ل. شکل و مضمون جهتدن بغایت رنگمه-رنگ. اینیقسه لطفی، نوایی، بیدل، مشرب غزللریگه قیلگن نظیره و باغله گن مخمسلری کوزنی قووانتیرگودیک؛ بیجیریم، سیرمضمون، مصرعلری آره‌سیگه قیل سیغمس چینه‌کم شعریت تاپدیم. قدرلی دۇست و مسلکداشیم داملا لبیب‌نینگ اوزبیک ادبیاتیمیزگه قوشگن حصّه‌سینی کوچیم ییتگنیچه بیان قیلیشگه توتیندیم.
شونده‌ی شعرلر بارکه، نه کوزنی چقنته دی، نه یوره‌ککه چنگ ساله‌دی، و نه -ده، تیلنی کویدیره‌دی. بونده‌ی شعرلر ایگه‌سیدن آلدین اولیب کیتیشینی کوریب کیله‌پیمیز. بیله سیزمی؟ ادبیاتده «تنقیددن توبن» دیگن توشونچه یوره‌دی. یوق، لبیب شعریتی بونده‌یلردن ایمس، بلکه، تنقید کوتره‌یاتگن چینه‌کم بدیعی یره‌تمه‌لردیر. هر بیر مصرعسی، بیتی، غزلی تنقید و تحلیل‌طلب بولیب کوزگه تشلنه‌دی. اگرعمر وفا قیلسه بو ایشلرنی کیینگه قالدیره‌من.
سوزیم‌نینگ آخریده شو ادبیات‌نینگ توپراغینی یلب، بیش کون تعلیم آلیب، یخشی-یامان ایجاد قیلگن آق‌ساقال قلمچی صفتیده، عزیز یاشلرگه اَیتر نکته و گپیم بار. دوریمیزنینگ غنیمتلرینی

کوزدن قاچیرمنگ؛ تیریکلیگیده بیر آغیز سوز و ایلیق آرزولر بیلن کونگلینی آلیش ممکن اولرنینگ. ادبیاتشناس عالم همده اتاقلی شاعریمیزنینگ تبرّک یاشینی تجلیل قیلیشنی اونوتمنگیز. راستینی آیته‌ی، بیز آدملر هیچ نرسه‌نینگ قدرینی بیلمس، ساووق قان، آله قراق، کوره آلمس، بولر-بولمسدن کیک ساقلاووچی بولیب قالگن ذاتمیز. کیلینگ، شوگینه شعریت رشته‌سینی کیینگی اولادگه امانت توتقزه‌یلیک. سوزلریمگه شو ییرگه کیلیب نقطه قویه‌من. شاعر داملا لبیب‌گه ایسه ساغلیک، امانلیک و سلامتلیک ایستب، ایجادلریگه بوندن هم ییتوکلیک و برکماللیک تیلب قاله‌من.

....

نوایی نینگ قرا کؤزوم غزلیگه اشاره:

خران سپاهیغه، ای باغبان، ایمس مانع،
بو باغ تامیده گر إیگنه دین تیکن قیلغیل!

قنی آدمیلیک؟

هوا، قویاش و ساغلیققه سلام
آچلیکنی الهی موهبت اتب،
قوتلاو یامغیریگه چؤمگنلر ائتینگ.
بخت سیزلیکدن اؤزگه نیمه تاپدینگیز؟
آرزولرنی یرگه کؤمگنلر ائتینگ.

جسم و جانین خورلب، لذت آلگووچی،
سرابنی قوچاقلش کمالمی ائتینگ؟
ساغلیکنی تیلکه لب، تابوتگه قؤیماق.
خرافات - تنگریگه وصالمی ائتینگ؟

حیوانلرنی سؤیئب قانین تؤکیشدن،
شاد و بیره م آلیب، مست و الستلر .
هیت دیب تبریکلش جیرکنچ ایمسی؟
دین نینگ افیونیدن خمار و مستلر؟

بیلمه دیم قی ده قالدی آدمیت؟
شونچه لیک شرفمی قاره ساغینماق؟
توبنلیکنی سؤز و صنعت له بیزه ب،
فضیلتمی جهل آتیگه مینماق؟

خرافات قاریدن آق کؤرپه یسب،
ساووق روحلرنی إیسیتیب بؤلمس؟
خام خیال بغریده داستان تؤقیشدن،
بؤشب قالگن یوره کلر سیره تؤلمس.

قویاش، ساغلیق همده تیکین هوانی،
قوتلب و تبرّک توتگنلر بارمی؟
الله نینگ حکمیده کؤرمه دیم منطق.
آنگ و شعورگه سوینماق عارمی؟

انسانلرگه یاردم قؤلینی چؤزیب،
باشلرینی سیئلب-او، کؤنگلینی آلماق.
ایزگو إیش ایمسمی اگر قیلینسه؟
بیوه، بیچاره نینگ دردی اوشلماق؟!

کورونا حقیده گی اؤیلر

آنه یر قان ققشب، یانیب بؤزله یدی[۱]،
دردینی جان تیلی بیلن سؤزله یدی،
ده یدی نیت دایم آوانی کؤزله یدی،
انسان کورونادن معنا إیزله یدی.
۲
ایوریل زمان دیگن عکس صدامو بو؟
آچکؤز یوهالرگه «آه!» ندامو بو؟
ابلیسلرچه نفسگه اقتدامو بو؟
یا قیران (2)کونلرگه ابتدامو بو؟
انسان کروناد‌ن معنا إیزله یدی.

۳
دردنینگ کؤرینمه یدی اوچی- قیراغی،
علیم نینگ سؤنمه گن هلی چیراغی،
کیمدیر دیئدی بونی:« حیات اداغی،
طبعیت نینگ بیرگن اچّیق سباغی«!،
انسان کورونادن معنا إیزله یدی.
۴
شور داستانلر تؤقیب کؤنگلی سؤقیرلر،
اؤلکسه خور کبی کؤزنی چؤقیرلر،
غیبدن ساوغه دیب، ایرتک تؤقیرلر،
تون- کون اؤلیم قؤشیغین اؤقیرلر.
انسان کورونادن معنا إیزله یدی.
۴
قیلمیشی می یاکه سوقه[۳] بایلرنینگ؟
تؤکیلگن آشیمی آق سرایلرنینگ؟
تیریک جانی میکن باغ و سایلرنینگ؟
موزله گن کؤز یاشیمی چیغایلرینگ[۴]

توتونیمی قاره آلتین مایلر(۵)نینگ؟
انسان کورونادن معنا إیزله یدی.
۵
آمان قالسک بیر کون قلقیب توره میز،
کؤز آچیب، قویاشگه یوزنی بوره میز،
یاوزلیک تختیده دوران سوره میز،
ایککلریمیزنی قئته اؤره میز.
انسان کورونادن معنا إیزله یدی.

.1اؤکیریب، اوواس سالیب أیغله ماق، زار-زار کؤز یاشی قیلماق؛ ۲. بوتونلی قیریلیب کیتیش؛۳. یب تؤیمس، باشقه لرنینگ قؤلیدن، آلدیدن یولیب آلاووچی بایلر؛ ۴.کمبغل، قشّاق، یؤقسیل؛ ۵. ۴؛. نفتگه اشاره.

اؤزبیک تیلی امکانیتلر تیلی

اؤزبیک تیلی سؤز یسه لیشی و سؤز حاصل قیلیش تامانلمه امکانیتی کینگ؛ سیمنتیک/ معنا توله نیشلری جهتدن هم بغایت بای تیلدیر. بو امکانیت و رنگمه -رنگ لیکنی اساسن قؤشیمچه لر یوزه گه چیقره دی. تیلیمیزده افیکسلر سانی جوده هم کؤپ بؤلیب، اولر شونچه لیک حرکتچن که، بیر اساسدن گینه سؤز یسب قالمی، تورلی سؤز تورکوملری دایره سیده هم کؤچیب یوره دی. یعنی إیستلگن سؤز تورکومیدن ینگی بیر سؤز تورکومینی یسشی ممکن. سیزده تصوّر توغدیریش اوچون ائریم مثاللرنی کیلتیره من:
مثلن، فعلدن آت یسه لیشی :بویورماق- بویورتمه؛ قتله ماق- قتلمه؛ ماسله ماق-ماسلمه؛ یسه ماق- یسه لمه. فعلدن صفت یسه لیشی: آلماق-آلغیر؛ تاپماق- تاپقیر؛ مقتنماق- مقتنچاق؛ کوینماق- کوییوونچک، سیزماق- سیزگیر؛ آتدن صفت یسه لیشی: کوچ- کوچلی، توز-توزسیز؛ صفت، روش، تقلید سؤزلردن صفت یسه لیشی: کیچه(روش)- کیچه گی(صفت)؛ بیجیل(روش)بیجیلداق(صفت)؛ ساغ(روش)- ساغلام(آت)و هاکذالر. شونینگدیک، سینتکتیک(سؤزنی سؤزگه قؤشیش یؤلی بیلن) اصول بیلن هم اؤزبیک تیلیده انچه مونچه(قؤشمه، جفت، تکراری) سؤز یسه لیشی ممکن:

آت قولاق، کؤک سلطان، آلیب ساتر، تؤی- تماشا، اور-أیقیت، یوگور-یوگور(شاشیلیش)معناسیده و باشقه لر.

یوقاریده گی معلوماتنی کیلتیریشدن مقصد سیز عزیزلرنی بیر سؤز مثالیده اؤزبیک تیلی امکانیتلری بیلن ته نیشتیریشدیر. برهان الدین ربغوزی نینگ« قصص ربغوزی»اثرینینگ ۲- جلدینی اؤقی یاتیب، کؤزیمگه«آرتقری»-دیگن سؤز أیلیندی. قره سم بو سؤز توشونرلی و

کؤزیمگه قیزیق داریپتدی.

یسه لیشیگه اهمیت قره تینگ:

آرتقری= آرت+قری(سؤز و قؤشیمچه). گپده کیلیشی: « جلادلر جیرجیسنی توتوب، تؤنلرینی چیقریب، إیلکینی، آیاقینی باغلب هواغه کؤتردیلر. إیلگرودین(آلد تاماندن)، آرتقریدین اوردیلر(« قصص ربغوزی»)۷۱- بیت.

ربغوزی۷۰۰ أیل آلدین بو سؤزنی یسه گن ایکن؛ حاضرگی تیلیمیزده هم مذکور سؤزنینگ شکلداشلری، مثلن، « إیچکری»،« تشقری»کبیلر موجود. یعنی جای، نرسه-حادثه نینگ إیچی و تشقی تامانی دیگنی.

سؤزنینگ کیلیب چیقیشی

بو سؤز اصلی قدیمگی تورکی تیلده« سیرت»معناسینی انگله تووچی « تش» آتیدن جؤنه لیش کیلیشیگی نینگ قدیمگی شکلی: «-قرو/گه» قؤشیمچه سی بیلن حاصل قیلینگن. کیئینچه لیک بو کیلیشیک شکلی استعمالدن چیققن و بو سؤز یخلیت لیگیچه صفتگه ائلنگن؛ اؤزبیک تیلده گی «a»اونلیلری«ä »اونلیلریگه سؤز آخریده گی«i»«u »اونلیسیگه المشگن « Tash+qaru= tashqaru>tashqari. اؤزبیک تیلی نینگ ایتیمالوگیک لغتی«

۱۳-عصرده آرتقرو دیگن سؤز بار بؤلگه نینی ائتدیک. آرت(آرقه)قرو(گه)= آرقه تامانیگه دیگنی؛ حاضرگی تیلیمیزده ایسه تشقری و إیچکری شکللری موجود بؤلسه؛ ایندی نیگه: یانقری(یان تامانی)، اوستقری(اوست تامانی)، آستقری(ته گ تامانی)، آلدقری(آلد تامانی)، اؤنگقری(اؤنگ تامان)، سؤلقری(چپ تامانی)کبی سؤزلری یسلمه سین؟ نیگه؟! قلمگه آلینگن سؤزلرنینگ گپده کیلیشی: یانقریدن بناگه کؤز تشله دیم؛ کؤریه نینگ اوستقریسی قه لین؛ تخته نینگ آستقریسی تیکیس ایمس؛ تاغ نینگ آلدقریسی قارگه بورکلگندیر؛ دوکان نینگ اؤنگقریسی سیم بیلن تؤسیلگن؛ إیشخانه نینگ سؤلقریسی یاپیق توره دی. قیشلاقه آرتقریدن کیریله دی. کؤره پیسیزمی؟ اؤتمیشده سؤزنینگ بیتته شکلی؛ حاضرگی تیلیمیزده ایسه ۲ته شکلی موجود بؤلسه، اولردن کمیده ینه آلتیته ینگی سؤز شکلی حاصل قیلیش ممکن ایکن.

تورکینامه

اوشبو شعرنی ۱۹۹۴-أیلی، سوینیب- سوینیب، ایندی ایلکه میزنی قویاش نینگ یللیغی سیئله دی میکن؟ دیه یازیب ایدیم. لیکن، بوگون مین ایورلیشلر، اؤزگریشلر بیلن کیله جک سری آقیب بارماقده من. اؤزگریشلرنینگ بیر بؤلگی گه ائلنگن قلمچینی بیر قازیققه باغلب، اوشلب توریب بؤلمس ایکن. کیله جککه آتیلگن بوگون نینگ فرزندی- مین هم اؤتمیشگه تیگیشلی من اصلیده. تؤغری، کیچمیشنی قومَسب قلمگه آلگنمن بو شعرده... اما، شونی ایسدن چیقرمه یلیک که، اؤتمیش بوگون ایمس؛ بوگون هم اؤتمیش ایمس. اجدادلریمیزنینگ خطاسی اؤرته عصرگه تعلقلی؛ بیزنینگ خطایمیز اولرنیکه گه قره گنده مینگ چندان آرتیق راق. خفه بؤلمه نگ عزیزلر! تؤغریسینی ائته قالی: نه « تورک میزا!»، نه- ده « اؤزبیک!» بیر هاوووچ عرب پرست، دین زده و تازیلر نینگ خرافات خرمانیدن سرقت یگووچیسی مخلوق میز. یخشی - یامان سؤزلریم إیچیده شو یره مسلری هم بؤله قالسین، دیگن فکر بیلن اؤقی یاتگه نینگیز شعرنی بوگون فیسبوککه قؤئیشگه قرار قیلدیم. ینه بیر اعتراف، شو اؤز کمترین ایجادیم بیلن انچه مونچه إیش قیله آلیشیمگه کوچیم ایته دی؛ بیراق، اؤزبیک(افغانستان) دیگن نادان و جاهل خلقنی منقورتلیکدن آزاد ایتیشگه عقلیم ایتمه ییتی. بو آرزو -إیلینچنی (مزاریم- کو، بؤلمس)، آلاو-النگه لر بیلن بارسه - کیلمسگه آلیب کیتسم کیره ک.

تورکی نامه

اؤتمیشینگنی ایسلەسم، کوز اونگیمه شأنینگ کیلور،
ایسکی آلتای آرتیدن شوکتلی کاروانینگ کیلور.
آلپ ایر تؤنگه، اؤغوزخان تمغه سین إیلگینده توت،
یتّی اقلیم اوزره حکم ایتماققه فرمانینگ کیلور.
ای مینینگ آلتای بابام، سی‌ن‌سن اورال تاغیم مینینگ،
اوزلیگیم‌نینگ چَشمەسی، کونگلیمگه ارمانینگ کیلور.
هونلرینگ،اجدادلرینگ تاریخ نینگ آلتین تاجیدیر،
کیئی توران تاجینگ ینه هونلیکّه میدانینگ کیلور.
اویله گـؤبی دشتیدن تا رؤم قدر آت اوینه‌تیب،
آلپ-تیانشان تاغیدن تورکانه جَولانینگ کیلور.
اؤچدی دیب مشعل چیراق اوکسینمه‌گیل ای مِلتیم،
اوتمیشینگنی تیکله‌ماققه دَور و دَورانینگ کیلور.
تورکی آچون کوزگوسین توتدی غبار دیب اویلەمه،
تورکلیگینگنی اَنگله‌ماققه عهد و پیمانینگ کیلور.
یفتلینگ قیصر زمانلر باشیگه سالدی یوگن،
چین و کاشغردن ایپک یول باشله‌گن خانینگ کیلور.
کولتـَگین، بیلکه قاآن، بومین و ایستـَم دردینی،
پند ایترگه بیر کونی اؤگیتلی خاقانینگ کیلور.
اویغور و قیپچاق و قرلوق، توغسی و یغماسینی،
کوکسیگه باسیب مـَحبتلی قراخانینگ کیلور.
اوزگه بلبل، اوزگه کویلرنینگ جفا و داغیدن،
اختـَریب اوز باغینی محمود سلطانینگ کیلور.
چاپ یـَـشیندیک اوچقیر آتیم، آل تـویاغینگ آلغه باس،
مـَعرکه میدانیگه سلجوق تورکمانینگ کیلور.
اوخلـَمه، اویغان جیگر، آتیل فَلک‌نینگ تاشیدیک،
اؤزگه لرگه باشین ایگمس لیگّه پایان نینگ کیلور.
ایندی مَملوک سی‌ن ایمس‌سن، ایندی قـوللیک دَور ایمس،
ایکّی مینگ ییل قـَعریدن فریاد و افغانینگ کیلور.
شعر باغین سؤز و صنعت له بیزه ب-تؤلدیرگه لی،
چون بابر، یاخود نوایی دیک دانا سخدانینگ کیلور.
توقسان ایکـّی ایلی اوز اطرافیگه بیرلـَشتیریب،
دشتِ قیپچاقدن خراسان ساری شـَیبانینگ کیلور.
اؤزلیگینگ انگلب، سباق آلسنگ حیات نینگ درسیدن،
بیل خرافاتدن قوتولماقلیققه امکانینگ کیلور.
عرضِ حال ایت، سوزگه تیل آچ، دلدەگی دردینگنی اَیت،
ایگمه باش، قدّینگنی تیک توت، دیب کوره‌گانینگ کیلور.
هیلیپره‌ت ایرک بـَیراغینگ تا بیر یوزین بـُنیادی بار،
آنه تورکستان اوچون بیر آنگلی اوغلانینگ کیلور.
چین حقیقت بیتگه نینگنی کفریاتگه یؤئیدیلر،
ایرته بیر کون پاکله نیب، صف-صف إینانغانینگ کیلور.
چین حقیقت بیتگه نینگنی کفریاتگه یویئتدیلر
ایرته بیر کون پاکله نیب صف-صف إیناغانینگ کیلور.
بو قصیده م شونچه که، دردیم ایمس؛ عصیانیم هم،

قاره خلق ملت بؤلور دیب، یانیب ائتگانینگ کیلور.
سین بیریاق، بو آنگی قوفلاق درد بیلمس ایل بیریاق،
کیلگوسی ایورویل زمانلرده بیلگانینگ کیلور.
سؤزلرینگ بیر کون سینی اؤلدورگوسیدیر ای ایشانچ،
بو نی دردکیم آه دیب، آچسنگ آغیز قانینگ کیلور؟

-

آلپ ایرتؤنگه- افراسیاب، ۲۷۰۰ أیل آلدین دورو دوران سوریب اؤتگن باش بابالریمیزدن دانگ تره تگن اینگ کوچلیسی!
ایشانچ توره۱۹۹۴-أیل/ جوزا/ شبرغان

» بیز» نیگه بیز ایمس بیز!

مینی کؤپدن بیری بیر نرسه اؤیله نتیریب کیله دی. او هم بؤلسه اؤز قؤلیمیزده خام تلاش بؤلگن؛ جسدگه ائلنیب باره یاتگن اؤزلیگیمیزدیر! شوندن قتّیق اضطراب چیکه من، تینچیم بوزیلیب، کؤزیم اویقوگه إیلینمه یدی. نیمه گه شونده ی؟! دیب قاتیب اؤیگه تاله من. ینه، شونینگ تیوره گیده إیچیمده قله شیب یاتگن سؤراقلر « جواب بیر !»دیه یاقمگه ترمه شگه نی-ترمشگن. سؤراقلریم گاهده، خوددی یتیم باله لرده ی یوزیمگه قره ب بیزره یه دی. اولر نیگه بونده ی دیب اچّیق- اچّیق کولیشه دی؛ مین بؤلسم ویتدن قاپ-قاره تیرگه باته من. بیز کیم ایدیک-او، کیم بؤلدیک دیه اوفکه لنه من. ینه، « بیز »نیگه بیز ایمس میز؟ دیگن سؤراققه دوچ کیله من. تاپگن جوابلریم إیچی-إیچیمنی کیمیریب، جان و جهانیمی ویران قیله دی. خوددی، توینوکسیز، اداغی کؤرینمس تونلگه کیریب قالگن سینگری، چاره تاپه آلمی چؤلاققینه قلمگه زور بیریب، غریبگینه اؤزلیگیمنی اختریشگه توشه من. شونده سؤقینچگه(تفکر) باته من، بو ملامت اقلیمیده اؤزیمدن باشقه هیچ کیم یؤقده ی گوئیا! آغریق باسگن باشیمنی چنگلله گنچه، قیده سن اؤزلیگیم؟ دیه داد سالیب قیچقیرگیم کیله دی. ساغیمده(اؤنگ) کؤره آلمه سم؛ جیلله قورسه توشیمگه کیره قال، دیئمن اؤز- اؤزیمنی آوویتگن بؤلیب. آغریقلی جوابلردن سؤغین(کیئین) اوّل اؤزیمگه گپیریب بیره ی قنی؛ اؤخشه سه باشقه لرگه ائتیب بیره من، دیئمن. آووا!! گپ- گپدن اؤتگن. قره سم ساپ(تمام) بؤلیب میز، اوواغ- اوشاغ قالدیقلرنی حسابگه آلمه سک اؤزلیک دیگن سفره ده هیچ نرسه قالمبتدی. حتی که، سفره نینگ اؤزی هم إیلمه-تیشیک بؤلیب کیتگن. إیشانه بیرینگ بیتیب توگب میز ایکن. نخاتکی مین بیلکن، حس قیلگن قیناق و عذاب-عقوبتلرنی باشقه تیلداشلریم اؤزلریده تویمی دیلر؟-دیب دانگ(حیرت) قاته من. بو کیتیشده اؤزبیک دیگن بیر خلق تاریخ صحنه سیدن یویلیب کیتمه سین ته غین؟! بو تؤغریده گی اؤی -فکرلریم بیلن مقاله دوامیده ته نیشیب آله سیز.

اؤرتوکلر آرتیده گی گپلر

بو اوزوندن-اوزاق تاریخ نینگ اوستیدن باریب، إیچیدن حقیقتلرنی تاپیب چیقیب گپریش ملال-بیله من. شونینگدیک، مینگ أیلدن آشه راق تاریخنینگ فکریمیزگه عاید قسمینی بیر مقاله گه سیغدیریش و گپیریب بیریش هم آسان ایمس. راستینی ائتسم بونده ی نرسه لرنی یازیشگه حوصله هم، وقتیم هم یؤق. سینگه قالیب می بو آته گوری، قاضیخانه؟ شو یاشده همّه بیلن یاقه له شیب، جیققه-مشت بؤلیش یره شمیدی سینگه، باره ای! دیه قؤل سیلته گیم کیله دی. مینینگ إیشیم اؤقیگن ساحه م « اؤزبیک تیلی و ابیاتی»! قاله بیرسه شعر و ساچگیلر(نثر) یازیب فکر تره تیش و ایجاد قیلیدشدیر. مجازی ترماقلرگه کیرگندن بیری فرصت تاپیب، آره - سیره، بیر-بیر شینگیل شبهه لی فکرلرنی فیسبوکمیده یازیب کیلماقده من.

بیله من، یازگنلریم کؤپچیلیک عزیز تیلداشلریم نینگ غضبینی تاشردی، تابینی قاچیریب، اویقولرینی اوچیریب یوباردی. شو سبب دشمنلر غاولب کیتدی. کون چیقرده بؤلسم اؤز اؤزبیکلریم مینگ مرته تاش کؤمیدی قیلمی قؤئیمسدیلر. خوب، بو إیشیم کیمگه فایده-یو، کیمگه ضرر؟ بو حقیده باشقه لر یازسین. مین ایسه مدنی بیر شکلده حساس نرسه لرنی بارلب، یومشاقّینه اؤی ستیش/تنقید قیله بیره من. تاکه، اؤزگریش، ایوریلیشلر ایپکینی کؤکسیمیزگه اورمه گونچه قلم اوره ی، قؤئینگ یازه ی، اؤرتیکلب(یاپینچیق)یاتگن حقیقتلرنی بیته ئین.

مونچه اچّیق بؤلمه سنگ حقیقت

شونیسی بارکه، مین گپیرماقچی بؤلگن موضوعلرنینگ یتگی دین و مذهبگه باریت تقه له دی. بو آغیزنی کویدیره دیگن مسئله. آرقه سیده خدا، پیغمبر توریبتدی. بو إیکّیسینی قؤلیده تؤقماق، کلتکلر بیلن قؤریقلب تورگنلر اؤزبیکلر بؤلیشه دی... مین باری یؤغی، یات، تجاوزکار فرهنگلردن قوتیله یلیک دیمن. بیکار آغیزلری کفله نیب، دَراو سؤکینیشگه توتینه دی، مینگه قرشی کؤپیکلر سچره ی بیره دی. استدلال اؤرنیده تاش دوریگه تیگیشلی تهمت، تکفیر و فتوالر کلتکلری کؤکّه سَپچیدی. بو یاروغ عالمده عرب پرستلیکدن کؤره کیف بیرووچی آغو تاپیلمسه کیره ک.

مین و دین

برچه-برچه نرسه لرنینگ إیلدیزی زمیندن سو إیچه دی. مادّی بارلیقدن تشقری هیچ قنده ی فوق العاده کوچ-قدرت یؤق. نیمه بؤلمه سین؛ هیچ بیر نرسه تنقیددن تشقریده ایمس. اجتماعی تنقید هیچ بیر زمان نفسدن تؤختمه مه یدی. اعتقاد مسئله سیگه کیلیسک دین تنلش، تنله مسلیک کیشی نینگ شخصی إیشی. بونینگ قانونگه خلاف جایی یؤق. « إیسته سنگ تاشگه سیغین؛ بیراق شونی مینگه آتمه!»دیگن مشهور گپ بار. تؤغری، بیراوگه دین عایله سیدن یوقه؛ بیراولر کؤزینی جیپه یومیب دیندار بؤلیشه دی، باشقه لر یخشیلب تیکشیریب، کیئین دین تنله یدی. یاکه، عکسینچه، کیمدیر دینّی عقل ترازوسیگه سالیب اؤلچه یدی، شعور و منطقدن أیراق تاپیب، دینسیز یششنی معقول کؤره دی. دین سینینینگ سؤراقلرینگه جواب بیره آلمسه؛ تگی و توگی یالغان ایرتک-افسانه... بؤلسه، سرابگه إینتیلیش و شمال آرتیدن قوویش نینگ کیمگه کیره گی بار؟ خدا بؤلرده ی بؤلسه، معلوماتسیز، کور-کورانه دیندار بؤلگنلرنی ایمس؛ بلکه عقلینی إیشله تیب دینگه کیرمه گننی یخشی کؤره دی و سیوه دی، سیئله یدی. خدا(۲۵۰ته)لر کؤپ، دین(۴۶۰۰ته)لر هم بسیار. همّه سی هم« حقیقت مینینگ مشتیمده» دیئدی. دین و مذهبلر اؤرته سیده گی قانلی، دواملی اوروشلر اصلیده انه شو جایدن باشلنگن. الله و دین بیلن مینینگ إیشیم یؤق؛ شرط شوکه، مینگه تیگمه سین؛ خاتین-قیزلرنی حیاتی حق-حقوقیدن محروم قیلمه سین. اؤزگچه فکرلاووچیلرنی اؤلدیریشگه حکم چیقرمه سین. میلی، شونده ی دینگه سیغینووچیلر بؤلسه، مین اولرنی چین کؤنگلیمدن حرمت قیله من. اگر اسلام دینی باشقه لرگه ظلم قیلمی، مینگلب بیگناه انسانلرنی پارتله تیب اؤلدیرمه گنده ایدی؛ اؤزگه لرگه بوتاو(بیتیب کیتگن) کؤز بیلن ایمس، انسانی، بغری کینگلیک بیلن مناسبتده بؤلیب، کیلیشیب یشه یاتگنده (؟)ایدی، حرمت قیلگن بؤلردیم.

تینگمی ترازونینگ إیکّی پلّه سی؟

اجتماعی تنقید هواگه اؤخشه یدی. ایشیکدنم، تیشیکدن، کؤز إیلغه مس توینوکلردن کیریب باره دی. تنقید سره نی سره گه؛ پوچکنی پوچکّه اجره تیب بهالووچی تفکّر شکلیدیر. تنقید کمسیتیش، توهین، تحقیردن أیراق فکر یوریتیش دیمکدیر. تنقید مقدس نرسه لرنی تن آلمه یدی. کمینه هم فیسبوک باپ قیسقه-قیسقه گپلر نی اجتماعی تنقید اؤله راق بیریب باره یاتیرمن. بوندن ایسنگیره نگ اؤزبیکلریمیزنینگ سانی کیم قنچه! مکتب اؤقی گن عرب پرستلر، ملا و آخوندلرنینگ فتوالری آلدیده؛ مین یازه یاتگن گپلر بیر زره هم ایمس. مین بیر کیشی یازه یاتگن بؤلسم، اولر اؤن مینگلب، تؤده له شیب حمله قیله دیلر، تبلیغ منبری اولر اختیاریده، میدانلری کینگ، امکانیت هم. اصلیده ترازونینگ إیکّی پلّه سی تینگ بؤلیشی کیره ک ایمسمی؟ خوش عزیز تیلداشلریمیز شو جاهلانه، و حشی قوتقولرنی ایشیته توریب، نیگه ملالرگه آغیز آچه آلمیدیلر...؟

اؤزبیکلر هلاکت یاقه سیده می؟

مسئله چیندنم شو قدر خوفلی و هلاکتلی می؟ فیسبوک حساب-کتابلریگه قره گنده بیز اؤزبیکلر اوغانلردنم بتراق فنتلشیب بارماقده میز. سؤکانغیچ ،تهدید قیلگن مینگدن آرتیق تیلداشلرنی ناچار فیسبوک قبرستانیده کؤمدیم. قیزیق، هلی آغزیدن سوت نینگ هیدی کیتمه گن؛ عمریده بیتّه یم کتاب اؤقیمه گن، چله سواد یاکه سوادسیز تیلداشلریمیزنینگ پارتلشلرینی کؤریب یاقه اوشله یسن کیشی! اولر فکرگه قرشی فکر(؟) بیلن چیقیش اؤرنیده، تهدید و قؤرقیتیشنی افضل کؤره دیلر. اسلام دینی حکملرنینگ داش قازانیده ته گی کویب، یاپیشیب کیتگن- کافر، ملحد، مشرک، دهری، خداسیز، مرتد کبی سؤکینیش سؤزلرنی اؤزلریگه قورال قیلیب یازیه باشله یدیلر

افسوس! اوغان تینچلیکدن؛ اؤزبیک کتابدن بیزار علم-فنگه قیزیقه یاتگن، فایده لی ساحه لرده إیشله یاتگن اؤزبیکلریمیز شکرکه-بار هر قه لی. اؤزی مکتب اؤقیب، دنیاوی تعلیم آلیب اشدّی بؤلگن تیلداشلریمیزنی نیمه دیئسیز؟ ملا-یو، آخوندنم کؤره بولرنینگ شِشتی بلند. همه إیشینی قؤئیب، اؤزی بیلمه گن مسئاله سیده یاقه ویران بؤلگودیکلرنینگ اورچیب باره یاتگنی تشوشیلی ایمسمی؟ اصلیده جمعیت بر قرارلیگی اوچون اینگ خوفلی سی انه شو قتلمنی ائتمی بؤله دیمی؟ إیلغار و آیدین فکرلی دنیا متفکرلری اثرلرینی اؤقی یاتگن تیلداشلریمیز بارلیگیدن مین بیخبر. شونیسی معلومکه، هیچ قنده ی ایزگو فکر بیلن میه سینی چرخله می یاتگنلرنینگ سانی جوده یم کؤپ. دیندن سؤز باشلب، بیر سریق کتابنی اؤزبیک آلدیگه قؤینگ-او، تماشانی کؤره بیرینگ. کاشکی اؤشه نی بیلسه لر ایدی! بو کیتیشده داعش، طالبلر توگیب، اورنینی اؤزبیکلر ایگلله مسین إیش قیلیب.

اؤتمیش نینگ آغریقلری

بیلگه نینگیزدیک، تورکیلر اوچ قاره ده کوچ و قدرتلی ایپراتورلیک یالاونی تیکیب، دورو دوران سوریب اؤتگنلر. بو بیزنینگ اؤتمیشیمیز. آقمی، قاره بیز اؤشه لرنینگ اولادی و دوامچیلریمیز. امّا، تاریخیمیزنینگ کیئنگی۱۰۰۰أیللیک سیاسی عمرینی ایسلش خاطر ه نی چرچه ته دی، حافظه نی حسرتگه باتیره دی. انسانیت تاریخی اوروشلردن عبارت. اسکندر، چنگیزخان، ناپلیون، بویوک پیترلر هم اولکن جنگلرنی یؤلگه قؤئیدی. بیراو اوچون ایمس؛ اؤز خلقی و اؤز منفعتی اوچون شونده ی قیلدیر. بیزنینگ تاجدار، فاتیح لریمیز عربلر اوچون جان بیریب، جان آلدیلر. اجدالریمیز کیچمیشی شونده ی بؤلگن افسوس!

تاریخیمیزنینگ میوه لری آغیزنی چوچیتمه یدی؛ عکسینچه، إیچنی ویران قیلب، میبه نی ققشه ته دی. فکرلریمی بیلن یخشی ته نیش بؤلگه نینگیز اوچون اولرنی یازغیریب اؤتیرمی قؤیه قالی. ایسینگیزگه سالیش اوچون بیر إیکّی جمله نی قیستیریب اؤتیشگه مجبورمن. بیز تورکی لرنینگ اجدادلری بؤلمیش شاه و سلطانلریمیز اؤزلریگه ایمس؛ اساسن عربلر اوچون قیرغین - بارات جنگلرنی باشدن کیچیرگنلر. بیرگینه سلطان محمود غزنوینی ایسلنگ. عباسیلر خلافتیدن امیرلیک مقامینی آلیش اوچون ۱۶مرته هندوستانگه قؤشون تارتدی. هندولرنینگ عایده لرینی بوزیب، بیر نیچه یوز مینگ هندونی قیلیچ اؤتکزدی؛ هندوستاننی قانگه قان باتیردی سؤنگ غازیلیک لقبینی قؤلگه کیریتدی. باشقه لری هم شو سیاستگه یعنی عربگه خدمت قیلیشنی شرف بیلیب حکمرانلیک قیلدیلر.

سینده بیر گپیم بار تاجدار بابام تیمور

دنیانینگ مثلی کؤریلمه گن بیرینچی اینگ اولوغ فاتحلریدن بیری سؤزسیز امیر تیمور صاحبقراندیر. بشریت تاریخیده استعدادی اؤتکیر نابغه بؤلسه، بیتّه سی بابامیز تیمور بؤله دی. تیمور حقیده بوگونگچه تورلی تیللرده یازیلگن کتابلر سانی ۳۰۰۰دن آشیب کیته دی. کون باترده تیمورگه هیکل قؤییب، اروپانینگ نجاتکاری دیئشه دی. غرب متفکّرلری تیمور حقیده دارمه یازیشدی. امیریکه لیک متفکّر شاعر ادگار آلن پو(۱۸۰۹-۱۸۴۹)اؤزی نینگ اینگ گؤزه ل شعرلریدن بیرینی تیمورگه بغیشلب یازدی. شونی تن آلیش کیره ککه، بونده ی نایاب اقتدار و استعداد ایگه سینی تاریخ عینن بیزگه هدیه قیلگه نی کتته گپ. امّا، افسوسلر بؤلسینکه، اولوغ بابامیزنینگ بیردن بیر دردی عرب دینی و منفعتی بؤلگن. قرآن تیسکریسیگه یاد آلیش، قرآننی پراگنده لیکدن چیقریب بیر ترتیبگه کیلتیریشگه جزم قیلگنی حیرتله نرلی حادثه. هندگه، ماسکوگه، ختایگه قیلگن اوچ، بیش و یتتی أیللیک اوروشلریدن مقصد داراالسلام بیراغینی تیکلش ایدی... شونچه کوچ و قدرت ایگه سی بؤلگن امیر تیمور اؤز خلقیگه نیمه قیلدی؟ دیگن سؤراق اؤرته گه آتیله دی. نیگه تیمور دوریده تیل و ادبیات ساحه سیده هیچ نرسه قیلنمه دی؟ تیمور دوریده بیرارته هم ادبی سیما بؤی کؤرستمه گن؟ حال بوکه، دولت، سرای تیلی ایسکی اؤزبیک تیلی بؤلیشی ممکن ایمسمی ایدی؟ تیمور دوری سمرقند ادبی محیطی نینگ چیراغی مطلقا اؤچگن. نه ادبی اثردن درک بار، نه -ده، ترجمه دن خبر بار. ۱۴-۱۷ عصرگچه بوبوک تورکستان توپراغی هیچ قنده ی حاصل بیرمه گن. اوندن آلدین هم أحوال شو. نیگه تؤرت، بیش عصرگه یقین دور بؤم-بؤش یاتیبتدی؛ ادبیات نفسدن قالگن؟! بو پئتلرده تورکینی بیله یاتگن نه عالم بار، نه شاعر و نه-ده دانشمند. تیموردن کیئین نبیره لری کهنه مزار اوستیده اؤز مای چیراقلرینی یاقتدیلر. مین انه شولردن اؤککسینه من؛ مینینگ دردیم شولر. بیراونینگ دینگه کیریشی یاکه چیقیشی مینینگ إیشیم ایمس. « کل بیله دی کله سی، کؤر بیله اعصاسی» دیگن گپلر عزیزلر.

قیده سن اؤزلیگیم

اؤزلیک دیگن بیر الوغوار تویغو یؤقالیب باره یاتگه نیدن اچینه من. نیگه مینینگ تیلداشلریم بؤلمه غور خرافتلر ارقانیگه آسیلب، اؤزلیگیدن ماسوا یشه سین؟ اوغانستانده ۵۰ أیلدن بیری اؤزبیک تیلیده یازیب کیله میز. «ده» بیلن «گه»کیلیشینی اؤرگه نیش اوچون یریم عصر

یتمه پیتدی بیزگه عزیزلر. لیکن، دین دیگنده آغزیمیزنینگ سوله گی آقیب، باسر- توتریمیزنی بیلمی قاله میز. دین بنگیسی بیز ایمی، کیم بؤلسین؟ اول اؤزلیگینگنی ته نی؛ اؤز آنه تیلینگنی اؤرگن، ادبیات، صنعت و مدنیتینگه آشنا بؤل. وقت تاپسنگ الله نینگ حمایه سیگه آتلن؛ دینبازلیک قیله بیر، دیب کیم ائته آله دی اؤزبیککه؟ یات نرسه لرگه یاپیشمه نگیز عزیزلر دیگیم کیله دی. همّه گپ انه شونده. کیملردیر مینی قوم پرستلیکده عیبله شر، گپلریمنی عربلرنی یامان کؤره رلیککه یؤئیر، بوره ر. یؤق عزیزلریم، مینگه اؤخشه گن مظلوم خلققه منسوب انسانلر بو صفتلردن اوزاق توره دی. باشقه-باشقه تهمتلر تؤقیب تشله ی بیریشلری هم ممکن. مین عربلرنی یامان کؤرمیمن. اولر هم سیز و بیزگه اؤخشگن آدملر. فرقی شونده که، باشقه لر حسابیگه ته لته یب کیتگنلر خلاص. اولرنینگ اعتقادی مینی قیئینه یدی. باسقینچ عربلر اسارتیدن آزاد بؤلی لیک دیئیمن.

مقورتلیک نینگ بیلگیلری

ینه، یات نرسه لرگه یاپیشمه نگیز عزیزلر دیگیم کیله دی. نیمه گه شونده ی دیب کیله من؟ کیلینگ فکرلریمنی یائیب راق توشینتیره ی. راستینی ائتسم بیزده هیچ نرسه قالمه گن. عربلرنینگ داش قازانده یریب ادا بؤلگه نیمیز. إیشانمه یسیزمی؟ اونده منه مثاللرگه اعتبار قره تینگ:

۱ -حاضرگی اؤزبیک ادبی تیلیمیزنینگ کمیده ۴۰٪یدن آشیغینی عربچه سؤزلر تشکیل بیره دی. عکسینچه عرب تیلیده بیتّه یم اؤزبیکچه سؤز یؤق بیزدن. اولر اؤزبیک/عجم تیلیدن سؤز اؤزلشتیریشنی اؤزیگه عار بیله دیلر. دنیاده بیزنینگ شوم تقدیریمیزگه دوچ کیلگن مللتلر کم تاپیلسه کیره ک. مین بونی منقورتلیک بیلگیلریدن بیری دیب قره یمن.

۲ -اسملریمیزنینگ تخمین ۹۹٪ی عربچه. عرب تیلیدن اللـه قچان اونت بؤلگن آتلر هم منگله یمیزگه یاپیشتیریب کیلینماقده. حال بوکه، عربلر اؤز فرزندلریگه هیچ قچان« یؤلداش»،« تیمور»،« ایگمبیردی» دیب آت قؤئیشمه یدی.بیر تفکّر قیلیب کؤرینگ؛ فقط ایتیمیز، سویک، تیریمیزگینه اؤزیمیزنیکی. ذاتیمیز ماهیت و معنوی دنیامیز بیزنیکی ایمس. بو عربلشیش نینگ باشقه بیر کؤرینیشی و منقورتلیک بیلگیسی.

۳ -ادبیاتیمیز هم یات عنصرلر إیله یترلی درجه ده بؤلغنگن. ادبی ژانرلریمیزنی آلیب قره لیک. ۲۰گه یقین ژانرلریمیز عربچه: غزل، مخمس، مسدس، قصیده، ترجیع بند، رباعی، مربع، مستهزاد، مثمن و هاکذالر. ردیف، روای، قافیه، بدیعی و معنوی صنعتلر کبی ینه بیر عالم ادبی اتمه لرچه؟ ممتاز ادبیاتیمیزنی سیم تیکندیک اؤره ب آلگن. بولردن حاضرگچه واز کیچه آلمه یپمیز.

۴ -کلاسیک شعریتیمیز وزنلری هم عربچه. عروض دیب اته له یاتگن، فارسلر ائتگندیک« روده پا» علم، ادبی دیدیمیز، فکریمیزنی هم وقتیمیزنی اؤغیرله گن. بونده ی بی معنا علمنی اؤرگنگونچه، اؤز تیلیمیزده توزوک-قوروق ادبیات نظریه سینی یره تیش ممکن ایدی اؤتمیشده. بو منه شعری اؤلچاو/وزنگه دقت قیلینگ: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن = مضارع مثمن اخرب مکفوف محذوف. یاکه، مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن = هزج مثمن اخرب مکفوف محذوف . آه اؤرگیلیب کته ی بونده ی علمدن! بیته گینه مصرعنی توراق و بؤغینلرینی کیلیشتریش اوچون شونقه بی معنی

إیپریسقی علمگه إیشیمیز توشگن بؤلسه، شوریمیز قوریدی، دیه ویرینگ.

۵ -ادبی قهرمانلر مسئله سی هم ادبیاتیمیز تؤریدن اؤرین ایگللَه گن ایمسمی؟ بیرگینه لیلی و مجنون داستانی و او بیلن باغلیق عربی ناملر-او، جای و قبیله ناملرینی ائتمی سیزمی؟« لیلی و مجنون»نامی بیلن ۵۰دن آشیق داستان یازیلگن ادبیات تاریخیده. عرب قیسی علم، تمدن و اخلاقی بیلن بیزگه اؤرنگ بؤلسین؟ ادبیاتیمیز گه یؤل آلسین؟ لیلی و مجنون اؤرنیده حافظ نینگ کؤزینی قمشتیرگن تورک گؤزه لی و بربسته أیگیتی یؤقمی ایدی بیز تورک/اؤزبیکلرده؟ سو آقمس، اؤت کؤکرمس عربستانده گی بنی هاشم، بنی قریش، بنی عمر قبیله سی ادبیاتیمیزنینگ موضوعسی. زید، قیس، لیلی، نوفل...کبی کیمسه لر ادبیاتیمیز قهرمانلری! وای داد!!!!

۶ -علمگه عاید توشونچه لرنی ائتمی سیزمی؟ مثلث، زاویه، مربع، مستطیل، هندسه، ریاضی و باشقه لر علمی اتمه صفتیده تیلیمیزگه کیریب کیلگن . اگر اجدادلریمیز کتاب، علم-فنگه اهمیت قره تگنده ایدی عرب سؤزلری اؤرنیده علمی اتمه لرنی اؤزلری اؤز تیللریده وجودگه کیلتیریشی ممکن ایدی.

۷ -آی و قویاش تقویمی بؤلمیش أیل سنه میزنی نیمه دیئسیز؟ ۱۳۹۹-إینچی هجری(؟) عربی سنه منگله یمیزگه قازیقده قاقیب قؤئیلگن عزیزلر. یسه مه تاریخ قربانلری بیز ایمی کیم؟

۸- آی ناملرینی شونچه که ایسینگیز ساله من. حمل، ثور، جوزا، سرطان ...حوت. حال بوکی بیزده آی و کون ناملری بؤلگن. کاشغری، ربغوزی و باشقه منبعلرده اولردن آت توتیلگن.

۹ -یازوو-الفبامیزعربچه. یخشی-یامان اؤی-فکرلریمیز بیگانه قالیبگه سالیب یازیله دی. حال بوکی، تیلیمیز تاریخیده، کؤک تورک یازووی، آنه سای یازووی، اویغور یازوی، سغناقی یازوو و نهایت بابر اختراع قیلگن بابر خطی بؤلگن. بو منقورتلیکنی قی گه کؤرتیب باره میز؟

۱۰ -دین و الهیات -کو اؤز ی بیر داستان. ینه کیم قنچه عرب تیلیگه عاید جمله و عباره میبه میزده إین قوریب آلگن. اولردن بیر نیچه ته سی هر دقیقه تکرارلنه دی. بو کتته و نهایت کینگ موضوعنی اؤزینگیز قؤیه من. آزگینه تفکّر قیلسه نگیز مین تیلگه آلمه گن، بیراق، اؤزلیگیمیزنی ویران-زیران قیلگن ینه الـله قنچه گپلر بار. ایندی سیز خلاصه چیقرینگ عزیز تیلداشلریم. « بیز» هلی یم بیز می؟ مین یوقاریده اؤزبیکچیلیکنی منقورتلیککه ائلنتیرگن عامللرنی سنب کؤرستدیم. بولر هلی همّه سی ایمس. بیز حاضر هم اؤزبیک میزمی؟ دردیم انه شولر قدرلی ملتداشلریم. ایندی سیز مینی کافر، ملحد، مرتد... دیب سؤکه بیرینگ؛ اوز عبیلریمنی شو مقاله ده تؤکیب ساچدیم. قالگه نی سیزگه حواله.

اؤخشه مس

نوایی گه « اؤخشه مس»غزلیگه ایرگشو

کؤنگلوم إیچره درد و غم اولگیلرگه اؤخشه مس،
کیم، اول آی نینگ هجری هم اولگیلرگه اؤخشه مس.
نوایی

اؤخشه مس

ایندیگی سیوگی، صنم، اولگیلرگه اؤخشه مس،
ناز و سؤز، قیئناغی هم اولگیلرگه اؤخشه مس.
هجریدین أیغلش بار ایردی شور قسمت لوحیده
کؤزده گی شورابه نم اولگیلرگه اؤخشه مس.
اؤرته نیب کؤنگلیم چیکر ناکاملیقلر آغریغین،
باشگه توشگن بو الم اولگیلرگه اؤخشه مس.

کؤرکه بایلر نینگ خیالی اؤیغه تردی تانگ چاغی،
کیم بو آغیر صبحدم اولگیلرگه اؤخشه مس.
عشق دوری بیتدی دیب تیلداغ ایتر کؤزی چراس،
چؤغی پنهان کیم، بو دم اولگیلرگه اؤخشه مس.
ائریلیقدن سیندی صبریم نینگ قه یئندیک قامتی،
مینده گی تؤزیم، چیده م اولگیلرگه اؤخشه مس.
یاردین تانماق، ملامت، اؤزگه لر طعنی بیر یان،
باشیم اوزره مونچه غم اولگیلرگه اؤخشه مس .
جاننی شیپقب قاعذ اوزره سؤزنی دؤندیردینگ إیشانچ،
برماغینگده قیل قلم اولگیلرگه اؤخشه مس.
چراس– قاپ–قاره کؤز؛
کؤرکه بای– گؤزهل، سولو، چرایلی؛
تیلداغ– بهانه، سبب، وجه؛
تانماق– انکار؛ تؤزیم– صبر، استقامت؛
دؤندیرماق– قیامیگه یتکزماق.

شـراب–شعریت

عالم اداغیده قالیب، باره من،
سؤراق کونلریگه تالیب، باره من،
جانیمگه قؤشیلگین ای اچّیق شراب،
سینی گواهلیککه آلیب باره من.

نی خام خیاللرنی انگله دیم دورکون،
آچون ایوریلمسکن، فقط مین اوچون.
قویگیل سیپقره ئین می دُرده سینی،
ایسکی رباطیدن کیتگومدور بیر کون.

آلتمیش أیل نوره دی باشیم اوزره غم،
یوپنچ إیله دیدیم: « دنیاسی بیر کم.»
قره سم الده ب من لحظه لریمنی،
بؤیاق سیز چیکیلگن ایکن–ده، قلم.

تقدیر سیرتماغینی بؤئین ینگه سالر،
تاپیلیق سیز نقدنی قؤلینگدن آلر.
اوزوم نینگ جانیدن تؤلدیر پیاله،
اؤتکینچی دنیاده شونیسی قالر.

حیات ایتگوچیدیر بیر قسمتگه یار،
عمرنینگ باغیگه توشماقده دیر قار.
إیچیب قال کیکسه تاک کؤز یاشلرینی،
قانینگه طهارت قیلگووچیلر بار.

می گه تاپشیر اؤزنی نی کیلسه کیلسین،
دین و آخرت نینگ بیلی اوزیلسین.
ساغرنی اوروشتیر، جرنگینی ساچ،
قدح سیز زاهدنینگ قؤللری سین سین.

شعریت– هوش و خرد

نوایی غزلیگه آلتی لیک/ مسدس

هوش و خرد

گر اده ششم، إیلگیم اوشلب یؤلگه باشلار ایردینگیز،
یالغیز ایرسم مین بیلن یانیمده تورار ایردینگیز،
باش سَیلب، آشفته کؤنگلیم قولفین آچار ایردینگیز،
دردیم آلماقده إیلیق سؤزلرنی ائتار ایردینگیز،
بیر کون، ای هوش و خرد، مین تیلبه گه یار ایردینگیز،
بیخبر هم بؤلسم اؤزدین، سیز خبردار ایردینگیز.

إیش یوریشمی قالگن آنلر مهربان یار و شفیق،
ائلب یؤلداش، بیزنی محرم تاپدینگیز اؤکتم، لایق،
سیوگی آتلیق اؤتنی سالیب، خسته کؤنگلیمگه عمیق،
بو یؤریق بیرله یشش راز و سیرین ائتیب دقیق،
درد یتکنده دَواج و، یالغوز ایرکنده رفیق،
غصّه وقتی یار و غمگین لیکده غمخوار ایردینگیز.

آنگدین ائرا هر بیر انسان انگله سنگ گویا اؤلیک،
باشقه لر بیرلن کؤنگیل تارینی باغلشه گن تیریک،
سین اگر چؤغ سالمه سنگ کؤنگیلگ، پیک،

باش اوره رگه تؤرت تامان -یاپیقدورور- برچه ایشیک،
نَــیله دیم، نیتّیم که، بیر یؤلی چیکیب میندین إیلیک،
ایمدی ایرمستور سیز انداق کیم، بورون بار ایردینگیز.

بیر یؤلاووچی منگولیک ساری آدیملب تون و کون،
باش چیکیب دلده اومَه نچ، آلغه بار ه ر مین یؤل اوزون،
بیر یوموش اؤنگله نمه ئین مینگ إیشگه چون توشدی توگون،
یاغدونی کؤنگلیمگه جایله نگیز قرا توشمی بورون،
بؤلمسه هوش و خرد غمخواریم، ای عشق و جنون،
سیز بؤلونگ باقی که، حالیمغه مددکار ایردینگیز.

کؤرکه بایلردن أیراق ایزیلمه نگ ای جان و کؤنگو ل،
هر نی کیلسه بغرینگیزنی تیلمه نگ ای جان و کؤنگول،
هر نی کیلدی سیوگیدین اوزیلمه نگ ای جان و کؤنگول،
کؤزگه آغریقلر بلاسین إیلمنگه ای جان و کؤنگول،
عشق اگر زار ایتّی، افغان قیلمه نگ، ای جان و کؤنگول،
تاکه سیز بار ایردینگیز، عشق إیلگیده زار ایردینگیز.

اؤزگه لر جان ملکینی آغدردی-یو، قیلدی ستم،
ایکتی یاوزلیک اورغین، قؤیمه دی بیر زرّه کم،
اؤزلیگ ایمریلدی، بیتدی برچه میز بؤلیدک قره م،
سیزگیلر سؤلدی، فغان إیچره قوریب کؤزلرده نم،
ساتمه نگیز عالمغه سودایی ایسه م، ای درد و غم،
کیم، مینگه عشق إیچره دایم سیز خریدار ایردینگیز.

ایل کؤزیدین توشدی بیر کون قدرینگیز، نی عیب کیم،
یاغدو ساچمی سؤندی کؤکده بدرینگیز نی عیب کیم،
گر آچیلمس قاره قاپلاق کدرینگیز، نی عیب کیم،
باشینگیزده بیتگوسی دیر هدرینگیز نی عیب کیم،
ای زمان اهلی، فسون و غدرینگیز، نی عیب کیم،
هم زماندیک دایم افسون ساز و غدّار ایردینگیز.

منطق ایرمس کعبه سی، سیز تنگریگه قاوشکلی،
بیش فرضی یؤل ایمس جنتگه باریب توشکلی،
هیچ کیره کمسدور قرآن، کافر بیلن سالیشکلی،
تربیت مس بارسنگیز غلمان بیلن قوچیشکلی،
رندلر بس تیره دور، سیز خانقه غه توشکــَـلی،
ای خوش اول کون کیم، مقیم ِ کوی ِ خمّار ایردینگیز.

آق قیئین مس، باغده کؤساولرنی اؤستیرگن اولوس،
تازه یانغاق دیب، پؤچاقلر اوشاغین تیرگن اولوس،
شاعرین سیغدیرمه ین غربتده کیزدیگن اولوس،
یاوگه قرشی آلپلرچه کؤکسینی کیرگن اولو،
شام ِ هجریدین نوایی نینگ خبر بیرگن اولوس،
گوئیا کیم کیچه تانگ آتقونچه بیدار ایردینگیز.

نوایـی عربـت نیـنـگ اچّیـق المیـنـی چیـگّـنـمی؟

غربت إیچره بؤلورغه آواره،   منگه تقدیر بؤلسـه نی چاره؟

«سبعه سیّار»

نوایـی عربـت نیـنـگ اچّیـق المیـنـی چیـگّـنـمی؟

علیشیر نوایی نینگ دنیا قره شی چؤنگ؛ تفکّر عالمی کینگ بؤلیب، چیکسیزلیکلرنی گزله یدی. فانتزیه و خیالات آچینی نهایتده یوکسک. اولوغ شاعرنینگ ۳۰دن آشیق اثرینی اؤقینگ، اولرده گیپیریلمه گن مسئله، قلمگه آلینمه گن ساحه و موضوعنینگ اؤزی یؤق. سیوگی-محبّت، حکمت و اؤگیت، تعلیم و تربیه دن تارتیب، اقتصادگچه؛ قوریلیش، بنیادکارلیک، شعر و ادب، تیل شناسلیکدن توتیب، طبیعت، فلسفه، اخلاقیاتگچه؛ دولتچیلیک و سیاستدن آلیب، یوزلدوز شناسلیک و فلکیاتگچه؛ تنقیدچیلیک و ادبیات شناسلیدن اوشلب، موسیقه، صنعت، مدنیت، تاریخ و جمعیت شناسلیک گچه؛ ایراتیزیم، تصوّفدن تارتیب دین و الهیاتگچه؛ انسانیت حیاتنی قمره ب آلگن اینگ کیچک نرسه لردن مرکّبلریگچه اؤز افاده سینی تاپگن. خلص، بیلگه نینگیزدیک، شاعر و ادیب نینگ کتابیلریده برچه-برچه موضوع و مسئاله لر تیلگه آلینه دی. علیشیر ۳-۴ یاشیده شعر یاد آله دی. ۵ یاشیده مکتبگه باره دی. ۷-۸ یاشلریده شعر یازیشنی مشق قیله باشله یدی. ۱۲یاشیده شاعر بؤلیب

نظرگه توشه دی. فریدالدین عطارنینگ« منطق الطیر»اثری و ینه یوز٥٠٠٠٠بیت دن آشیق شعرنی یاد آلگن. ١٨-٢٠ یاشیده شاعرلیک بابیده دانگ تره تگن؛ اؤزینینگ اعتراف ایتیشیچه، نثری اثرلریدن تشقری بوتون حیاتی دوریده تخمین یوزمینگ بیت شعر بیتگن. نظـم و نـثریـم کاتـبِ تخمـین شنـاس، یازسه یوزمینگ بیت بؤلر ایردی قیاس.« لسان الطیر» علیشیر نوایی نینگ اجتماعی، مدنی إیشلری بیر عالم بؤلیب، علیحده موضوع. خلص، بیر سؤز بیلن ائتسک، اولوغ متفکرنینگ بوتون اثرلری حجمن جوده کتته؛ مضونن یتوک؛ ایل- یورتگه خذمت قیلووچی، بای و توگلدیر.

اؤز تصدیغینی تاپگن ایجاد، سیما و سؤز

علیشیر نوایی حیاتی و ایجادی بوگونگینه اؤرگه نیله یاتگن موضوع ایمس؛ تخمین ٥٥٠ أیلدن بویان بو مسئله لر:« ائتیب ساویمس ترانه، آلیب قوریمس خزانه»(١) بؤلیب کیلماقده. بویوک شاعرنینگ علمی، ادبی فعالیتی تیریکلیگیده یاق، تاریخچی، شاعر، بیتیکچی و تذکره نویس زمانداشلری اعتبارینی اؤزیگه تارته دی. نوایی حقیده عبدالرزاق سمرقندی نینگ« مطلع سعدین و مجمع بحرین»اثریده، میرخواندنینگ« روضت الصفا»، خواندمیرنینگ« حبیب السیر» تاریخیده، زین الدین واصفی نینگ« بدایع الوقایع»، دولتشاه سمرقندی نینگ« تذکرهٔ الشعرا» سی، محمّد الزمچی الاسفزاری نینگ« روضهٔ الجنّات»، تورکی شاعر و ادبیاتشناس شیخ احمد بن خدا داد(١۴- عصرآخری-ماورالنهر-١٥-عصر بیرینچی یریمی)طرازی نینگ« فنون البلاغه »(اولوغبیککه اتب یازیلگن)سی، جامی نینگ« بهارستان»ی و ظهیرالدِن محمد بابرنینگ« بابر نامه»سیده و باشقه(نوایی نامه- نوایی نی اؤرگه نیش منبعلری)[٢] تاریخی، ادبی منبعلرده قید قیلینه دی.

غربت توشونچه سی

بو سؤز عربچه بؤلیب، یورتیدن، کینتیدن، عایله سی، جان و جیگریدن ائرا توشماققه ائتیله دی. ذاتن، غریبلیک تارتیش قدیمی حادثه. انسان تورلی سببلرگه کؤره اؤز کیندیک قانی تامگن یردن هئده لیب، قوویلیب، سورگون قیلینیب، یاکه باشقه سببلر بیلن اؤز إیستک-خواهشگه کؤره وطن گدالیکّه یوزتوته دی، آغیر رنج و عقوبتلرنی ایلکه سیده آرتماقلب، جانینی هاوچلب، باله-چقه سینی آغزیده تیشلب، یورتمه- یورت کیزه دی. بو جریان یوزمینگ أیللردن بیری بشریت بیلن ایش و ابدیتگه قدر چؤزیلیشی ممکن؛ اوندن قاچیب قوتیلیش نینگ علاجی یؤق. شونده هم غریبلر اؤزیگه وطن تاپگی یاکه تاپمه گی؟ بوگونگی کونده هم انه شو غربت و مهاجرلیک انسانیت نینگ اینگ کتّه معمالریدن بیری دیسک مبالغه بؤلمس.

اگر نوایی غربت دردینی چیکمه گن بؤلسه، اونی اؤز تنه سیده تویب، حس قیلمه گن بؤلسه، اونده، بو تجربه دن اؤتگن حکمتلی و سیز مغیز رباعی یوره گی نینگ توب-توبیدن آتیلیب چیقرمه گن بؤلور ایدی.

غربتده غریب شادمان بؤلمس ایمیش،
ایل انگه شفیق و مهربان بؤلمس ایمش.
آلتین قفس إیچره گر قیزیل گل بیتسه،
بلبلغه تیکاندیک آشان بؤلمس ایمش.
» بدایع البدایه«

نوایی نینگ آیاغی تیکّن اؤلکه لر

بیر معناده، نوایی اؤز دوریده غربت نینگ اچّیق المینی یوتگن؛ تورلی سبب و مناسبت بیلن آوارلیک تارتیب، یورتمه-یورت، شهرمه- شهر،

کیزیب یوریشنی باشدن کیچیرگن. قی گه بارمه سین یوره گی هراتگه قره ب تلپینه بیرگن، وطن ساغیچی تینچلیک بیرمه گن. توغیلیب اؤسگن اوی، قیشلاق؛ کوی و کؤچه؛ اؤین-کولگو بیلن آدیم آتگن مستانه باله لیک نینگ شوخ و شنگ لحظه لری شاعر یوره گینی ارمانگه تؤلدیریب یورگن. ینه، آنه توپراقدن اوزاق ائریلیق حسّی، اچّق-چوچوک خاطره لرنی قومسش کبی قدیمی ناستلژی و ساغینچ- نوایی نینگ کؤنگیل بایلیگی بؤلگن؛ شاعر شولرسیز یشه ی آلمه گنی انیق. بونی قوئیده گی اؤتلی بیتدن هم انگلب آلیش ممکن:

وطن ترکینی بیر نفس ائله مه،

یئنه رنج غربت هوس ایلمه

«**سد اسکندری** »

نیمه دیر سبب بؤله دی که، آدم اؤز یورتیده سیغمی قاله دی. حیاتی خطرگه توشیب، شوم تقدیرگه دوچ کیلیب، اؤز جاییدن بدرغه بؤله دی، سورگونگه اوچره یدی، قوغین قیلینه دی. تؤغری، نوایی تیموریلر جولان اوریب، کتته کینگلیکلرده سلطنت قورگن زمانلرده یشب اؤتدی. شاعر بو حدودلردن تشقریگه چیقیب کیتگه نیچه یؤق. لیکن نوایی گه اؤخشه گن سیمالر شو قلمرو إیچیده اؤز بیری آره سیده هم سیغمی قالیشی ممکن-کو! شونده ی بیزاوته دملرده آدمزاد جان آلیب قاچیشی بار گپ ایمسمی؟ ائتینگ اونده ی بؤلمسه، منه بو بیتدن ینه قنده ی معنالرنی قیدیریب تاپیسه بؤله دی؟

قاچیب عدمغه باره ی عقل و فهم و دانشدین،

وطـن بارینـده بـو یات ایـل ارا نی بار مینگه» .بدایع البدایه«

کیلتیریلگن بیتده« وطن، سینی برکمال اؤستیرگن یورت یات، یاوز کیمسه لر قؤلیگه اؤتدی؛ بو عقل، فهم و دانش بیلن مینده باشقه یششگه امکان قالمه دی؛ ایندی عدم/ یؤقلیکّه یوز توتــی» دیماقده شاعر. نوایی قدم باسگن یورتلر خریطه سی توزیلمه گن ایسه-ده، او قی اؤلکه لرگه بارگنی تاریخی منبعلرده قید ایتیب کیتیلگندیر.

۱. **شاهرخ میرزا** وفات(۱۴۴۷) ایتیشی بیلن هراتده، تیمور شهزاده لر اؤرته سیده، تاج و تخت اوستیده اورش و نزاعلر باشله نیب کیتگنی تاریخدن معلوم. علیشیرنینگ آته سی غیاث الدین کیچکینه بهادر جان سقلش وجهیدن باله-چقه سی، عایله سی بیلن هراتدن عراققه کؤچیب کیتیشگ مجبور بؤله دی. شو پئت علیشیر اتیگی ۶یاشیده بؤلگن. عراققه باره یاتیب، یؤلده تفت شهریده مشهور تاریخچی، امیرتیمورگه اتب یازیلگن« ظفرنامه» مولفی شرف الدین علی یزدی بیلن اوچره شه دی و اوندن إیلیق سؤزلر ایشیتیب، نظریگه إیلینه دی.(۳) غیاث الدین کیچکینه تخمین ۳أیلدن کیئین وضعیت بیرآز یومشب تینچیگچ، ینه هراتگه، اؤز آنه یورتیگه قئتیب کیله دی. بو واقعه نوایی اوچون بیرینچی بار اؤز مکانیدن أیراقله شیش ایدی. اولوغ شاعر کیئـــــــینچه لیک باله لیکده چیکّن غربتنی ایسلب منه بیتنی یازگن بؤلسه نی عجب:

اؤزگـه ملک، اؤزگه دیـار، اؤزگه دمن،

اؤزگه خلق، اؤزگه مکان، اؤزگه وطن.« سبعه سیار«

۲. ابوالقاسم بابر زمانیده، شاهرخ اؤلیمیدن کیئین، آته سیدن اجره لگچ، علیشیر ینه بیر بار ۱۵یاشیده هراتنی ترک قیلیب، حسین بایقرا بیلن بیرگه ابواقاسم بابر قناتی آستیده مشهد(۱۴۵۷)گه باریب یشگه مجبور بؤله دی. اؤشنده ابوالقاسم بابر دوریده پایتخت هراتدن مشهدگه کؤچیریلگندی. بو ایسه نوایی اوچون یورتدن اوزاقله شیش نینگ کیئینگی اچّیق و مشقتلی تجربه سی ایدی.

۳. حسین بایقرا حکمرانلیک دعواسی بیلن شهرمه-شهر(اؤن أیلچه- خوارزم، استراباد، جرجان، مازدران، خراسان) یوریش قیلیب یورگن کیزلری سلطان ابو سعید ۱۴۵۹-أیلی هراتنی قؤلگه کیریته دی. پایتختده ظلم، عدالت سیزلیک و ناتینچلیک حکم سوره باره دی. خلق ناراضیلیک بیلدیریب، اونگه قرشی بیر نیچه بار قؤزغلان کؤتریشه دی. بو قؤزغلانلرده علیشیر بیک نینگ تاغه لری میر سید کابلی و محمد علی غریبیلر هم قتنشگندی. بو وضعیتدن خوف سیره گن سلطان ابو سعید« ایندی علیشیربیک هراتده قلمسلیگی کیره ک»، دیگن خلاصه گه باره دی[۴]. نهایت علیشیر نوایی ۲۰یاشیده، حسین بایقراگه کؤکلداش، مکتبداش، یقین دوست و همکار بؤلگنی اوچون سلطان ابوسعید فتنه سی بیلن هراتدن« اخراج»(بابرنینگ تأکیدله شیچه) قیلینه دی. نوایی باریب او یرده بیش أیلگه یقین یشه یدی. هلی بیری حسین بایقرادن خبر یؤق. شو مدتده علیشیربیک قئین کونلرنی باشدن کیچیره دی؛ شونگه قره می سمرقند مدرسه لریدن بیریده تحصیل آلیشگه کیریشه دی.

تنیقلی شاعر سلطان ابوسعیدگه تیگیزیب، نفرت روحیده بیر نیچه شعرلر هم یازگن. شوندن سؤنگ، علیشیر بیک بادغیس، مرغاب، میمنه، اندخوی، شبرغان، بلخ و آمودریا آرقه لی اوزاق یؤل یوریب سمرقندگه یؤل آله دی. هراتدن چیقیش سببلرینی گپیره رکن؛ علیشیر نوایی اؤز مثنویلریدن بیریده بو واقعه گه عاید اوچ سببنی سنب کؤرسه ته دی. بیری هراتده یشب ایجاد قیلیشگه امکانیت قالمه گنی بؤلسه؛ إیکّینچیسی سمرقندگه باریب تحصیل آلیش قولی و مراقلی ایدی دیئدی شاعر. چونکه، او زمانده سمرقند علم-فن، ادبیات، فلکیات(یولدوزشناسلیک)، موسیقه، صنعتّ، کلام، الهیات و معمارچیلیک... بؤیئچه گورکیره ب رواجلنگندی. شونینگدیک، سمرقند مدرسه لریده یقین-اوزاق اؤلکه لردن جوده کوچلی عالم و دانشمد، ذکا استاذلر تؤپله نیشگندی. عالم و دانشمد، مدرس و طلبه لرنینگ احتیاجینی قاندیریشگه یترلی کتبخانه هم موجود بؤلگن. علیشیر نوایی قیئنچیلیکلر تارتیب، آخری سمرقندگه یتیب آله دی. جوده حدّدن آرتیق غربت و یؤل عذابی، آچلیک، یالانغاچلیک تارتگه نی کیئین چه لیک اثرلریده اؤز عکسینی تاپه دی، بتفصیل تصویرلب بیره دی .**اوچینی** سبب قیلیب(۵) منه بولرنی کؤرسه ته دی(اصلیده بو شعری مکتوبنی شاعر آته سیدیک محترم بؤلگن استاذی سید حسن اردشیرگه یازگن ایدی):

منگه نیچه نوع اؤلدی بیچاره لیغ،
که، آلیمغه توشدی بو آواره لیغ.
ینه بیر بوکیم، ظاهر اؤلمیش منگا،
که، چیقمیش خراسان ایلیدین وفا...
وفا یریده ظاهر اؤلمیش نفاق،
سخا اؤرنیده بخل توشمیش وثاق...
هم ایل منزلین کتکدیک بوزوب،
تاووغ اؤرنیگه چغد اؤلتورغوزوب.
ایلیده کیشیلیکدین آثار یؤق،
شرارتدین اؤزگه پدیدار یؤق...

نی بیر حجره کیم، کام تاپقی کؤنگول،
دمی انده آرام تاپقی کؤنگول.
نی، بیر شوخ وصلیغه اول مایه دست،
که، عزمیم ایاغیغه بیرگی دست.
نی یاری که، رنجیمنی قیلغی قبول،
نی زاری که، هجریمدین اؤلغی ملول.
)بو مثنوی همّه سی بؤلیب ۱۴۷بیت). « غرایب الصغر»، ۵۲۸-۵۳۱بیتلر.

حسین بایقرا حاکمیتی دوریده ینه علیشیربیک (۱۴۸۷-۸۸) أیللری سلطان نظریدن چیتده، اؤزی إیسته مه گن بؤلسه هم استرآباده ده قؤنیم تاپه دی. بو یرده حاکم بؤلیب تعینله نیشیگه قره می، دایم هراتنی قومسب یشه یدی.

شونینگدیک، نوایی تورلی سببلرگه کؤره مرو، سبزوار(آته سی حاکملیک پئتیده)، بلخ(اوکه سی درویش علی حاکملیک زمانیده) کبی بیر نیچه شهرلرگه بارگنی هم معلوم. نوایی بو یورتلرده هم سیر و سیاحت اوچون باش اورگنی یؤق. علیشیربیک عمری نینگ کتته قسمی آته-اؤغیل، اکه-اوکه شاه و شهزاده لر اؤرته سیده گی ضدیت، اوروش و ماجرالرنی بر طرف قیلیش بیلن اؤتدی. بو وقتده گی واقعه لر شاعر و ادیب نینگ اثرلریده چقور افاده سینی تاپگن.

خراساندین کؤنگلی ملول نوایی

۶۱ یاشنی قرشیله گن، ایل-یورت آره سیده مشهور شاعر و عالم بؤلیب یتیشگن نوایی عمری نینگ تورلی فصل و بابیده مملکتی خراساندن رنجیده ایکنینی کوینچک لیک بیلن یازه دی:

ای مغنی، توت«عراق» آهنگی-یو، کؤرگوز « حجاز»،
کیم نوایی خاطری بؤلمیش خراساندین ملول.« فواید الکبر«
یاکه، کشوردن کؤنگلی خفه لیگینی منه بو بیتده ائتیب کیتگن:
بؤیله کیم، تعریف ایتیب غربتنی بسیار، ای گؤنگول،
شهر و کشوردین ملالت ائلب اظهار، ای کؤنگول.« فواید الکبر«
یاخود، خراساندن کیتماغی سببینی قویئده گیچ توشونتیره دی:
نه گلگون باده یی ممکن، نه گلرخ ساقیی موجود،
جهت بودور، نوایی گر تیلر کیتمک خراساندین.« بدایع البدایه«

علیشیر نوایی خراسانده اؤز بیریدن، یات و اؤزگه لردن سیره یخشی لیک کؤرمه یدی. او یشه گن محیطده ریا، حسد، کینه، نفاق، بوزغونچی لیک اوجیگه چیققن. شعرلریدن بیریده مغنّی گه: ایندی هراتده محبت ایگه لری نظردن توشگن؛ یخشیلرنی هیچ کیم تن آلمه یدی. ایزگولیککه یؤل یؤق.« کیل ای چالغووچی، « عراق» و« حجاز» ناملی کوینگنی چه لگین، خراسان اوضاعی بوزوق» دیدی شاعر:

ای نوایی، قیل«عراق» آهنگی-یو عزم ایت« حجاز«،
کیم مجبّت زمره سین اهلِ خراسان تانیمس.« فواید الکبر«
یاکه:
راسترلنینگ چون خراسان إیچره یؤقتور حرمتی،
وقت ایرور قیلسنگ، نوایی، ایمدی آهنگی حجاز.« فواید الکبر«
نوایی ایمدی قیلورمین حجاز آهنگی،
ساغینمه غیل ینه عازمِ خراسان مین.« فواید الکبر«

خراساندن باش آلیب کیتگووچی نوایی عراق، حجاز سری یؤلگه چیقماقنی افضل کؤره دی. قیزیق جایی شونده که، اولوغ شاعر نه فقط خراسان بلکه، بوتون اسلام عالمیدن هم کؤنگلی تؤلمه یدی. بو مکانلرده یاووزلیک، قهر و غضبدن اؤزگه نرسه یؤق. ایندی یوره گیم افرنج(فرانسه/ اروپا) و طرطوس(مدیترانه)گه بارماق إیسته یدی:

چو یؤق بو کشورِ اسلام ارا وفا بیله مهر،
خوشا نواحی افرنج و خطّهٔ طرطوس.« فواید الکبر» دیماقده.

اوشبو مقاله ده قؤلدن کیلگنچه، علیشیر نوایی چیکّن غربت موضوعسینی یاریتیشه حرکت قیلدیک. وقت تیغیز بؤلگنی باعث مسئله گه چوقورراق کریب، کؤپراق مثاللر تاپیب

گیلتیریششگه امکان بؤلمه دی. نوایی بو باره ده کؤپ نرسه لرنی گپیرگن. بیز ایسه، دینگیزدن بیر تامچی دیگندیک، حاضرچه شو مثاللر بیلن کفایه لنه میز.

ادبیاتلر:

۱. ائتیب ساویمس ترانه سین- سین، آلیب قوریمس خزانه سین- سین.« سد اسکندری»؛

.۲Ishonch.Blogfa.com

۳ .مولفلر... اؤزبیک ادبیاتی تاریخی-۲.جلد؛

۴. اؤزبیکستان ملی انسکیلاپیدیه سی. ۱-جلد.

۵.۵۵ دلنواز یوسوف اوه، علیشیر نوایی حیاتی و ایجادی؛

۶. عزت سلطان. نوایی نینگ قلب دفتری.

۷. ذ.إیشانچ، ع. کؤهکن، اؤزبیک ادبیاتی فرهنگی.

قلم نینگ دردی بار؛ نانی یؤق

مقاله گه شونده ی دیب نام بیریشیم بی سبب ایمس. افغانستاندیک قالاق یورتده، قلم آرقه سیده نان تاپیب، باله-چقه باققن قلمکش، شاعر یؤق دیسم مبالغه بؤلمه یدی. قلم توتماقچی بؤلیب تورگن برماقلر، دَیدی اؤقلر پیشقیریغیدن تیتره ب زیرقیره ماقده. شاعرنینگ کؤزی ایمس یوره گی أیغله یدی. چیندنم، مینگته شعرینگنی بیتّه نانگه آلمه یدیلر؛ شور پیشانه! تقدیر دیگنی شو بؤلسه کیره ک-ده. شونی بیله توریب، اؤلیم سلطنت قوریب آلگن بو یورتده قلمکشلر آچ قالسه هم جانینی تیشیده قیسیب، قلمنی محکم اوشلب، « تیلیم، ایلیم، یورتیم!»- دیب، یوره ک کویدیریب، قؤللریدن کیلگنچه ایجاد قیلیب کیله دیلر. ایزگولیکنی ترغیب قیلیب، یاووزلیکّه قرشی کؤکره ک کیرگنلر هم شولردیر. اؤزلیگیدن ائریلیب، اؤزگه لرگه ایم بؤلیشدن هم شولر کؤپراق هَدیک سیره یدی. قلمی خوار مملکت نینگ ایرته سی یؤق، پیشانه سی یاریمه یدی. نه چاره، شاعرلر شونده ی قسمتگه مبتلا بؤلسه لر. شاعرلردن یازگن اثرلری چاپ یوزینی کؤرمَی اؤتگنلری کیم قنچه دیئسیز! کیئنگی اؤن أیللکنی حسابگه آلمه سک، بیر معناده اتاقلی اؤزبیک شاعری استاد متین اندخویی انه شونده ی ایجادکارلرسیره سیگه کیره دی. کمینه یقیندن بیلر ایدیم. دامله متین نینگ پیاشنه سی یاریمی کیتدی، کابل نینگ زخ اؤتاقلریده توننی کونگه اولب عمر کیچیردی. « بؤدنه نینگ جایی یؤق، قی گه بارسه پیت پیلیق» دیگن مقال عینن دربدر شاعرگه اتب ائتیلگن و بیتیلگنده ی. استاذ تاپگنی اوی کیره دن آرتمی، کسل-بیمارلیک عذابی إیله حیاتی نینگ کتّه قسمینی خوارلیکده اؤتکزیشگه مجبور بؤلدی. بی ثمر اوروشلردن سویکلی فرزندینی آمان آلیب قالیشگه تیش-تیرناغی بیلن کوره شگه نیگه اؤزیم شاهد بؤلگنمن. او بیر سؤز بیلن ائتگنده متانتلیک، أراده سی میتین ادیب ایدی. یالبریب-ایگیلیب یششدن کؤره کتابلر چنگینی یوتیب عمر گذرانلیک قیلیشنی افضل تاپدی استاد. تؤغری، داملا متین یاشی نینگ آخریده بیرآز اعتبارگه آلیندی، ایلکه سیگه شمال تیکّنده ی بؤلدی. ائریم اثرلری چاپ یوزینی کؤردی، مکافاتلندی هم. خلقی، دوستلری، شاگردلر-یو، - مخلصلری نینگ عزت-حرمتینی قازاندی. وقتینچه بؤلسه ساغلیگینی هم بیرآز تیکلب آلدی. بیراق، قریلیک رنج و عذابی استادنی توشکده میخله گن کیزلر سخاوت، یاردم قؤللری سَلقی تارتدی، اقچه لر قه پی گن چؤتنکلرده بیقیب کیتدی. کؤمک و اعتبار ایشیکلری تقه-تق یاپیلدی. اگر قؤللب-قوتلاولر بؤلگنده ایدی میتن اندخویی نی یشه تیب قالسه بؤلردی. بوعزیزانسانی حقی ادا قیلینمه دی

افسوس! همیشه گیدیک« اؤلگنگه کؤپراق حرمت»- دیگن بی معنی عادت و عنعنه اوستون کیلدی، قیناق حیات اوزره اؤرتوک(یاپینچیق) یائیب، حرمتلی شاعریمیز اندخویلیک متین نینگ کؤزلرینی اؤرتوکله دی، ابدیتگه تاپشیردی.

استاد متیننی ایسلب

شیرین تگاب. « ظهیر فاریابی» آتلیق لیسه نینگ ۷-صنفیده اؤقووچیمن. میمنه ده« فاریاب» آتلیق گزیته باسمه دن چیقه دی و بیزنینگ مکتبگه هم آلیب کیلینردی شولردن. « فاریاب» نشریگه عضو بؤلیش اوچون هر أیلی پول أیغیشه ردی. مین بؤلسم پولی یؤقلردن... مکتبیمیزگه باغلم-باغلم روزنامه کیلتیریشردی. « فاریاب» نشریگه پول تؤله مه گن بؤلسم-ده، صنفیمیزگه کیلگن گزیته لرنی اوزلوکسیز اؤقیب باره من. کؤپراق کونده لیکده گی نظم، شعریت دقتیمینی اؤزیگه تارته دی. اشعار ستونیگه کؤزیم إیلینردی. شاعرلرنینگ شعرلرینی قیزیقیش بیلن اؤقیر ایدیم. گزیته نی قؤلیمگه توتیب، مین هم شولرگه اؤخشب شعر و مقاله لر یازسم دیگن تویغو إیچی-إیچیمدن اؤتر ایدی. استاد متین اندخویینی إیلک بار انه اؤشنده اوچره تگنمن. شونگه هم اش-پش دیگونچه منه ۴۶ أیل بؤلیبتدی. شعرنی یخشی توشونمسم-ده، نیگه دیر شاعرلر کؤزیمگه عادّی آدملردن فرق قیلووچی انسانلر بؤلیب کؤرینه دی. اولر خودّی غیبدن ساو(خبر) کیلتیرگووچی ده ی ایدی نظریمده. استاد متین بهانه اؤشه کونلرنی ایسله دیم؛ اؤیله سم باله لیک هوسلریم اوستیمگه نوره ب، اواقلنگن وجودیمنی غیژده لب، تریقده ی پرچه لب تشلبدی ایکن. منه اومه نچیم(آرزو- امید) اؤکینچگه ائلنگن کونلرنی باشدن کیچیرماقده من. کوئیب کیتدی-کو، بو بی حاصل عمر. مکتبیمیز بناسی گؤزه ل قیلیب قوریلگن، بوتون افغانستانده تینگی یؤق بیر مکتبخانه ایدی. اونی کؤمکؤک درختلر چولغب آلگن دیمی سیزمی؟ تعریفدن آرتیق کؤرکم! قیشین-یازین آق دریانینگ شرقیراق سولری قیه لر، تیپه لیکلر آشه سَرو سیمان آغاچلرنی سیراب قیلیب توره دی. ایشیتیشیمچه اوشبو گؤزه ل مکتبدن اوچوقنی هم قالمه بتدی. قاره کوچلر تاشینی کوکونگه ائلنتیریب، کولینی کؤکّه ساوریبتدی. آه! بو کول و کوکونلر آستیده نی-نی استعداد و شخصیتلر کؤمیلیب یؤق بؤلیتدی! مین اخلاص قؤئیلگن شاعر متین اندخویی مکتبیمیزگه کیلبتدی دیئیشدی. مکتب نینگ میدانچه سیده طرفه گللربؤی چؤزیب توره ر، قیئغاس آچیلگن چیچکلر إیپار تره تیب توریب دماغلرنی قیتیقلر ایدی. گللر آره سیده خوش بیچیم، مله راقدن کیلگن قیزیل یوزلی، اؤرته بؤیلی، کؤزلریگه عینک تعقیب آلگن، ایگنیده زمانوی، آزاده کیئیم، قؤلیده قلم-دفتر توتگن بیر انسان صولت تؤکیب توریبتدی. باله لر غوژغان تؤپله نیشیب آلگن باله لر تیگره سیده سیده، کپلک سینگری ائله نیشر،« استاذ شاعر متین اندخویی»کیلیبتدی دیئشه یاتیر ایدی. اؤقووچیلر سلامله شیب، بیر- بیرین یازگن شعرلرینی کؤریب بیریشی اوچون توتقه زه یاتگندی. متین اندخویی بیتیلگن شعرلرنی تؤغریلب، اؤقووچیلرگه سؤز صنعتی و شعر حقیده معلوماتله شر، شعرنینگ قاعد-قانولری بؤیئچه توشونچه بیرماقده ایدی. مین هم کیلیله سالیب سلاملشدیم. قؤل بیریب سؤره شدیک شیکللی- انیق بیلیمین. اؤشه زماندن ایسیمگه قالگنلری انه شولر. کابل. آره دن تخمین ۱۰أیل اؤتیب، تقدیر مینی کابلگه یتکله دی. هلی بیتیکلریم پیشیب، قلمیم نینگ سویگی قاتگن ایمس. کون کیچیریش اوچون باشکینتده اؤزیمگه بیر إیش-

یوموش تاپیشیم کیره ک ایدی. ۲۲ یاشلی أیگیتچه بؤلیشیمگه قره می، إیچیمده اولکن إستک- ارمانلر باش کؤترگوده ی بؤلیب توره دی. حاضر هم شونده ی! کابلده اؤزبیک تیلیده « یولدوز»جریده سی إیشلب تورگه نیدن خبردارمن. سؤره ی – سؤره ی قیدیریب تاپدیم. میکروریانده إیش یوریتر ایکن بو نشریه. خلص، آخری، مینی إیشگه آلینگیز، دیه « یولدوز»جریده سیگه باش سوقدیم. بارگه نیمده ی إیشگه آلیشمه دی... امیدسیزله نیب، آرقه مگه تیسه ریلیب دهلیزگه چیقدیم. قره سم، نی بخت که، اؤشه مین کؤرگن متین اندخویی زینه دن پستگه توشیب کیله پیتدی. اؤزیمنی یقین آلیب، سلام استاذ دیدیم. مینی ته نیمه سدی؛ کونده کؤریب یورگنده ی قیزیق- پیشیق معامله قیلدی. « اؤزبیگیم باله سی»دیگنده ی قیلیب، بغریگه آلیب، قؤل بیریب قویوق سؤره شدی. قی یرلرده سیز استاد؟ دیه سؤره دیم دامله دن. تیپه گه باش إیرغیب،« انیس»گزیته سیده إیشلب تورگه نینی بیلدیردی مینگه. گوده سیگه کؤز سالیب، یخشیلب تیکیلدیم، کؤزلریمگه إیشانمه دیم، اوچره تگنیم انقلابدن آلدینگی مین کؤرگن شاعر متین اندخویی ایمس؛ انچه یئن سؤلغین، یوزلریگه اجین یوگیرگن، دلی ویران، اؤزینی انچه آلدیریبتدی. کیئیم باشی هم مین کؤرگن آنلردن فرق قیله دی. اوی سیزلیک، تیریکچیلیک غمی، اورش، مسافرچیلیک، قارین و روزغار تشویشلری وجودینی سیم تیکنده ی اؤره ب آلگنی شونده ی کؤرینیب توریبتدی. میمنه دن عسکرلیکنی بیتیریب کیلدیم، دیه باشدن کیچیرگنلریمنی ائتدیم. استاذگه یوره ک دردیمنی تؤکیب سالدیم. او کیشی خوش قرشیله دی، محبت بیلدیریب یوره گیمنی کؤتردی. سؤنگ مینی إیشگه آلیشمه پیتدی دیدیم. استاد متین نینگ دلالتی و ینه بیر کیشی سبب« یولدوز»جریده سیگه إیشگه کیردیم. مین إیکینچی قبتده، استاد ایسه اوچینچی قبتده. هر کون یانلریگه باریب دردلشه من، سوینچیغیم بؤلیب قالدی. گاهده یازگنلریمنی تیکشیریب بیرینگ، استاد، دیب مراجعت قیله من. بیتگن شعرلریم خام-ختله، اؤزبیکچه م هم هلی پیشمه گن. یازگن غزللریمنی علاجی باریچه صاف اؤزبیکچه سؤزلردن توزه من. کونلردن بیر کونی دومبول(خام) بیر شعریمنی کؤرستدیم، تؤغریلب بیردی استاذ. اؤشنده: « فارسی- دری سؤزلرنی إیشله تسنگ، شعرینگ شیرین کیله دی»-دیدی مینگه دامله. بیلگه نیچه اوگیت قیلدی، ادبی صحبتلرینی جان قولاغی إیله ایشیتیب یوردیم. یقین درد داشگه إیله ندیک. یاشی اولوغ بؤلگنیگه قره می، مینینگ درجه مگه توشیب، کمینه بیلن بی ملال سؤزلشردی استاد. اؤزبیک کلاسیکلریدن بیلگنلرینی ائتیب بیره ردی.

چومه لیده ی زحمتکش شاعر

متین اندخویی زمانه سی نینگ عنعنه وی بیلملرینی ایگلله دی. إیکّی تیلده تینمسدن پیاشنه تیری تؤکیب شعر یازدی، تحقیقی إیشلرگه هم قؤل اوردی. تاریخ قعریدن مهم معلوماتلرنی آلیب چیقیب، عامه اختیاریگه قؤئدی. اؤزبیک ادبیّاتیگه جان کویدیریب قلم تیبره تدی. داملا متین اؤز کوچیدن آرتیق قوّت صرفلب ایجاد قیلدی. اجتماعی عقوبتلرگه چیده ب، یاروغلیک و ینگی لیکّه بغرینی آچیب، دنیاویلیک کویچی سی بؤلیب یشه دی. استاد متین جمعیتمیزگه فایده سی تیگّوده ی درجه ده ایجاد قیلدی؛ یاش اولاد بی منت کلامیدن بهره آلیشدی. غربت دیاریده اوزاق مدتدن بویان یشب کیله یاتگه نیم باعث،

داملا متین نینگ بیر قطار تدقیقاتلری و شعریتیدن ائرا توشدیم. اوشبو مقاله ده استاد متین نینگ معنوی میراثیگه بهاریشدن تیئیندیم. او کیشی نینگ ایجادی، ادبی فعالیتی تؤغریسیده گی فکرلریمنی کیله جککه قالدیردیم.

ایزگو خصلترگه آراسته استاذ

ایزگو خصلتلرگه بای ایدی استاد داملا متین اؤته کم سوقیم، کمترین، مهربان انسان ایدی .ایزگو صفتلرگه آراسته بو آدم بیر معناده کلاسیک شاعرلریمزنی ایسله تردی. بو عزیز انسان ۱۵- عصردن زمانه میزگه آتیلگنده ی گویا. او نوایی، لطفی، گدایی، امیری، سکاکی، آتایی، خوارزمیلرده گی یخشی صفتلرنی دوریمیزده کؤتریب یورگنده ی ایدی. اولر بیلن زمانداش بؤلمسه- ده، کلاسیکلر نفسی بیلن یشه دی. ممتاز ادبیاتیمیز شعریتیگه اخلاصی بلندی ایدی. نوایی، فضولی و بیدلگه کؤنگیل قؤئیگن، شعرلریگه مخمس باغلب، زمانداشلرینی فکرلریگه آشنا قیلیب کیلدی. استادنینگ یادی قلبیمیزده ابدی قالسین دیه تیلک بیلدیره من. داملا متین نینگ خاطرلش تدبیرلریده باش- قاش بؤلگن عزیزلرگه هارمنگیز، تالمه نگیز، چرچه مه نگیز دیه خیرلشه من.

قدیمگی تورکی شعریت ژانرلری

بیرینچی قسم

یازمه و آغزه کی ادبیاتیمیز إیلدیزلری مینگ أیللیکلر توبیدن سو إیچه دی. بو معظّم ادبیات اؤزیگه یره شه ادبی شکل و ژانرلریگه هم ایگه بؤلگن. قدیمگی ادبی ژانرلر تاریخدن قالگن کهنه بیتکلریمیزده مهرلب کیتیلگن. بولردن اؤنگه یقینینی اولوغ بابامیز علیشیر نوایی اؤز اثرلریده قید ایتیب کیتگن بؤلسه، ینه بیر قیسمینی بویوک تورکشناس محمود کاشغری، اولکن یوسف خاص حاجب و قالگن کتته قسملری ایسه اورخون اینه سای و تورفان... بیتیکلریده یازیب قالدیریلگن. ایندی، شو ایسکی ادبی ژانرلردن ائریملرینی سنب اؤته میز و نوبتده گی مقاله لریمیزده اولر حقیده، تؤلیق و بتــفصیل معـلومـات بیـره میز: بیلیگ.bilig- اؤتلوک o'tluk-، تبزوغ 'tabzug'-، سَندروش sandrush-، أیغی-یؤقلاو -yig'- yo'qlov، تؤرتلیک to'rtlik- ، تویوق tuyuq- و باشقه لر.

حرمتلی اؤقووچیلر بو تورکوم مقاله لرنی یازیشدن آلدین منه بولرنی تاکیدله ماقچی ایدیم. مذکور قدیمگی ادبی ژانرلرنی بیریب باریشدن مقصد تیلداشلریمیزنی تفکّر قیلیشگه اونده ش، اؤزلیگی و کیملیگینی انگلش، بیلیشگه تشویق ایتیشدیر.اخ! اؤزبیک لیگیمیز/ تورک لیگیمیز ماهیتیگه اهمیت قره تسک؛ سیزنی-کو، بیلمه دیم مینینگ إیچیم ویران، جانیم و روح و راونیم آغدر-تؤنتر بؤلیب کیته دی. باردی شولردن بیر قـه تیمینی تیلگه آلیشیم بیلن عرب پرستلر هجومیگه دوچ کیله من. تکفیر تاشلری باشیمگه یاغیله باشله یدی. نیمه؟ بیر سین می تورکلیک/ اؤزبیکلیک تاشینی کؤکسیگه اورگووچی؟ یا سینگه قالیبدیمی شو گپلر دیه اؤزیمنی کایئیمن، قیئنه یمن راستینی سؤره سنگیز.

إیشانه بیرینگ، اؤزبیک لیگیمیز نم تارتیب، مسخ بؤلگن، رنگ و قوتی اؤچیب ساپ بؤلیب بارماقده. همّه إیشنی بیر یاققه سوریب، برچه میز شو معمّاگه تــَـرمَـشسک هم کملیک قیله دی عزیزلر. بیزنی باسقینچی عرب فرهنگی اؤزیگه منقورت قیلیب آلگن؛ نیگه شوعادّی مساله نی توشونگیمیزو بیلگیمیز کیلمه یدی؟ نیگه اخیر؟!

منه بو آغریقلی گیلرگه نیمه دیئیسیز حرمتلی ملتداشلریم؟

-عرب سؤزلیگیده بیتّه هم اؤزبیکچه سؤز یؤق؛ عکسینچه اؤزبیک تیلیمیزنینگ ۴۰٪یدن آشیغینی عربچه لغتلر تشکیل ایته دی؛

-مینگ أیل دوامیده عرب اوچون و عرب دینی ایده لوگیه سینی عالمگه یائیش اوچون جان بیریب- جان آلیب، اوچ قطه ده حکمران قیلگن خان و خاقان، پادشاه و سلطانلریمیزنی نیمه دیئسیز؟

-یره تگن پروردگار/الله هم عرب، او عربچه صفت(قهّار، جبار، کویدروچی، یاندرووچی، ظالم، جهادچی، سؤکانغیچ...)لرگه آراسته؛

-توغیلیشیمیز بیلن قولاغیمیزبخت سیزلیک اونلری(اذان)بیلن آچیله دی؛ - آتلریمیزنینگ تخمین ۹۹٪ی عربچه؛ حال بوکه، عربلرده بیراته هم اؤزبیکچه اسم یؤق؛

-ادبیاتیمیزنینگ وزن و ژانرلری عربچه ایمسمی؛

-خدانینگ(؟) ایلچیسی، پیغمبر محمد عرب؛ - چؤقینیش، تاپینیش تامانیمیز مکّه؛

-نماز- نیازیمیز عرب تیلیده؛

-حاجی بؤله ئین دیه باله-چقه نینگ آغزیدن اوریب، تاپگن- توتگه نینگیزنی عرب شیخلریگه باریب تاپشیریب کیله سیز؛

-ایر- خاتینلیک محبت رشته لری عربچه نکاح(اینگ جیرکنچ الفاظ، سؤکینیش، افلاس و حقارت) خطبه سی إیله ابتدا تاپه دی؛

-بو یازوغ عالمنی ترک قیلیب کیتگوده ی بؤلسنگیز ینه باشینگیز اوزره، مقدس کتابدن عربچه توهینلر، عرب تیلیده قرغیش، سؤکینیش، یاوزلیک حرارتی إیله یوغریلگن بی معنی جمله لر ینگیره ی بیره دی؛

-نریگی(؟)دنیا داستانلری هم عربلر قؤلیده!

-باسقینچی عربلر یورتیمیزنی اشغال قیلیب، اؤن مینگلب تورکلیلرنی قیرغین- بارات قیلگنی نینی تاریخیگه حواله قیله میز . خوش، ایندی سیز ائتینگ عزیزلر. اؤزبیکچیلیکدن نیمه قالگن بیزده؟ اوستیگه-اوستک شو بخت سیزلیکلر عوضیگه قاری، ملاّ، آخوند، مولوی، صوفی، شیخ، عارف...لرگه پول هم تؤله میز. اؤلرنی باقیش بیلن آواره خلقمیز دوستلریم.

بو بیتیکلرنی تؤغری توشینیشینگیزنی سؤره یمن. مین ایرقچی، قوم پرست ایمس من. عربلرگه هم هیچ قنده ی عداوتیم یؤق. عکسینچه حرمت قیله من. اولر هم بیز کبی انساندیر.

میلی، ادبی علاقه لر بؤلسه مرحمت، إیکّی تامانلمه بؤلسینده.

خلص، بیشیکدن قبرگچه بؤلگن بو قیسقه حیاتنی عربلرگه تاپشیریب قؤئیگن میز. مینگه تینچلیک بیرمه یاتگن ملی درد حقیده قیسقه قیلیب منه شولرنی یازدیم. بیتگنلریم خطامی، سیز اونگه قرشیمیزسیز؟ التماس، سؤکمسدن، تکفیر قیلمسدن، تهدید قیلمسدن آلدین یازینگ، فکر بیلدیرینگ، استدلال قیلینگ. تورک دیگنده غروریمیز کؤککه سپچیدی. شومی سیز سیوگن، تورکلیک، اؤزبیکچیلیک؟ اؤتمیشده خلقیمیزنینگ مستقل اؤز حرکت، فعالیت و ملی دنیا قره شیدن کیلیب چیققن آغزه کی و یازمه ادبیاتی بؤلگن دیب یوقاریده یازدیم. شو ادبیات اؤز مستقل ژانرلریگه ایگه بؤلگن. مذکور ادبی شکللر سانی انچه گه یته دی. بولر بابیده نوبتده گی مقاله میزده سؤز یوریته میز یا نصیب.

ایکینجی قسم تورکی

خلقلر ادبیاتی نینگ تاریخی جوده قدیمی بؤلیب، اسلامگچه و اوندن کیئینگی دورلرنی هم اؤز إیچیگه قمره ب آله دی. بو اولکن ادبیات اؤزیگه یره شه رنگمه - رنگ ادبی ژانر و پویتیک شکللرگه هم ایگه بؤلگن. اؤتمیشده ایسکی خلق آغزه کی ایجادی و پویتیکه میز شعری ژانرلر بیلن بیرگه اؤزیگه خاص شعری وزن/ اؤلچاولرنی- ده، عکس ایتّریگن. عربلر استلاسیدن کیئن تورکی شعری ژانرلر اورنینی غزل، قصیده، رباعی، فرد، قطعه، مخمس، مستزاد...شعری کبی شکللر ایگلله دی. شونگه قره می، ائریم: تویوق، قؤشیق، تؤرتلیک، إیکّی لیک، سبزوان و باشقه شعری فورملر ادبیاتیمیزده سقله نیب قالدی و شو قالیبده هم انچه گینه بدیعی تفکّر ایجاد ایتیب کیلیندی. ادبیاتشناسلیده شعری شکل و ژانرلرنی اؤرگه نیش، انه شو قطار ادبی ژانرلردن استفاده قیلیش فایده دن خالی ایمس. ایندی شو ادبی ژانرنینگ ماهیتی و تورکی اتمه لری بیلن ته نیشیب آله یلیک.

بیلیگ БИЛИГ/BILIG –

اۏز دوریده بیلیگ سؤزی« بیلیم»،« حکمت»، « دانش»، « عقل» معنالرینی انگلتگن. « بیلیک»دن یسه لگن « بیلگه» اتمه سی ایسه حکمت ائتووچی، حکمت شناس، عاقل، دانا، عقللی عالم کیشیگه نسبتن قؤلـله نیلگن. بیلیگ - حکمت معلوم معناده حاضرگی اؤزبیک تیلی سؤز بالیگیده گی مقال مضمونینی افاده له یدی. اسلام دوری ادبیاتیمیز بیلگ اؤرنینی حکمت ژانری ایگلله دی. شونی تاکیدلب اؤتیش کیره ک که، احمد یسوی، قول عبیدالله خان اؤزبیک کبی ادیبلر حکمت ژانریده فعال اياد قیلیشگن. حکمت یازیش اؤزبیک ادبیاتیده اؤزیگه خاص ژانر صفتیده سقله نیب قالدی. ایندی بؤلسه بیلیگ ائتگن بیلگه لر تیلیدن منه بو نمونه لرنی کیلتیریب اؤته میز. منه بولر ایسه محمود کاشغری نینگ« دیوان اللغات الترک» اثریده قید ایتیلگن. اغیز یسه، کؤز اویه لور- آغیز یسه، کؤز اویه لور. ایتلی تیرنق لی ایزیرمس- ایت تیرناقدن ائریلمس. قرغه قـَـزغه اؤتکونسه بوتی سینور- قرغه اوچیشده غازگه تقلید قیلسه بوتی سینر. قؤش قیلیچ قینغه سیغمس- إیکّی قیلیچ بیر قینگه سیغمَس. اومه کیلسه قوت کیلر- مهمان کیلسه قوت کیلر. الیمچی- ارسلان- بیریمچی- سیچغــَن- آلووچی ارسلان، قرضنی بیرووچی - سیچقان. (محمود کاشغری)

ЎТЛУК/O’tluk-اؤتلوک

پند، اؤگیت/اؤؤت روحیده گی قدیمگی شعریتیمیزگه اؤتلوک دیئیلگن. اؤتلوکلر تربیه موضوعسیده گی بیر نیچه بندلی اؤگیت و نصحیت شعرلرینی افاده ایته دی. محمود کاشغری نینگ دیوانیده قافیه له نیش تیزیمیگه کؤره اؤتلوک ژنریگه خاص إیکّیته گینه شعر سقله نیب قالگن: ۱-اؤتلوک قؤشنی- قؤنوق اغیشقه قیلغیل انغر اغیرلیق ارتوت الیب انونغیل ایزگو تــَـور اؤغورلوق مضمونی: قؤنی-قؤشنی قریناش، کؤرسین سیندن یخشیلیک. نی-نی ساوغه قیلیشگه، یخشیراغین قیل آرتیق. قولسه قه لی اورغه ئین، بیرگیل تقی ازوقلوق. قرغیش قیلور اومه لر، یونچیغ کؤروب قؤنوقلوق. بوگونگی تیلده: کیلسه بیراو یؤقله شیب، بیرگیل یخشی آزوق نان. قرغب کیتر مهمانلر، کوتر بؤلسنگ گر یامان. کیلسه اومه توشیرگیل، تینسین انینگ اروقلوق. ارپه سَمن یه غوت غیل، بؤلسین اتی یروقلوق. بوگونگی تیلده: مهمان کیلسه اؤتکزگیل، هاردیق آلیب تیچ بؤلسین، آتی هم یاروغلوقده، ارپه سامانگه تؤلسین. ۲. اؤتلوک کولسه کیشی یوزینگه، کؤرکلوک یوزین کؤرینگیل. یولیق کوزه ز تیلینگنی، ایزگو سه ویق تیلنگیل. بوگونگی تیلده: کولسه کیشی یوزینگگه، کؤرکلیک بؤلیب کؤرینگیل. شیرین، آچیق سؤز سؤیله، یاقماق اوچون اورین گیل. اونلب اولوغ ته بَرو، تـَـوره ب کیلیب یورگیزگیل. قوره ق أیلین بوزون کؤر، قنده توشر قودی أیل. بوگونگی تیلده: بؤلسه آغیر إیشلرینگ، اؤزگه لرگه بویورمه. اؤزینگنی آچ قالدیریب، باشقه گه آزیق بیرمه. کیلسه کـَه لی قه تیغ لیق، ایرتر تیو سیرینگیل. اؤزلوک إیشین بیلیب تور، انچه انگر تیره نلگیل. بوگونگی تیلده: کیلسه قنچه قتیقلیق، اؤتیب کیتر، صبر ایتگیل. دنیا إیشین بیلیب تور، اؤزینگنی بیغم توتگیل. بؤلمیش نیگیر سیور سین، ارقون انگر سینوگیل. بیرمیش نی نیک سَقینمه، ازره ق انگر اؤکونگیل. بوگونگی تیلده: بارلیق ملک ینگ سیورسین، اونگه کمراق سیوینگیل. کیتگن مالگه اچینمه، اونگه آزراق اؤکینگیل. منبع: تورکی ادبیات نینگ قدیمی قتلملر - عبدالرشید عبدالرحمن اف - « دیوان اللغات الترک» محمود کاشغری. —

شعر شاهکار تغییر اسامی شهرهای آذربایجان در زمان رضاشاه از زبان شاعر جوان

"ناصر شهبازی متخلص به "آشیق اوغلو" تغییر اسامی جغرافیایی آذربایجان توسط حکومت پهلوی را این چنین با زبان شعر بیان و در حقیقت درمان میکند:

بابالاردان قالان یادیگار ائله
یادلاری چئویریب قاتانا لعنت
تورکو یئر اؤلکه نین تورکو اوبانین
آدلارین چئویریب قاتانا لعنت

بابالار تورکو آد قویدو هر یانا
اوشاغی یئکه لیب یوردونو قانا
کئچمیشین بیله او، باش اوجا قالا
بابالار رسمینی قاتانا لعنت

منیم ده یوردومدو گؤزل اوجانیم
سهنده دایانیب اؤره ییم جانیم
بوستان آباد دئییر، اوجانی دانیم
اؤز ائلین آیریبا ساتانا لعنت

سرسکند پوزولدو، اولدو هشت رود
آجی چای سیلیندی، اولدو تلخه رود
بیلمیرم سیلَنلر، گؤرؤرلر نه سود
آنا دیلده آدی قاتانا لعنت

توفارقان نه ییدی، آذرشهر اولدو
خانا دا چئوریلدی، پیرانشهر اولدو
او گؤزل خییاو دا، مشکین شهر اولدو
دوغما یوردون آدین دانانا لعنت

ملک کندی یاندی، چیخدی ملکان
بَی کندین چئویریب، اولوبدور بوکان
بزکلی گـؤن دوغان، اولدو کندوان
تورک ائلین آدینی قاتانا لعنت

اورمودا قوشاچای، آدی سیلیندی
یازدی میان دو آب، تزه دیلیندی
تیکان تپه چؤنؤب، تکاب بیلیندی
سولدوزو نقده، قانانا لعنت

قاراداغ دا، ارس بارانا دؤندو
ساری داش سیلیندی، سردشته چؤندؤ
ساوه لر بزندی، ساووج دا سؤندؤ
آراز چایین ارس، یازانا لعنت

ساووج بولاق قالسا، هر دین قاریشار
مهاباد اولونسا، ائللر باریشار
سایین قالا اوچوب، شاهین دژ یاشار
یالان دئییب دینی قاتانا لعنت

قَشه مین میشوو، میشاب یازیلدی
قدس اوجالدی، قره آغاج پوزولدو
زنجان گلدی زنگان، آدی قازیلدی
حاق اولسا هئچ، ناحاق یازانا لعنت

تـۆرکـۆ آد سیلیندی، یالان دووارا
یالان دیلده آدلار، ائله قورولا
اوشاغلار یئکه لیب، تـۆرکدن یورولا
دۆز سؤز یئرینده، یالانا لعنت

ایسته دی ائلیمنن، آرالی اولام
یوردومدا تک قالیب، یارالی اولام
اؤزۆ هارالیدی، اورالی اولام
تورکونون آذری یازانا لعنت

آچ گوزونو اویان تـۆرکـۆن بالاسی
هارای سال تیتره سین بابک قالاسی
گؤیلره اوجالسین حقین بیناسی
میللتلر حققینه باتانا لعنت

آشیق اوغلو دئییر سؤزلرین عیان
قویما حقین گئده، غفلتدن اویان
تـۆرکـۆ دیلده یاشا آزاده بیان
دۆزۆ یالان ائدیب اویانا لعنت

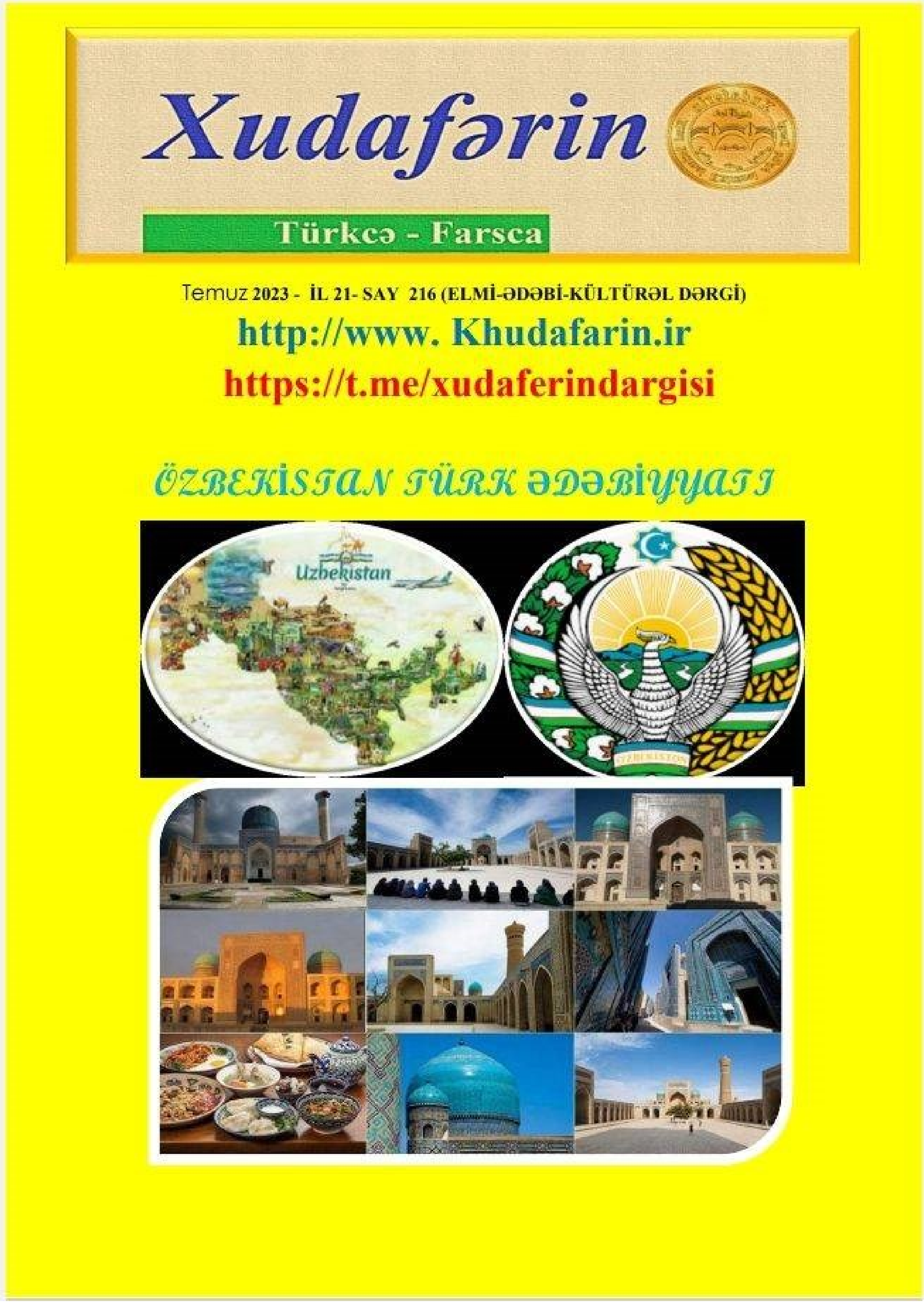
Xudafərin

Türkcə - Farsca

Temuz 2023 - İL 21- SAY 216 (ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ)

http://www. Khudafarin.ir

https://t.me/xudaferindargisi

ÖZBEKİSTAN TÜRK ƏDƏBİYYATI